

اقتصادی، تحلیلی

سال بیست و نهم - مهر ۱۴۰۰ قیمت: ۲۰۰۰ تومان

پازل رتبه جهانی اقتصاد ایران



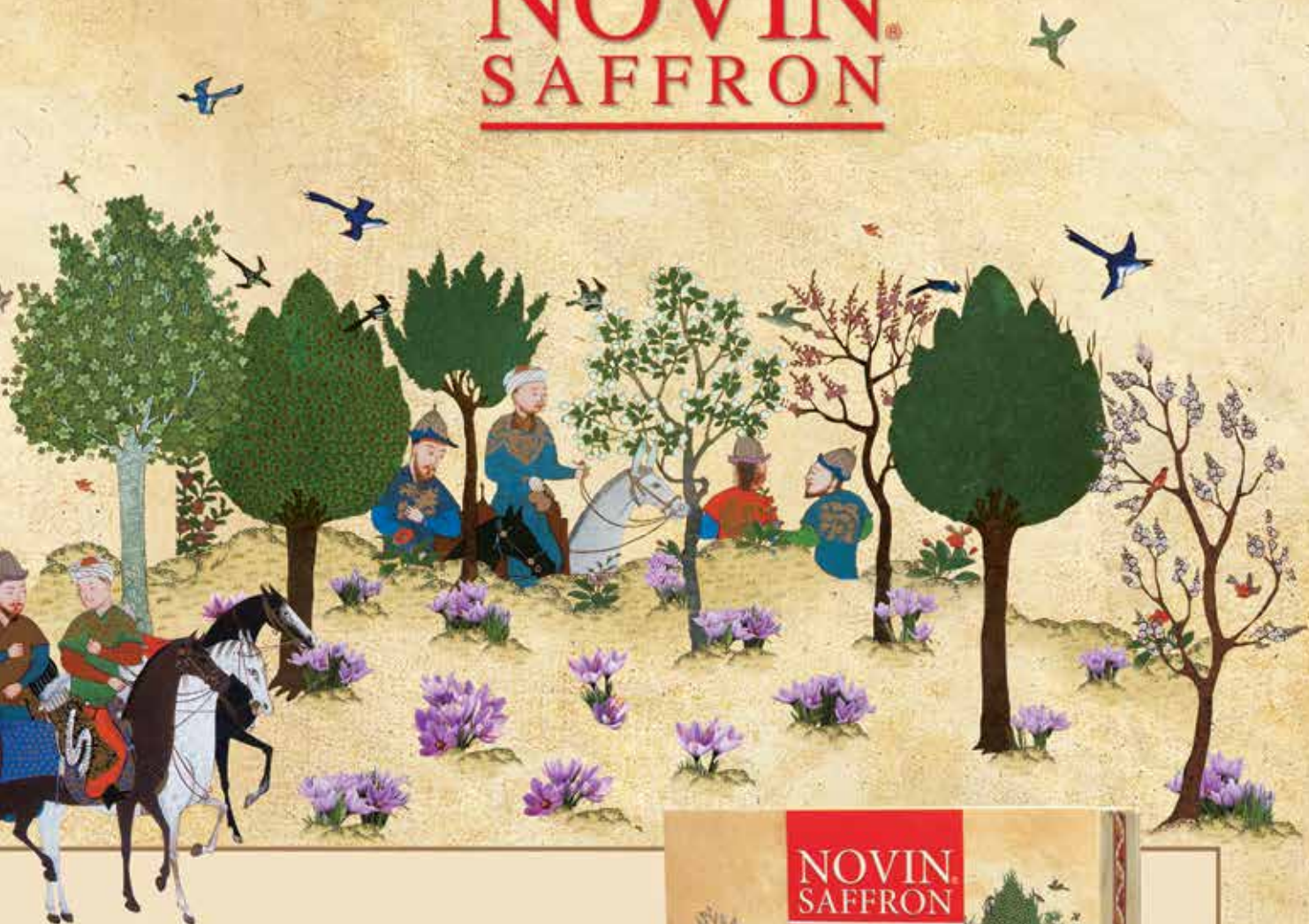
شاخص های فضای کسب و کار در ایران و مقایسه آن با سایر کشور

کارنامه ۵ ماهه اقتصاد ایران

هفت خوان اقتصاد

چشم انداز گذار از کرونا

NOVIN SAFFRON



saffron@novinsaffron.com
[novinsaffron](https://www.instagram.com/novinsaffron)
[09123317986](https://www.facebook.com/novinsaffron)
[novinsaffron](https://www.linkedin.com/company/novinsaffron)

کارخانه: مشهد، شهرک صنعتی توس، نیش اندیشه ۶، پردیس نوین زعفران

تلفن: ۰۵۱-۳۲۲۵۳۱۴۷ فکس: ۰۵۱-۳۲۲۵۵۲۲۶

دفتر خدمات مشتریان تهران: اتوبان شهید چمران، پارک وی، خیابان جوانان، ابتدای خیابان ب پلاک ۱، طبقه سوم، واحد ۷

تلفن: ۲۲۰۱۵۸۰۰-۲۲۰۱۱۷۰۰-۲۲۰۱۱۸۰۰



- ۲ یادداشت / آمار تکان دهنده بانک جهانی
- ۳ شاخص های فضای کسب و کار در ایران و مقایسه آن با سایر کشور
- ۶ کارنامه ۵ ماهه اقتصاد ایران
- ۱۱ قله عمیق در آمد ملی
- ۱۲ هفت خوان اقتصاد
- ۱۴ پازل رتبه جهانی اقتصاد ایران
- ۱۸ تقلیل رتبه کشور از پله ۲۶ اقتصاد جهان به ۵۱
- ۱۹ دوئل نافر جام مقررات زدایی
- ۲۲ بررسی بازار خودروی جهان
- ۲۵ شاخص بهای کالای صادرات طی فصل نخست ۱۴۰۰
- ۲۶ چشم انداز گذار از کرونا
- ۳۲ یار دوازدهم مگا پروژه ابریشم
- ۳۶ تاثیر ویران کننده تحریم بر موقعیت ژئواکونومیک ایران
- ۴۲ بی ثباتی قوانین، همچنان گلایه مهم فعالان اقتصادی

صاحب امتیاز و مدیر مسؤل:

مهندس حمیدرضا شوشتریان

زیر نظر شورای نویسندگان

سر دبیر:

مهندس حسین کوه زاد

گروه ترجمه:

زهرا پزشکی

ویراستار:

احمد حسین زاده

طراحی و صفحه آرایی:

هدی امیر

عکس:

حسین نظامی

واحد بازرگانی:

جلیل فروتن - الهه ارجمند

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

روابط عمومی:

محبوبه احمدپور

پایگاه اینترنتی:

فرشاد عباسی

نشانی:

تهران - شریعتی - خیابان دستگردی

پلاک ۷۴

طبقه دوم - واحد ۳

تلفن: ۰۲۱-۲۲۲۲۰۹۶۱

دورنگار: ۰۲۱-۲۲۲۶۹۰۳۲

مشهد - خیابان راهنمایی - برج سلمان

طبقه ۸ - واحد ۲

تلفکس: ۰۵۱-۳۸۴۴۳۰۷۴

www.eghtesadasia.ir
eghtesadeasia@gmail.com

آمار تکان دهنده بانک جهانی

حسین کوه زاد

آخرین آمار بانک جهانی نشان می‌دهد؛ اقتصاد ایران با GDP حقیقی ۱۹۲ میلیارد دلاری در حال حاضر رتبه ۵۱ جهان را دارد. یعنی نصف امارات یا حتی یک چهارم ترکیه! آماری شوک‌برانگیز برای ایران؛ کشوری که قرار بود تا سال ۱۴۰۴ اولین قدرت منطقه باشد و یکی از قدرت‌های اقتصادی جهان، حالا در رتبه پنجاه و یکم جهان قرار گرفته است.

این آمار نشان می‌دهد تولید ناخالص داخلی ایران کاهش یافته اما آمارهای صندوق بین‌المللی پول نشان‌دهنده افزایش تولید ناخالص داخلی است. دلیل این تفاوت را باید در نرخ چندگانه ارز جست‌وجو کرد که علاوه بر همه مشکلات داخلی، سازمان‌های بین‌المللی را نیز در محاسبه تولید ناخالص داخلی دچار اشتباه کرده است.

بحث درباره اندازه اقتصاد ایران و رتبه اقتصادی کشورمان در مقایسه با سایر کشورها بار دیگر داغ شده است. اکنون این پرسش مطرح شده که ایران در مقایسه با سایر کشورها چه جایگاه اقتصادی دارد؟

اکنون که اندازه اقتصاد ایران به موضوعی پر بحث تبدیل شده، دلیلش انتشار آمارهای به‌روز شده بانک جهانی است که بر اساس آن تولید ناخالص داخلی کشورمان در سال ۲۰۲۰ برابر با ۱۹۲ میلیارد دلار بوده است. این در حالی است تولید ناخالص داخلی ایران در سال گذشته ۲۵۸ میلیارد دلار اعلام شده بود و بنابراین بر اساس آمار جدید، تولید ناخالص داخلی در سال گذشته میلادی به سطح سال ۲۰۰۴ باز گشته است. اما واقعاً اقتصاد ایران تا این اندازه کوچک شده است؟

محاسبه GDP توسط نهادهای داخلی هر کشوری انجام می‌شود. به‌طور مثال در ایران بانک مرکزی و مرکز آمار سالانه این شاخص را محاسبه می‌کنند. سپس همین آمار برای مقایسه کشورها در سطح جهان به دست نهادهایی همچون صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی می‌رسد. آن‌ها هم اقدام به انتشار لیست رتبه‌بندی شده کشورهای جهانی در شاخص GDP می‌کند.

البته شاخص تولید ناخالص داخلی هر کشور ابتدا بر اساس واحد پولی همان کشور محاسبه می‌شود. یعنی بانک مرکزی ایران شاخص GDP را بر اساس ریال گزارش می‌کند؛ در کشورهای اروپایی این شاخص بر حسب یورو و اعلام می‌شود؛ هند به روپیه، چین به یوان، ژاپن به ین و آمریکا هم به دلار گزارش می‌دهند. ولی در گزارش‌های جهانی برای مقایسه کشورها، تولید ناخالص داخلی بر اساس نرخ دلار و قدرت برابری خرید محاسبه می‌شود.

مشکل این بود که تا اینجا، درآمد محاسبه شده ریالی کشور ما با دلار ۴۲۰۰ تومانی تبدیل می‌شد. همین باعث شده بود میزان تولید ناخالص داخلی ایران بیش از حد واقعی نشان داده شود. برای مثال به پشتوانه همین آمار، سال ۲۰۲۰ ایران در گزارش صندوق بین‌المللی پول اقتصاد بیست و دوم جهان معرفی شده بود. حالا اما بانک جهانی این آمار را با نرخ حقیقی دلار محاسبه کرده است.

عدد GDP ایران در این محاسبه شوکه‌کننده است. تنها ۱۹۲ میلیارد دلار! این یعنی اندازه اقتصاد ایران بانزدیک ۸۵ میلیون نفر جمعیت، نصف امارات، یک چهارم ترکیه و یک صدم آمریکا است!

علت افت شدید تولید ناخالص داخلی ایران تورم بالا، عدم سرمایه‌گذاری خارجی، افت جریان صادرات و واردات و قطع جریان سرمایه است، حالا دیگر بازار هدف برای ما بسیار کم شده و حتی در جذب سرمایه‌گذار خارجی هم بسیار محدود خواهیم بود.

شاخص های فضای کسب و کار در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها

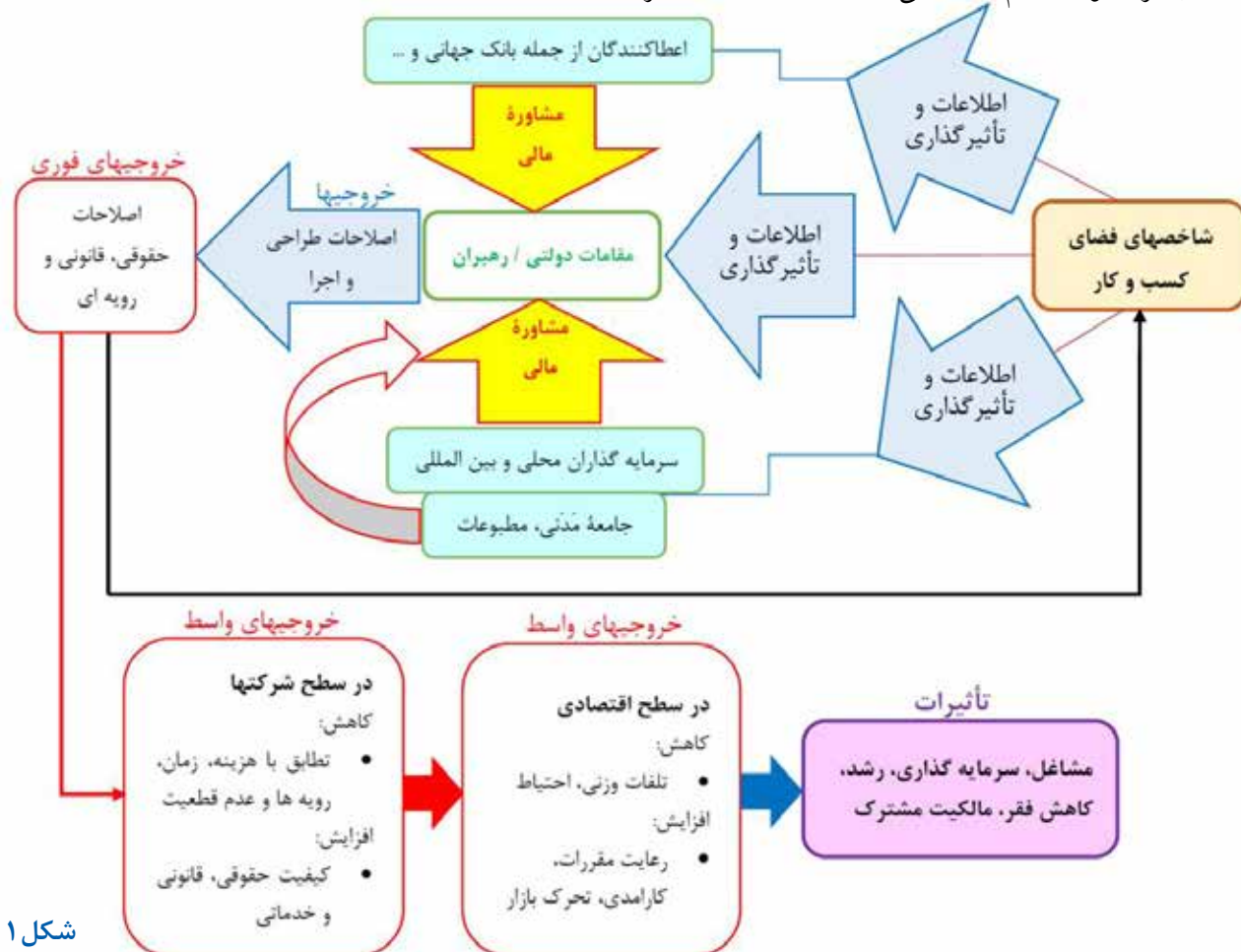
زهرا پزشکی

هدف اصلی آنها فقرزدایی و افزایش رفاه شهروندی است، پیشرفت ابتکارات حوزه ها در سطح بین المللی، کارآمدی توسعه و تغییرات اساسی خصوصاً در حوزه سیاستگذاریها و نظارت بر اقتصاد را به دنبال داشته باشند [۱-۵]. معمولاً داده های این شاخصها در هر کشور از طریق پرسشنامه ای که به متخصصان محلی، از جمله وکلا، مشاوران تجاری، حسابداران، حمل و نقل، مقامات دولتی و سایر متخصصان آن کشور ارسال می شود، جمع آوری می گردند. شکل ۱ نحوه به کارگیری شاخصهای فضای کسب و کار از شروع تا انتها که به تأثیرگذاری می انجامند را نشان می دهد [۶].

از جمله مهمترین شاخصهای فضای کسب و کار که توسط بانک جهانی و دیگر اعطاکنندگان برای ارزیابی کشورها مورد استفاده قرار می گیرند می توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- (۱) سهولت انجام کسب و کار / اشتغال کارگران
- (۲) شروع کسب و کار
- (۳) رسیدگی به مجوزهای ساخت و ساز
- (۴) دریافت برق

شاخص های فضای کسب و کار از سال ۲۰۰۳ با هدف ارائه اقدامات عینی تجاری و اجرای آنها در ۱۹۰ کشور جهان از جمله ایران به وجود آمده و به کار گرفته شده اند. در واقع بهره گیری از این شاخصها بیشتر به منظور ارائه حمایتهای تجاری و قانونی بوده است که باید در طول زمان از طرف اعطاکنندگان آن از جمله بانک جهانی به کشورها ارائه گردد. هدف اصلی از به کارگیری این شاخصها هم سهولت اشتغال زایی و انجام مشاغل گسترده می باشد. این شاخصها به صورت رتبه بندی لحاظ می گردند و در اصل باید بتوانند از طریق معیارهای هر کشور با انجام اصلاحاتی که



شکل ۱

۵) ثبت ملک

۶) دریافت اعتبار

۷) حفظ اقلیت سرمایه گذاران

۸) پرداخت مالیات

۹) تجارت در کل مرزها

۱۰) اجرای قراردادهای

۱۱) برطرف نمودن ورشکستگیها

در حقیقت یکی از دلایل مهم بودن شاخصهای فوق این است که این شاخصها روی خیلی از شاخصهای دیگر از جمله رقابت پذیری جهانی، آزادی اقتصادی و غیره تأثیر می گذارند. شکل ۲ درصد شاخصهای فضای کسب و کار جهان از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰ را نشان می دهد [۳].

اگرچه شاخصهای فضای کسب و کار برای انجام اصلاحات خیلی ضروری به حساب می آیند، ولی اگر اصلاحات به شیوه زیر انجام بگیرند، همواره کاستیهایی را به دنبال خواهند داشت:

• در درجه اول بر روی هزینه ها تمرکز داشته باشند.

• تأثیرات خود را پیگیری نکنند.

• نتوانند به طور کامل و دقیق به تفاوت های ظریف و ویژگیهای خاص کشور توجه نمایند.

• متناقض با آن چیزی که مدنظر است، عمل نمایند.

• به طور مستمر دنبال نشوند.

• حوزه های مهم حقوقی و نظارتی را نادیده بگیرند.

لذا اصلاحات باید به طریق زیر دنبال گردند:

• منطبق با ملاحظات سیاستگذاریهای عمومی، جایگاه بین المللی و با جذب سرمایه گذاری خارجی پیش بروند تا به ارتقای رتبه کشورها کمک نمایند.

• دولت ها را ترغیب به اصلاح سیاستگذاریها نموده و مناطق ضعیف هر کشور را تحت پوشش و حمایت خود قرار بدهند.

• مشوقی برای سرمایه گذاری داخلی و خارجی باشند.

• نقش گروه های مدنی جامعه به طور شفاف و ملموس در آنها دیده شود.

در حال حاضر، ۵ فاکتور زیر در ارزیابی اصلاحات نقش به سزایی دارند:

۱. درون زایی: این فاکتور به اندازه گیری موانع حل نشده هر کشور در ارتباط با فعالیتهای

جدول ۱. دسته بندی و رتبه شاخصهای فضای کسب و کار کشورها													
رتبه	نام کشور	سهولت انجام کسب و کار / اشتغال کارگران	شروع کسب و کار	رسیدگی به مجوزهای ساخت و ساز	دریافت برق	ثبت ملک	دریافت اعتبار	حفظ اقلیت سرمایه گذاران	پرداخت مالیات	تجارت در کل مرزها	اجرای قراردادهای	برطرف نمودن ورشکستگیها	رتبه
خیلی راحت	نیوزیلند	۱	۱	۷	۴۸	۲	۱	۳	۹	۶۳	۲۳	۳۶	۳۶
خیلی راحت	سنگاپور	۲	۴	۵	۱۹	۲۱	۳۷	۳	۷	۴۷	۱	۲۷	۲۷
خیلی راحت	هنگ کنگ	۳	۵	۱	۳	۵۱	۳۷	۷	۲	۲۹	۳۱	۴۵	۴۵
خیلی راحت	دانمارک	۴	۴۵	۴	۲۱	۱۱	۴۸	۲۸	۸	۱	۱۴	۶	۶
خیلی راحت	کره جنوبی	۵	۳۳	۱۲	۲	۴۰	۶۷	۲۵	۲۱	۳۶	۲	۱۱	۱۱
خیلی راحت	ایالات متحده	۶	۵۵	۲۴	۶۴	۳۹	۴	۳۶	۲۵	۳۹	۱۷	۲	۲
خیلی راحت	گرجستان	۷	۲	۲۱	۴۲	۵	۱۵	۷	۱۴	۴۵	۱۲	۶۴	۶۴
خیلی راحت	انگلستان	۸	۱۸	۲۳	۸	۴۱	۳۷	۷	۲۷	۳۳	۳۴	۱۴	۱۴
خیلی راحت	نروژ	۹	۲۵	۲۲	۴۴	۱۵	۹۴	۲۱	۳۴	۲۲	۳	۵	۵
خیلی راحت	سوئد	۱۰	۳۹	۳۱	۱۰	۹	۸۰	۲۸	۳۱	۱۸	۳۹	۱۷	۱۷
خیلی راحت	لبنانی	۱۱	۳۴	۱۰	۱۵	۴	۴۸	۳۷	۱۸	۱۹	۷	۸۹	۸۹
خیلی راحت	مالزی	۱۲	۱۲۶	۲	۴	۳۳	۳۷	۲	۸۰	۴۹	۳۵	۴۰	۴۰
خیلی راحت	موریتس	۱۳	۲۰	۸	۲۸	۲۳	۶۷	۱۸	۵	۷۲	۲۰	۲۸	۲۸
خیلی راحت	استرالیا	۱۴	۷	۱۱	۶۲	۴۲	۴	۵۷	۲۸	۱۰۶	۶	۲۰	۲۰
خیلی راحت	تایوان	۱۵	۲۱	۶	۹	۲۰	۱۰۴	۲۱	۳۹	۶۱	۱۱	۲۳	۲۳
خیلی راحت	امارات متحده عربی	۱۶	۱۷	۳	۱	۱۰	۴۸	۱۳	۳۰	۹۲	۹	۸۰	۸۰
خیلی راحت	فنلاند	۲۰	۳۱	۴۲	۲۴	۳۴	۸۰	۶۱	۱۰	۳۷	۴۵	۱	۱
خیلی راحت	تایلند	۲۱	۴۷	۳۴	۶	۶۷	۴۸	۳	۶۸	۶۲	۳۷	۲۴	۲۴
خیلی راحت	آلمان	۲۲	۱۲۵	۳۰	۵	۷۶	۴۸	۶۱	۴۶	۴۲	۱۳	۴	۴
خیلی راحت	کانادا	۲۳	۳	۶۴	۱۲۴	۳۶	۱۵	۷	۱۹	۵۱	۱۰۰	۱۳	۱۳
خیلی راحت	روسیه	۲۸	۴۰	۲۶	۷	۱۲	۲۵	۷۲	۵۸	۹۹	۲۱	۵۷	۵۷
خیلی راحت	زاین	۲۹	۱۰۶	۱۸	۱۴	۴۳	۹۴	۵۷	۵۱	۵۷	۵۰	۳	۳
خیلی راحت	اسپانیا	۳۰	۹۷	۷۹	۵۵	۵۹	۸۰	۲۸	۳۵	۱	۲۶	۱۸	۱۸
خیلی راحت	چین	۳۱	۲۷	۳۳	۱۲	۲۸	۸۰	۲۸	۱۰۵	۵۶	۵	۵۱	۵۱
خیلی راحت	فرانسه	۳۲	۳۷	۵۲	۱۷	۹۹	۱۰۴	۴۵	۶۱	۱	۱۶	۲۶	۲۶
خیلی راحت	ترکیه	۳۳	۷۷	۵۳	۴۱	۲۷	۳۷	۲۱	۲۶	۴۴	۲۴	۱۲۰	۱۲۰
خیلی راحت	فلسطین اشغالی/اسرائیل	۳۵	۲۸	۳۵	۸۳	۷۵	۴۸	۱۸	۱۳	۶۷	۸۵	۲۹	۲۹
خیلی راحت	سوئیس	۳۶	۸۱	۷۱	۱۳	۱۸	۶۷	۱۰۵	۲۰	۲۶	۵۷	۴۹	۴۹
خیلی راحت	هلند	۴۲	۲۴	۸۸	۵۸	۳۰	۱۱۹	۷۹	۲۲	۱	۷۸	۷	۷
خیلی راحت	بحرین	۴۳	۶۷	۱۷	۷۲	۱۷	۹۴	۵۱	۱	۷۷	۵۹	۶۰	۶۰
راحت	ایتالیا	۵۸	۹۸	۹۷	۳۸	۲۶	۱۱۹	۵۱	۱۲۸	۱	۱۲۲	۲۱	۲۱
راحت	عربستان سعودی	۶۲	۳۸	۲۸	۱۸	۱۹	۸۰	۳	۵۷	۸۶	۵۱	۱۶۸	۱۶۸
راحت	هند	۶۳	۱۳۶	۲۷	۲۲	۱۵۴	۲۵	۱۳	۱۱۵	۶۸	۱۶۳	۵۲	۵۲
راحت	عمان	۶۸	۳۲	۴۷	۳۵	۵۲	۱۴۴	۸۸	۱۱	۶۴	۶۹	۹۷	۹۷
راحت	ازبکستان	۶۹	۸	۱۳۲	۳۶	۷۲	۶۷	۳۷	۶۹	۱۵۲	۲۲	۱۰۰	۱۰۰
راحت	اندونزی	۷۳	۱۴۰	۱۱۰	۳۳	۱۰۶	۴۸	۳۷	۸۱	۱۱۶	۱۳۹	۳۸	۳۸
راحت	قطر	۷۷	۱۰۸	۱۳	۴۹	۱	۱۱۹	۱۵۷	۳	۱۰۱	۱۱۵	۱۲۳	۱۲۳
راحت	آفریقای جنوبی	۸۴	۱۳۹	۹۸	۱۱۴	۱۰۸	۸۰	۱۳	۵۴	۱۴۵	۱۰۲	۶۸	۶۸
راحت	فیلیپین	۹۵	۱۷۱	۸۵	۳۲	۱۲۰	۱۳۲	۷۲	۹۵	۱۱۳	۱۵۲	۶۵	۶۵
متوسط	سريلانكا	۹۹	۸۵	۶۶	۸۹	۱۳۸	۱۳۲	۲۸	۱۴۲	۹۶	۱۶۴	۹۴	۹۴
متوسط	پاکستان	۱۰۸	۷۲	۱۱۲	۱۲۳	۱۵۱	۱۱۹	۲۸	۱۶۱	۱۱۱	۱۵۶	۵۸	۵۸
متوسط	غنا	۱۱۸	۱۱۶	۱۰۴	۷۹	۱۱۱	۸۰	۷۲	۱۵۲	۱۱۷	۱۱۷	۱۶۱	۱۶۱
متوسط	برزیل	۱۲۴	۱۳۸	۱۷۰	۹۸	۱۳۳	۱۰۴	۶۱	۱۸۴	۱۰۸	۵۸	۷۷	۷۷

جدول ۱. دسته بندی و رتبه شاخصهای فضای کسب و کار کشورها													
متوسط	آرژانتین	۱۲۶	۱۴۱	۱۵۵	۱۱۱	۱۲۳	۱۰۴	۶۱	۱۷۰	۱۱۹	۹۷	۱۱۱	
متوسط	ایران	۱۲۷	۱۷۸	۷۳	۱۱۳	۷۰	۱۰۴	۱۲۸	۱۴۴	۱۲۳	۹۰	۱۳۳	
زیر متوسط	بنگلادش	۱۶۸	۱۳۱	۱۳۵	۱۷۶	۱۸۴	۱۱۹	۷۲	۱۵۱	۱۷۶	۱۸۹	۱۵۴	
زیر متوسط	عراق	۱۷۲	۱۵۴	۱۰۳	۱۳۱	۱۲۱	۱۸۶	۱۱۱	۱۳۱	۱۸۱	۱۴۷	۱۶۸	
زیر متوسط	افغانستان	۱۷۳	۵۲	۱۸۳	۱۷۳	۱۸۶	۱۰۴	۱۴۰	۱۷۸	۱۷۷	۱۸۱	۷۶	
زیر متوسط	یمن	۱۸۷	۱۵۶	۱۸۶	۱۸۷	۸۶	۱۸۶	۱۶۲	۸۹	۱۸۸	۱۴۳	۱۵۹	
زیر متوسط	ونزوئلا	۱۸۸	۱۹۰	۱۷۵	۱۷۴	۱۴۵	۱۳۲	۱۷۰	۱۸۹	۱۸۸	۱۵۰	۱۶۵	
زیر متوسط	سومالی	۱۹۰	۱۸۸	۱۸۶	۱۸۷	۱۵۳	۱۸۶	۱۹۰	۱۹۰	۱۶۶	۱۱۶	۱۶۸	

ملک ایران به خاطر افزایش متوسط ارزش زمین مشمول مالیات، همچنان در حال افزایش است که همین امر موجب گرانتر شدن انتقال املاک گردیده است. بر طبق همین گزارش، ایران یکی از کشورهای پر خوردار از شاخصهای فضای کسب و کار متوسط شناخته می شود. جدول ۱ رتبه شاخصهای فضای کسب و کار و دسته بندی برخی کشورها از جمله ایران را نشان می دهد [۱] و [۲]. در این دسته بندی، کشورها بر اساس رتبه بندی شاخصهای فضای کسب و کار خود در دسته خیلی راحت، راحت، متوسط و زیر متوسط جای می گیرند.

[1] World Bank. 2004. Doing Business in 2004: Understanding Regulation. Washington, DC: World Bank.

[2] World Bank. 2004–20. Doing Business Annual Reports. Washington, DC: World Bank.

[3] Besley, T. 2015. "Law, Regulation, and the Business Climate: The Nature and Influence of the World Bank Doing Business Project." *Journal of Economic Perspectives* 29 (3): 99–120.

[4] Doshi, R., J. G. Kelley, and B. A. Simmons. 2019. "The Power of Ranking: The Ease of Doing Business Indicator and Global Regulatory Behavior." *International Organization* 73 (3): 611–643.

[5] Haidar, J. I. 2012. "The Impact of Business Regulatory Reforms on Economic Growth." *Journal of the Japanese and International Economies* 26 (3): 285–307.

[6] Independent Evaluation Group, Doing Business website, <https://www.doingbusiness.org/>, and review of World Bank Group literature.

رسمی تجاری و ورود به کسب و کار می پردازد. مثلاً کاهش نرخ مالیات تنها در صورتی معنی دار است که نرخ هایی که مشاغل پرداخت می کنند با نرخ های رسمی مطابقت داشته و مشاغل و نمایندگان مالیاتی را بر سر میز مذاکره نکشانند.

۲. کسری داده ها: جهت اصلاح نتایج به ارزیابی کمبود داده های جایگزین و زیربنایی می پردازد. لذا در این راستا، استفاده از ابزارهای نسبتاً گسترده ای مثل نظرسنجیهای سازمانی توصیه نمی گردد.

۳. شناسایی: شناسایی کشورهایی که از این اصلاحات حمایت می کنند.

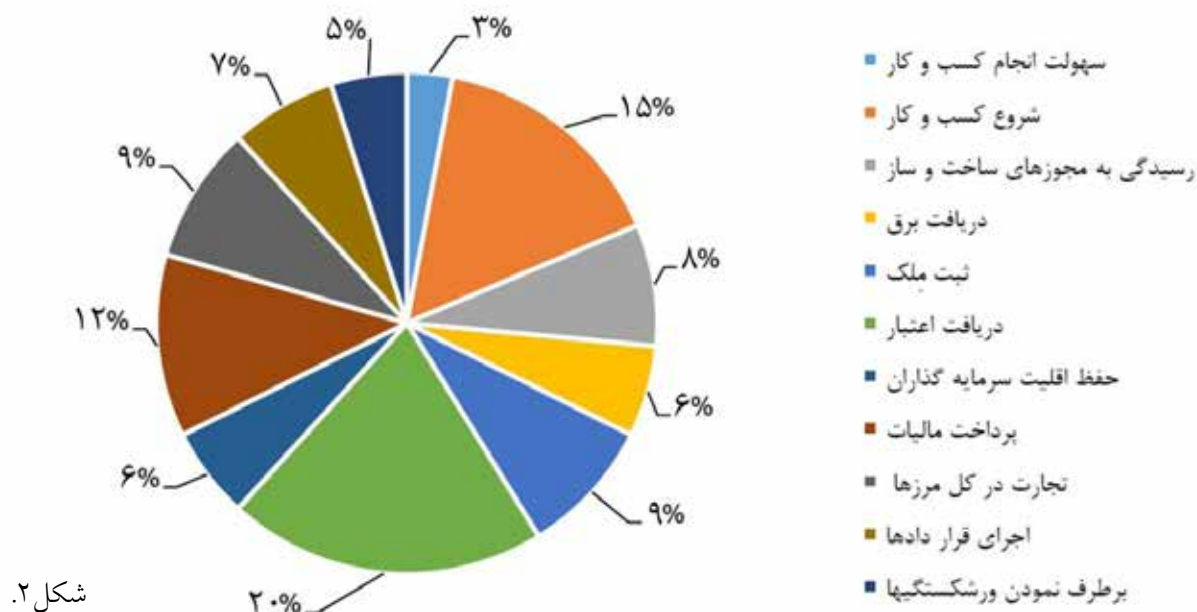
۴. انتساب: استفاده از تفکرات شایع هر کشور در استفاده از اصلاحاتی که با آنها به ایجاد ابزارهای تشخیصی و خوداشتغالی خود پرداخته است.

۵. کوید ۱۹: از سال ۲۰۱۹ به بعد ارزیابیهای میدانی کوید ۱۹ در خصوص پیگیری همه گیری با سفرهای گسترده و تماس با ذینفعان جهت درک بهتر نحوه تعامل کشورها هم به جمع ارزیابی فوق اضافه گردیده اند.

نگاهی به وضعیت شاخص های فضای کسب و کار در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها

طبق گزارش بانک جهانی، شاخص ثبت

درصد شاخصهای فضای کسب و کار جهانی از سال ۲۰۰۵ تا ۲۰۲۰



شکل ۲.



اثر فعل و انفعالات پولی و تورمی تا فعال شدن موتور رشد اقتصادی

کارنامه ۵ ماهه اقتصاد ایران

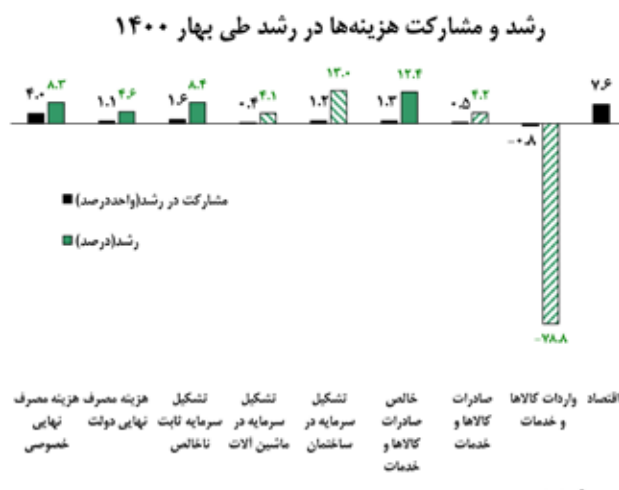
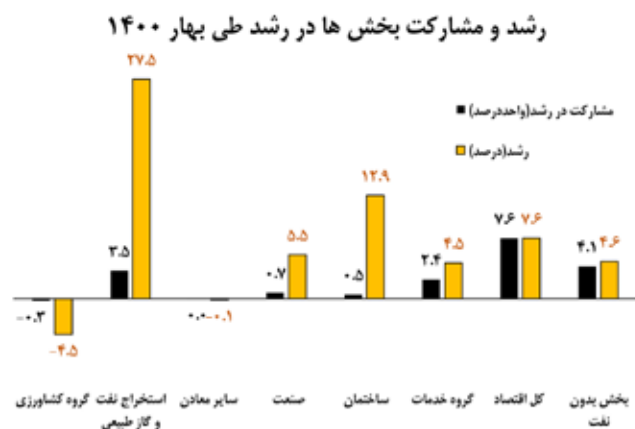
حسین کوه زاد

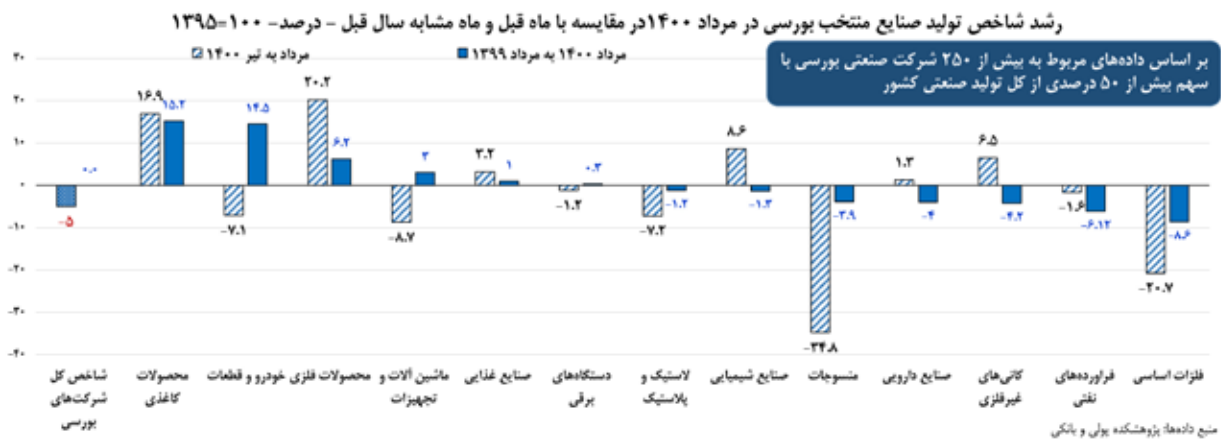
مصرفی دیده می شود و امکان برگشت تورم از قله ۴۰ درصدی تا پایان پاییز وجود نخواهد داشت. در تصویر دوم از محیط کلان اقتصاد ایران شواهد آماری خروج از تله رشد منفی اقتصادی قابل رویت است. هرچند بالاترین سطح تولید بدون نفت در بهار امسال در مقایسه با سایر فصول مشابه دهه ۹۰ محقق شده، اما سطح تولید نفت در بهار امسال کاهش ۴۱ درصدی نسبت به سال ۹۰ داشته است. نکته قابل توجه آنکه کشاورزی و معدن بخش های جامانده از رشد بهار امسال محسوب می شوند و تولید صنعتی نیز هنوز از مشکلات مربوط به نوسانات ارزی، رکود تقاضا و استمرار قطعی برق رنج می برد.

نقدینگی بر قله ۴ میلیون میلیاردی

مروری بر آخرین وضعیت شاخص های اقتصادی منتخب مطابق بررسی های اتاق تهران نشان می دهد که با وجود پدیدار شدن نشانه های کاهش افت تولید، بازارهای اقتصادی همچنان نگران بی انضباطی های پولی و مالی موجود هستند. براساس آخرین گزارش بانک مرکزی، در پنج ماهه امسال ۴۴۵ هزار میلیارد تومان به حجم نقدینگی اضافه شده است. به عبارتی روزانه ۲/۸ هزار میلیارد تومان پول جدید در بازارهای مختلف به گردش درآمده است. بارشد ۱۲/۸ درصدی نقدینگی در مدت یاد شده اکنون حجم نقدینگی به ۳۹۲۱ هزار میلیارد تومان رسیده که اندکی با قله چهار میلیون میلیاردی فاصله دارد. متوسط رشد ماهانه نقدینگی حدوداً سه درصد بوده که اگر این روند تا پایان سال حفظ شود انتظار می رود حجم نقدینگی به حدود

اقتصاد ایران در پنج ماهه نخست امسال از تحرکات جدید در بازار پول و دارایی ها خبر می دهد. با اضافه شدن ۴۴۵ هزار میلیارد تومان پول جدید به چرخه اقتصاد، نقدینگی به مرز چهار میلیون میلیاردی نزدیک شده است. به دلیل افزایش سقف مجاز استفاده از تنخواه گردان خزانه از سه به چهار، سهم پایه پولی در رشد نقدینگی پنج ماهه امسال به ۱۲/۵ درصد رسیده است. افت ۵۲ درصدی فروش اوراق دولتی در مدت یاد شده با وجود کسری بالای بودجه هشداری جدی برای دست درازی های بیشتر دولت به منابع بانک مرکزی است. با وجود شیب تند افزایش پایه پولی در ماه های خرداد و تیر اما، سرعت رشد آن در مرداد با اندکی کاهش همراه بوده است؛ در مقابل نمودار رشد حجم پول در ماه مرداد به سمت بالا متمایل شده که





امسال ۵۲ درصد کمتر از مدت مشابه سال گذشته است. در پنج ماهه سال گذشته بانک مرکزی توانسته بود ۷۰/۵ هزار میلیارد تومان از محل فروش اوراق منابع مالی برای دولت تامین کند. بنابراین به نظر می‌رسد که ابزارهای پولی بانک مرکزی کارایی خود را در سال جاری از دست داده‌اند.

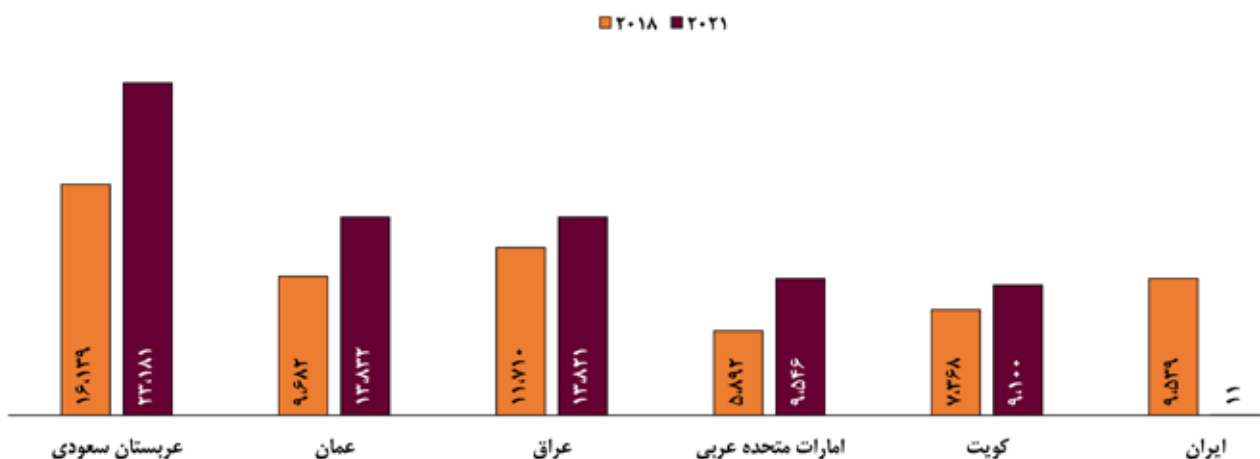
خیز برداشتن قیمت‌ها

اما این مساله چه پیام‌هایی برای کلیت اقتصادی کشور دارد؟ بدیهی است این مهم به معنای خیز برداشتن انتظارات تورمی و مواجهه با جهش‌های دوباره قیمتی است. بر اساس آخرین آمار اعلامی، نرخ تورم به ۴۵/۲ درصد در پایان مرداد رسیده است. نرخ تورم تیر ماه نیز ۴۴/۲ درصد اعلام شده بود. سهم رشد پایه پولی در افزایش نرخ تورم کاملاً آشکار است و تنها در صورت توقف رشد پول می‌توان نسبت به آینده تورمی کشور امیدوار بود. آن‌طور که بررسی‌های اتاق تهران نشان می‌دهد تا پایان تیر ماه سال جاری ایران در کنار آرژانتین به عنوان کشورهای پرتورم جهان قرار گرفته است. بر همین اساس، تورم ایران ۵/۹ برابر تورم عراق، ۵/۲ برابر تورم پاکستان و ۲/۳ برابر تورم ترکیه بوده است. این مساله نشان می‌دهد که ایران در شاخص تورمی در جهان پیش‌تاز است اما در شاخص‌های منتسب به رشد و توسعه اقتصادی فاصله زیادی با سایر کشورهای منطقه و جهان دارد. عمده پیش‌بینی‌های حول تداوم رشد قیمت‌ها در ماه‌های آتی می‌چرخد.

دلیل این مساله نیز تداوم گردش پول در اقتصاد در سایه شکست سیاست‌های پولی بانک مرکزی عنوان می‌شود. ضمن آنکه بی‌ثباتی‌های بازار ارز و نوسانات قیمتی دلار بر قیمت کالاهای وارداتی تاثیر می‌گذارد و آنها را نیز مشمول افزایش قیمت می‌کند.

با وجود تلاش‌های مستمر بانک مرکزی برای برگزاری حراج‌های هفتگی و انتشار اوراق بدهی دولتی در قالب عملیات بازار باز، موفقیتی در افزایش جذابیت این اوراق در بازار نداشته و سهم این حوزه در تامین مالی اقتصاد با افت قابل توجهی مواجهه بوده است. آمارهای موجود نشان می‌دهند که از ابتدای سال و تا ۲۹ شهریور امسال، بانک مرکزی توانسته ۳۲/۳ هزار میلیارد تومان منابع مالی از طریق حراج‌های هفتگی اوراق قرضه دولتی تامین کند. در این مدت نیز به دلیل مازاد منابع بانکی و به جهت مقابله با سرریز این منابع مازاد به چرخه اقتصاد بانک مرکزی ۵۵/۲ هزار میلیارد تومان نقدینگی در قالب عملیات ریپوی معکوس از بانک‌ها جمع‌آوری کرده است. سهم اعتبارگیری قاعده‌مند بانک‌ها در عملیات بازار باز (دریافت اعتبار با وثیقه بانک مرکزی) نیز در ۲۸۴ هزار میلیارد تومان بوده است. در مجموع کل میزان تامین مالی دولت از طریق عملیات بازار باز در پنج ماهه

صادرات کالاهای نفتی ایران و سایر اقتصادهای منطقه به چین طی هفت ماهه نخست ۲۰۱۸ و ۲۰۲۱ - میلیون دلار



روند تجارت کالایی ایران با اتحادیه اروپا (۲۷) - میلیون یورو



از قدرت خرید خانوارها نسبت به ماه‌های قبل افت می‌کند. به دلیل افزایش شکاف طبقاتی و متمایل شدن طبقه متوسط به سمت طبقه کم درآمد بسیاری از اقلام ضروری نیز از سبد مصرفی خانوارها حذف شده است. این مساله نگرانی‌هایی را در خصوص کاهش کالری مورد نیاز هر فرد ایجاد کرده است. از آمارهای مربوط به تراکنش خریدهای اینترنتی نیز این گونه بر می‌آید که به دلیل تورم، میزان کل خریدهای اینترنتی با افت همراه بوده است. در مرداد ماه امسال حجم خرید اینترنتی ۶۵ هزار میلیارد تومان بوده که با رشد ۱/۲ درصد نسبت به تیر ماه همراه بوده است. رقم خرید اینترنتی برای مرداد سال گذشته ۹۱ هزار میلیارد تومان بوده است. با این حال مجموع کل خریدهای اینترنتی در پنج ماهه امسال ۳۱۹ هزار میلیارد تومان بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۵/۳ درصد افت داشته است. بنابراین به نظر می‌رسد که قدرت خرید و تقاضا برای اقلام مصرفی به دلیل افزایش قیمت‌ها با کاهش همراه بوده است.

فعال شدن موتور رشد

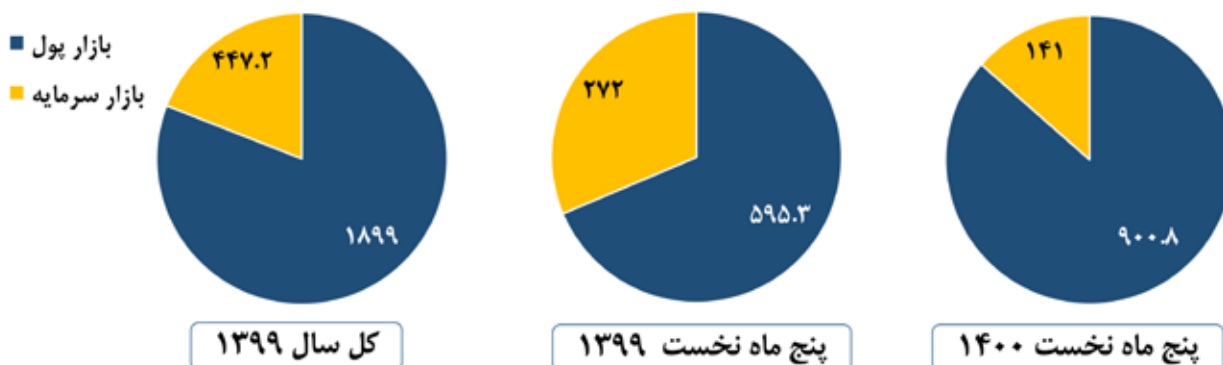
در کنار تصویر نگران‌کننده از وضعیت بازار پول و همچنین پدیده تورمی ناشی از آن، گزارش‌ها از روشن شدن موتور رشد اقتصادی ایران خبر می‌دهند. مرکز آمار و بانک مرکزی هر دو در برآوردهای جدید خود خبر از تداوم رشد مثبت اقتصادی در سه ماهه اول امسال خبر داده‌اند. نکته جالب توجه آنکه هنوز اختلافات آماری در برآورد رشد اقتصادی از سوی این دو مرکز دیده می‌شود که در خصوص رشد برخی از زیربخش‌های اقتصادی این اختلاف بسیار بیشتر بوده است. آن‌طور که بررسی‌های اتاق تهران نیز نشان می‌دهد در بهار امسال و به گواه بانک مرکزی میزان رشد اقتصادی با نفت ۶/۲ درصد بوده که این رقم از سوی مرکز آمار ۷/۶ درصد اعلام شده است. به این ترتیب به نظر می‌رسد سرعت رشد اقتصادی بر اساس برآوردهای مرکز آمار بیشتر است. کسب رشد مثبت بیش از شش درصد در فصل بهار

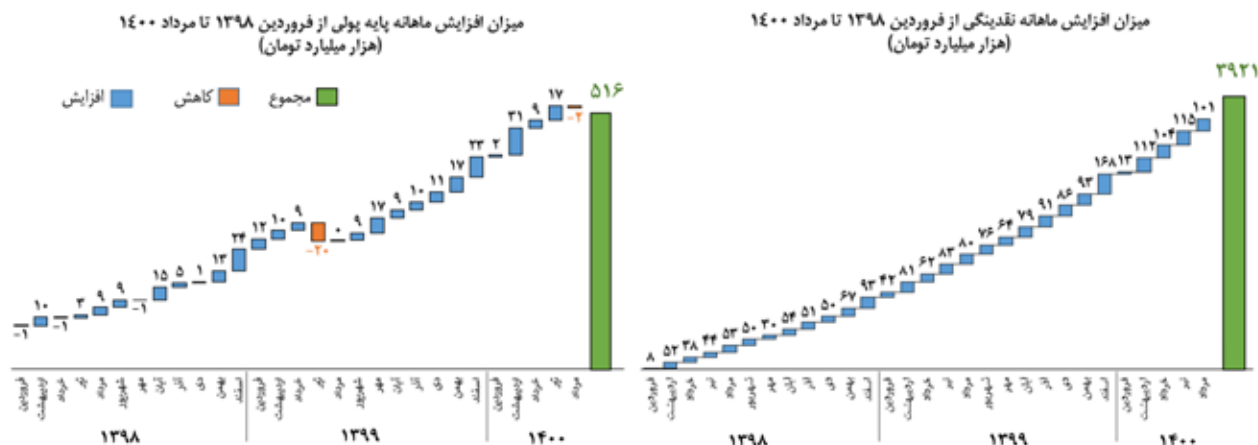
بنابراین اقلام مصرفی خانوارها از دو جهت تحت فشار است؛ یکی از سمت نیروهای عرضه‌کننده پول پر قدرت به اقتصاد و دیگری هم از سمت افزایش قیمت دلار و کم‌ارزش شدن اعتبار پول ملی. تا پایان شهریور شکاف نرخ سنایی و نیمایی دلار به ۱۵ درصد رسیده است. این شکاف قیمتی که شکاف قیمتی دلار نیمایی با دلار بازار آزاد را نیز نشان می‌دهد می‌تواند کاهش انگیزه صادرکنندگان برای بازگشت ارز را به همراه داشته باشد. به ویژه آنکه در حال حاضر به دلیل نوسانات بالای ارزی اقتصاد در شرایط باثباتی از نظر نرخ دلار قرار ندارد.

افت تراکنش خریدهای اینترنتی

ناگفته نماند که دلار نیز خود همچون تورم معلول رشد نقدینگی است و بخش عمده بی‌ثباتی ارزی در سایه حجم بالای پول در اقتصاد اتفاق می‌افتد. در حال حاضر بسیاری از اقلام مصرفی داخلی به صورت روزانه دچار شوک قیمتی می‌شوند و هر ماه بخشی

تامین مالی بازار پول (تسهیلات پرداختی بانکها) و بازار سرمایه - هزار میلیارد تومان





این بخش را ۳۰/۵ درصد و مرکز آمار ۷۹- درصد اعلام کرده است. در بخش صادرات کالا نیز هرچند هر دو مرکز به مثبت بودن رشد آن اشاره کرده‌اند اما میزان این رشد را بانک مرکزی ۳۵/۶ و مرکز آمار ۴/۲ درصد اعلام کرده است. رشد مصرف بخش خصوصی نیز به عنوان یکی از شاخص‌های تعیین کننده در وضعیت قدرت خرید خانوارها از سوی بانک مرکزی ۲/۲ و از سوی مرکز آمار ۸/۳ درصد اعلام شده است. در مجموع آمارها نشان می‌دهند که خدمات و نفت از سمت عوامل تولید و مصرف بخش خصوصی از سمت هزینه نهایی عوامل مشترک مسلط در تامین رشد بهار امسال بوده‌اند. ضمن آنکه تفاوت در جهت رشد واردات، سرمایه‌گذاری در حوزه ساختمان و تولید در بخش معدن و ساختمان در آمار دو منبع بسیار بالاست. نکته قابل توجه آنکه در بهار امسال بخش کشاورزی بار رشد منفی مواجه شده است. این بخش در سال گذشته پیش‌تاز رشد اقتصادی بود، اما در سه ماهه امسال در جهت عکس حرکت کرده است.

افت ۴۱ درصدی تولید نفت

بر اساس آمار مرکز آمار رشد اقتصادی بخش کشاورزی در بهار امسال ۴/۵- درصد بوده است. بانک مرکزی نیز رشد این بخش را ۰/۹- درصد اعلام کرده است. گروه معدن نیز بر اساس آمار مرکز آمار ۰/۱- بوده است. در مجموع به نظر می‌رسد بخش‌های کشاورزی و معدن دو بخش جا مانده از رشد اقتصادی بوده‌اند. بررسی‌های آماری این مساله را نیز نشان می‌دهد که در مرداد ماه امسال از سرعت افت تولید صنعتی در ایران کاسته شده اما سطح آن برای دومین ماه کمتر از ۵۰ بوده است. دلیل این مساله نیز رکود تقاضا، نوسانات نرخ ارز و استمرار قطعی برق بوده است. در هر صورت به نظر می‌رسد نشانه‌های امیدوارکننده‌ای از بازگشت اقتصاد به مدار رشد دیده می‌شود اما هنوز فاصله زیادی با وضعیت اقتصاد در اوایل دهه ۹۰ داریم. بر همین اساس سطح تولید بدون نفت ایران در بهار ۱۴۰۰ در مقایسه با سایر فصول دهه ۹۰ بالاترین بوده اما سطح کل تولید بهار امسال در مقایسه با بهار سال ۹۷ کمتر بوده است. ضمن آنکه بالاترین سطح تولید نفت در کل دهه ۹۰ مربوط به سال ۹۰ بوده که در سال ۱۴۰۰ نیز کاهش ۴۱ درصدی داشته است. بنابراین به نظر می‌رسد ترمیم رکودهای چند ساله اقتصاد ایران به سال‌ها زمان و تلاش نیاز دارد و این نیز نیازمند افزایش تشکیل سرمایه و استفاده از تکنولوژی‌های روز دنیا است.

ناشی از عملکرد مثبت هم بخش نفت و هم بخش بدون نفت بوده است. بررسی رشد از نظر عوامل تولید نشان می‌دهد که رشد نفت در بهار امسال نسبتاً قابل توجه بوده که در آمارهای بانک مرکزی (۲۳/۳ درصد) و مرکز آمار

(۲۷/۵ درصد) نیز مشهود است. در سایر زیربخش‌ها از جمله رشد بدون نفت و رشد صنعت ساخت اختلافات آماری بین این دو مرکز اندک است. در بخش خدمات نیز به گواه بانک مرکزی رشد هفت درصد و به گواه مرکز آمار رشد ۴/۵ درصدی در بهار امسال داشته‌ایم. اما برآورد رشد دو بخش معدن و ساختمان بسیار فاحش است. برای مثال بانک مرکزی رشد بخش معدن را ۵/۷ درصد اعلام کرده حال آنکه بر اساس اعلام مرکز آمار رشد این بخش منفی و معادل ۰/۱- درصد بوده است. در عین حال رشد بخش ساختمان نیز از سوی بانک مرکزی ۱۲/۳- و از سوی مرکز آمار ۱۲/۹+ اعلام شده است.

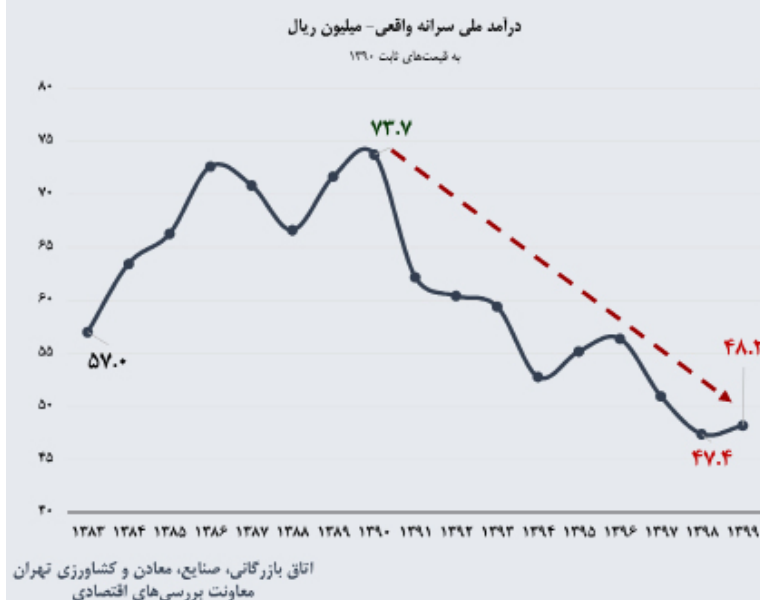
عقب‌گرد بخش کشاورزی

بررسی رشد از سمت هزینه نهایی نیز نشان می‌دهد که مجموع کل برآوردها اندک است، به طوری که بانک مرکزی و مرکز آمار رشد این بخش را به ترتیب ۷/۴ و ۷/۶ درصد اعلام کرده‌اند. به نظر می‌رسد اختلافات آماری در این خصوص بسیار بیشتر است. برای مثال بانک مرکزی رشد سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاری ساختمان را منفی و به ترتیب ۳/۵- و ۱۰/۳- اعلام کرده حال آنکه از نظر مرکز آمار رشد این دو بخش مثبت و برابر با ۸/۴ و ۱۳ درصد بوده است. در ضمن در حوزه واردات کالا نیز بانک مرکزی رشد

تله عمیق در آمد ملی

درآمد ملی سرانه واقعی کشور در سال ۱۳۸۳ برابر با ۵,۷ میلیون تومان بود که بعد از گذشت ۷ سال، به رقم ۴,۸۲ میلیون تومان در سال ۱۳۹۰ رسید. متوسط نرخ رشد سالانه درآمد ملی سرانه حقیقی طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۰ حدود ۴,۴ درصد است. از سال ۱۳۹۱ به بعد، روند عمومی درآمد ملی سرانه، نزولی شد و با استثنای سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۹، رشد سالانه آن طی ۷ سال از دهه ۹۰، منفی بود. تحولات مزبور به معنی تضعیف شدید درآمد ملی سرانه در دهه اخیر است. میانگین رشد سالانه درآمد ملی سرانه واقعی طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۹ برابر با منفی ۱ درصد، و طی دهه ۱۳۹۰ (۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹) منفی ۳,۹ درصد است. به عبارتی دیگر طی دهه ۱۳۹۰، به جای رشد، سالانه حدود ۴ درصد درآمد ملی سرانه تضعیف شد. در پایان سال ۱۳۹۹ اقتصاد کشور در وضعیتی قرار گرفت که درآمد ملی سرانه آن ۱۵ درصد کمتر از سال ۱۳۸۳ بود. چنانچه در حالت خوش بینانه فرض شود که از سال ۱۴۰۰ به بعد درآمد ملی سرانه به طور متوسط سالانه ۴ درصد افزایش یابد، در سال ۱۴۱۰ یعنی بعد از ۱۱ سال درآمد ملی سرانه واقعی به رقم سال ۱۳۹۰ خواهد رسید! بدیهی است تحقق هر نرخ رشد سالانه‌ای کمتر از ۴ درصد، بازه زمانی رسیدن به رقم سال ۱۳۹۰ را طولانی تر خواهد کرد.

درآمد ملی سرانه واقعی

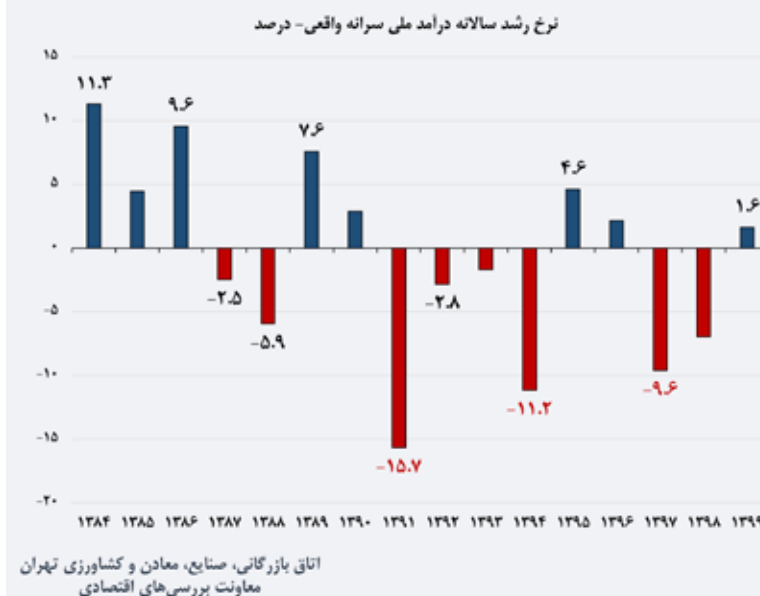


✓ درآمد ملی سرانه واقعی کشور در سال ۱۳۸۳ برابر با ۵,۷ میلیون تومان بود که بعد از گذشت ۷ سال، به رقم ۴,۸۲ میلیون تومان در سال ۱۳۹۰ رسید. متوسط نرخ رشد سالانه درآمد ملی سرانه حقیقی طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۰ حدود ۴,۴ درصد است.

✓ از سال ۱۳۹۱ به بعد، روند عمومی درآمد ملی سرانه، نزولی شد و با استثنای سال‌های ۱۳۹۵، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۹، رشد سالانه آن طی ۷ سال از دهه ۹۰، منفی بود. تحولات مزبور به معنی تضعیف شدید درآمد ملی سرانه در دهه اخیر است.

✓ کمترین درآمد ملی سرانه کشور در دهه اخیر مربوط به سال ۱۳۹۸ و با رقم ۴,۷ میلیون تومان است که در سال ۱۳۹۹ با رشد ۱,۶ درصدی به ۴,۸ میلیون تومان رسید.

رشد درآمد ملی سرانه واقعی



✓ میانگین رشد سالانه درآمد ملی سرانه واقعی طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۹ برابر با منفی ۱ درصد، و طی دهه ۱۳۹۰ (۱۳۹۰ الی ۱۳۹۹) منفی ۳,۹ درصد است. به عبارتی دیگر طی دهه ۱۳۹۰، به جای رشد، سالانه حدود ۴ درصد درآمد ملی سرانه تضعیف شد. در پایان سال ۱۳۹۹ اقتصاد کشور در وضعیتی قرار گرفت که درآمد ملی سرانه آن ۱۵ درصد کمتر از سال ۱۳۸۳ بود.

✓ چنانچه در حالت خوش بینانه فرض شود که از سال ۱۴۰۰ به بعد درآمد ملی سرانه به طور متوسط سالانه ۴ درصد افزایش یابد، در سال ۱۴۱۰ یعنی بعد از ۱۱ سال درآمد ملی سرانه واقعی به رقم سال ۱۳۹۰ خواهد رسید! بدیهی است تحقق هر نرخ رشد سالانه‌ای کمتر از ۴ درصد، بازه زمانی رسیدن به رقم سال ۱۳۹۰ را طولانی تر خواهد کرد.



کیوان کاشفی
عضو هیات رئیسه اتاق ایران و رئیس

در این مقال می‌خواهم از فرصت باقی مانده برای اقتصاد ایران سخن بگویم. بدون اغراق ۱۴۰۰ فرصت مهمی برای اقتصاد ایران است که دولت سیزدهم باید با درایت در آن گام بردارد که اگر غیر از این باشد، به بیراهه‌ای خواهد رفت که حتی تصور آینده‌اش غیر قابل باور است. اقتصاد ایران بیش از پنج دهه است که به صورت دوره‌ای با تورم افسارگسیخته، رکود اقتصادی، نرخ نزولی اشتغال‌زایی و گسترش فقر و نابرابری مواجه بوده است.

در تمام این سال‌ها نیز با کمال تأسف سیاست‌گذاران اقتصادی با اتخاذ سیاست‌های مُسکن گونه نتوانستند جهت نمودار توسعه اقتصادی را تغییر دهند. همواره علاج ریشه‌ای این بیماری به آینده نامشخص موکول شده است. به همین دلیل در ۱۰ سال اخیر شیب این نمودار به سمت پایین سرعت گرفته است. در نهایت هم می‌بینم کاهش رشد اقتصادی، افزایش تورم، کاهش درآمد سرانه خانوارها به وقوع پیوسته است؛ گذشته از کسری بودجه مزمن دولت، کاهش سهم ما از اقتصاد جهانی، رشد نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان دانشگاهی و هزاران چالش دیگر که هر کدام دنیایی دارند. اما برون رفت از این کوه بحران، نیازمند اصلاحات اساسی در سیاست‌گذاری‌ها و ساختارهاست. بنابراین دولت برای ساماندهی چالش‌های اقتصادی باید اولویت‌بندی داشته باشد. در این راستا، هفت گام اساسی وجود دارد که اگر دولت به آنها پردازد، می‌تواند مانند یک دومینو سایر مسائل را نیز سامان دهد. بی‌شک حل تمام مشکلات رسوب شده در اقتصاد ایران ظرف مدت چهار سال نیز میسر نخواهد بود، ولی استمرار در اجرای درست اهداف مطرح شده، ما را در ۱۰ سال آتی به نقطه مطلوب می‌رساند.

گام اول

درآمدهای نفتی چنان ریشه‌ای در اقتصاد کشور دوانده که به‌رغم کم شدن تاثیر و ارزش نفت در اقتصاد دنیا همواره در ذهن سیاست‌گذاران ما، رسیدن به نفت ۱۲۰ دلاری و حل مسائل بر پایه این درآمدهای سهل‌الوصول موج می‌زند. این تفکر و سیاست‌های اتخاذ شده حاصل از آن، باعث تشکیل یک اقتصاد تمام عیار دولتی در همه این سال‌ها شده است. اقتصادی که در آن بخش خصوصی کمترین نقش را در تصمیم‌سازی‌ها دارد. اقتصادی که به سبب نامتعارف بودن ساختار خود نمی‌تواند ارتباطات منطقی اقتصادی را با دنیای خارج ایجاد کند. اما دهه پیش‌رو برهه حساس و حیاتی اقتصاد ایران است؛ برهه‌ای که باید واگذاری اختیارات به بخش خصوصی از مرحله نمایش، امتیاز یا لطف خارج شود و ادامه حیات اقتصادی با تکیه بر توانمندی‌های بخش خصوصی صورت گیرد. دهه پیش‌رو خبر از روزهایی می‌دهد که دیگر چاه‌های نفت تاب و توانی برای به دوش کشیدن بار سنگین اقتصادی ندارند و برای تامین معاش باید بر مزیت‌ها تکیه کرد و زمام امور را به تجربه‌های اهالی اقتصاد سپرد. براین اساس رئیس دولت سیزدهم یک راه بیشتر پیش‌رو ندارد و آن، گام برداشتن در خارج از دایره اقتصاد بسته دولتی است. با این نگاه اولین دستور کار اقتصادی دولت سیزدهم باید بهبود فضای کسب و کار در راستای افزایش سطح مشارکت بخش خصوصی باشد. در تمام این سال‌ها به بهانه‌های مختلف آنچنان چوب لای چرخ بخش خصوصی گذاشته شده که گاهی امکان فعالیت برای آنها در حداقل شکل ممکن نیز فراهم نیست. این وضعیت هم بخش خصوصی

در چشم‌انداز ایران ۱۴۰۰ پیش‌بینی شده بود، ظرف مدت حداکثر ۱۶ سال سهم اقتصادی دولت صفر شود. کوه یخی که نه تنها پیش از ورود به ۱۴۰۰ متلاشی نشد، بلکه حجیم و حجیم‌تر شد. بی‌شک این وضعیت مرهون کسب درآمدهای نفتی به عنوان سهل‌الوصول‌ترین منابع مالی دولت‌هاست. از زمان مظفرالدین شاه که ویلیام دارسی استرالیایی برای اولین بار اقدام به اکتشاف نفت در ایران کرد، تاکنون اتکا به درآمدهای بادآورده نفتی، بی‌نیازی دولت‌ها به حمایت از بخش خصوصی قدرتمند را شکل داده است. در تمام ۶۰ سال اخیر سیاست‌های توسعه‌ای کشور عمدتاً بر پایه درآمدهای نفتی استوار بوده است. وابستگی به



سابقه‌دار و هم بخش خصوص جوان را دچار سرخوردگی کرده و ایران را در بین سایر کشورهای جهان از نظر شاخص فضای کسب و کار در وضعیت نامناسبی قرار داده است.

گام دوم

دولت باید در گام دوم مهار پایدار تورم را هدفگذاری کند. مهار پایدار تورم باید با طراحی سیاست‌های هماهنگ پولی و مالی و ارزی و تجاری میان مدت رخ دهد. این سیاست باید با هدف ثبات اقتصاد کلان و اعلان سالانه آنها و نوسازی نهادهای تصمیم گیر و سیاستگذار اقتصادی باشد. امروز ثبات اقتصاد کلان شرط لازم برای رشد اقتصادی پایدار و مستمر است و بخش خصوصی برای حضور در اقتصاد به خصوص در بخش‌های مولد به ثبات، امنیت و قابلیت پیش‌بینی‌پذیری برای انجام سرمایه‌گذاری نیازمند است. وجود نوسانات زیاد در شاخص‌های اقتصاد کلان نظیر نرخ تورم، نرخ ارز و تغییر مکرر قوانین و مقررات باعث می‌شود که فعالان اقتصادی نتوانند از حداقل اطمینان برای برنامه‌ریزی در خصوص انجام فعالیت‌های بلندمدت در عرصه اقتصاد برخوردار باشند.

گام سوم

یکی از اقدامات مهمی که دولت سیزدهم باید در جریان ساماندهی امور در دستور کار قرار دهد، تعامل مستمر با مجلس برای جلوگیری از تصمیمات پرخطر است. در دوره‌های پیشین، مجلس در مشورت‌خواهی از بخش خصوصی ثابت‌قدم بود و اغلب نشست‌های کمیسیون‌های مجلس، با مشارکت نمایندگان بخش خصوصی بود. این مساله باعث شده بود تا مصوبات مجلس به ندرت نقش ویرانگر ایفا کنند و اراده معطوف به رشد اقتصادی متکی بر ظرفیت‌های بخش خصوصی نیز در قوانین تصویب شده مجلس مشهود باشد. اما امروز این رویکرد در مجلس دوازدهم کمتر دیده می‌شود. براین اساس می‌توان

پیش‌بینی کرد با تصویب سیاست‌های غلط چقدر بر بحران‌های اقتصاد ایران و به تبع آن بر چالش‌های اجرایی دولت سیزدهم افزوده خواهد شد. البته فرآیند کلی قانون‌نویسی در ایران نیازمند اصلاح است، زیرا نگرانش برخی از قوانین نیازمند دوره‌ای چندساله است تا همه ذی‌نفعان و صاحب‌نظران بتوانند در فرآیند تدوین آن، مشارکت فکری لازم را داشته باشند.

گام چهارم

چهارمین گامی که دولت باید بردارد، تعامل فعال برای رفع تحریم‌های اقتصادی و حداقل کردن عوامل خارجی بی‌ثباتی اقتصادی و بازگرداندن منابع بلوکه شده به کشور است. انعقاد و اجرای تفاهمنامه‌ها و قراردادهای اقتصادی با کشورهای مهم دنیا و کشورهای منطقه و اتحادیه‌ها باید بر پایه واقعیت‌های موجود در تحولات ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک صورت گیرد. این امور باید با هدف جذب حداکثری سرمایه‌گذاری خارجی و فناوری‌های روز با اولویت نفت و گاز و فناوری اطلاعات و ارتباطات باشد. در این بین پیوستن به FATF و اتصال به سوئیفت نیز باید در دستور کار رئیس دولت سیزدهم قرار گیرد. ایران بدون این تغییرات نمی‌تواند در راستای پیشبرد فعالیت‌های اقتصادی خود با جهان حرکت کند.

گام پنجم

آنچه امروز دولت به عنوان گام پنجم باید در دستور کار خود قرار دهد؛ اصلاح سیاست‌های تجارت خارجی در داخل کشور و به تبع آن رونق تعاملات اقتصادی است. در سال‌های اخیر حجم بالای قوانین، بخشنامه‌ها و ضوابط خلق‌الساعه و تغییرات پیاپی این قوانین، فعالان اقتصادی را به زانو درآورده است. ایران امروز تنها کشوری است که سیاستگذاران آن با تدوین بالغ بر صدها مقررات متعدد سد راه فعالان اقتصادی خود شده‌اند. تاب‌آوری بخش خصوصی به مو رسیده و با اندک تلنگری همان مو هم پاره می‌شود و اقتصاد ایران در ابعاد کلان به زانو درمی‌آید.

بنابراین خواسته بخش خصوصی از دولت آینده به صورتی موجز، صریح و شفاف همان است که مقام معظم رهبری به عنوان شعار سال برگزیدند. حتی اگر دولت بتواند نیمی از هدف و روح این شعار را محقق کند و به معنای واقعی مانع‌زدایی از کسب و کارها را در دستور کار قرار دهد، گشایش اقتصادی به عنوان گمشده دهه گذشته، در دهه نخست ۱۴۰۰ حاصل خواهد شد.

ادامه در صفحه ۳۹



ارزش دلاری تولید ناخالص داخلی چقدر است؟

پازل رتبه جهانی اقتصاد ایران

در هفته‌های اخیر مباحثی درباره رتبه و جایگاه اقتصاد ایران در جهان مطرح شد. «دنیای اقتصاد» در گزارشی معیارهای سنجش رتبه اقتصادی کشورهای ابررسی کرده است. به‌طور کلی استفاده از «تولید ناخالص داخلی به دلار» یا «برابری قدرت خرید داری (PPP)» معیار و مزایایی دارد و نمی‌توان نسخه کلی، برای رتبه‌بندی کشورهای ایران کرد. اما نکته مهم این است که براساس برآوردها، تولید اقتصادی ایران در یک دهه اخیر در جاذده است. حال آنکه بسیاری از کشورهای دنیا، راه حل «صعود اقتصادی» را فرا گرفته‌اند.

در هفته‌های گذشته، انتشار خبری در خصوص اندازه اقتصاد ایران و نزول تولید ناخالص داخلی، بحث‌های مختلفی را ایجاد کرد. براساس آمارهای منتشر شده از سوی بانک جهانی، اندازه اقتصاد ایران به قیمت دلار، ۱۹۲ میلیارد محاسبه شده است. با این معیار، سطح تولیدات ناخالص داخلی دلاری از سال ۲۰۱۲ یک سوم شده است. این موضوع باعث شد، برخی عنوان کنند که رتبه ایران از نظر تولید به سطح ۵۱ رسیده است. در این شرایط برخی از صاحب‌نظران امکان مقایسه کشورهای بر حسب GDP دلاری را درست و منطقی خوانده‌اند و برخی دیگر، استفاده از شاخص برابری قدرت خرید را برای مقایسه کشورهای پیشنهاد داده‌اند.

نکته مهم اینکه به‌طور تمامی صاحب‌نظران اقتصادی، برای به دست آوردن تغییرات حجم تولیدات کشور در طول زمان، تولید ناخالص داخلی به ریال و بر حسب قیمت ثابت باید مورد استفاده قرار گیرد. اما در خصوص مقایسه کشورهای به نظر نمی‌رسد که معیار دقیقی وجود داشته باشد و هر کدام از روش‌های ارزیابی مزایا و معایبی هستند. بنابراین برای مقایسه کشورهای باید سطح خطاهای هر کدام از روش‌ها مدنظر قرار گیرد. «دنیای اقتصاد» در گزارش حاضر، معیار و مزایای این روش‌ها را بررسی کرده است. برای مقایسه اندازه اقتصاد کشورهای یکدیگر، استفاده از شاخص دلاری تولید ناخالص داخلی به چهار دلیل دچار خطا خواهد بود. این چهار دلیل شامل «مبادله پذیر نبودن همه کالاها در اقتصاد»، «هزینه بر بودن مبادله بین کشورها»، «دخالت دولت‌ها در فرآیند قیمت‌گذاری مانند یارانه‌های انرژی» و در آخر «تأثیر پذیرفتن نرخ‌های برابری ارز از موضوعات غیرتجاری» می‌شود. در مقابل، استفاده از نرخ برابری نیز امکان مقایسه بین کشورهای را فراهم می‌کند، اما به دلیل شبیه نبودن اقتصاد کشورهای یکدیگر، رتبه‌بندی سختگیرانه اندازه اقتصادها بر حسب آن دچار خطا خواهد شد. به هر روی به دست آوردن دلاری اندازه اقتصاد ایران و مقایسه آن با کشورهای دیگر، بسیار دشوار خواهد بود.

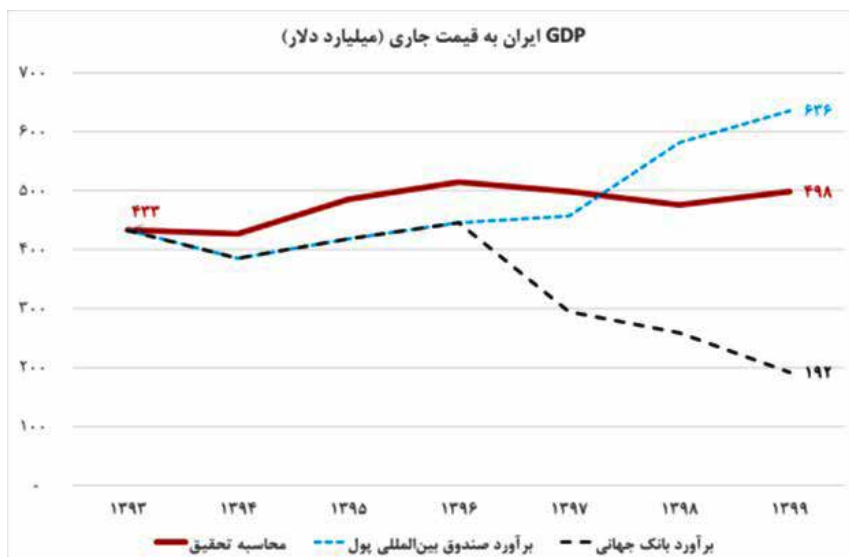
آیا اقتصاد کشور یک سوم شده است؟

بانک جهانی در آخرین گزارش خود، محاسبه جدید تولید ناخالص داخلی ایران را اعلام کرد. براساس این گزارش، عدد GDP ایران ۱۹۲ میلیارد دلار است. به این ترتیب، براساس آمارهای جدید بانک جهانی، تولید ناخالص داخلی ایران که در سال ۲۰۱۲ حدود ۶۰۰ میلیارد دلار بود، بعد از هشت سال، یک سوم شده است. در این گزارش، نرخ دلار بر حسب قیمت بازاری آن تعیین شده و همین امر سبب کاهش شدید تولید

ناخالص داخلی بر حسب دلار شده است. این در حالی است که در آمارهای گذشته بانک جهانی، دلار بر حسب ۴۲۰۰ تومان تعیین شده بود. بر مبنای این گزارش، بسیاری اندازه اقتصاد ایران را در رتبه ۵۱ جهان اعلام کرده و نتیجه گرفته‌اند که رتبه اقتصاد ایران در عرض هشت سال، ۲۵ واحد نزول پیدا کرده است. با این حال، براساس آمارهای موجود داخلی بر حسب ریال، مقدار تولید ناخالص داخلی، در ۱۰ سال اخیر تغییر چندانی نکرده است. حال سوال اصلی این است که دلیل تفاوت فاحش بین آمارهای ریالی و دلاری چیست؟ آیا می‌توان با استناد به داده‌های دلاری منتشر شده از سوی بانک مرکزی نتیجه گرفت که اقتصاد ایران در طول هشت سال، یک سوم شده و رتبه ایران در اقتصاد جهانی ۲۵ واحد تنزل پیدا کرده است؟

GDP ریالی

برای پاسخگویی دقیق به این سوال‌ها باید به چگونگی تعریف تولید ناخالص و چگونگی



به این ترتیب قیمت بازاری نرخ ارز نیز وارد محاسبه خواهد شد. حال اگر به عنوان مثال، نرخ دلار در کشوری یکباره دو برابر شود، تولید ناخالص داخلی این کشور به دلار نیز یکباره نصف خواهد شد. آیا این امر بدان معناست که حجم تولیدات در این کشور نصف شده است؟

قیمت ارز در کوتاه مدت

برای پاسخگویی تفصیلی به این سوال باید توجه کرد که به طور کلی، قیمت ارز در کوتاه مدت نمی تواند بیانگر قدرت خرید نسبی در بازارهای داخلی باشد. به عنوان نمونه، اگر بتوان نرخ دلار را در ایران ۲۵ هزار تومان در نظر گرفت، آنگاه براساس آمار منتشر شده از سوی سازمان بانک جهانی، درآمد ۲۵ هزار تومانی در ایران رفاه بیشتری نسبت به درآمد یک دلاری در آمریکا ایجاد خواهد کرد. البته این موضوع، قابل پیش بینی است و آمارها حکایت از آن دارد که در کشورهای توسعه یافته، سطح عمومی قیمت ها بالاتر از کشورهای توسعه نیافته است که این موضوع به اثر پن (Penn Effect) معروف است. به همین دلیل، معمولاً محاسبه تولید ناخالص داخلی بر حسب دلار برای کشورهای توسعه یافته، اندکی بیش از واقعیت تخمین زده می شود. در کشورهای اسکاندیناوی نیز به دلیل مالیات های بیشتر، سطح عمومی قیمت ها بالاتر است و



محاسبه آن توجه شود. بانک مرکزی سالانه آمار تولید ناخالص داخلی به ریال را منتشر می کند. تولید ناخالص داخلی به معنای کل ارزش ریالی محصولات نهایی تولید شده توسط واحدهای اقتصادی مقیم کشور در دوره زمانی معین (سالانه یا فصلی) است. برای محاسبه تولید ناخالص داخلی از سه روش استفاده می شود که شامل «محاسبه بر حسب اقلام هزینه ای»، «جمع ارزش افزوده ایجاد شده در هر یک از بخش ها» و «تخمین براساس اقلام درآمدی» است.

از نظر تئوری، منظور از روش اقلام هزینه ای، جمع هزینه تمام شده همه کالاها و خدمات به علاوه صادرات منهای واردات است. معمولاً محاسبه بر حسب اقلام هزینه ای، بیشتر از سایر روش ها استفاده می شود. به این ترتیب، تولید ناخالص داخلی بر مبنای قیمت ریالی کالاهای تولید شده در داخل به دست می آید و برای حذف اثر قیمتی از روی آن، تمام کالاها بر حسب قیمت های سال پایه به دست می آیند. به همین دلیل می توان فارغ از سطح قیمت ها و صرفاً بر حسب قیمت های سال پایه (به عنوان مثال ۱۳۹۰) مقدار کالاهای تولید شده در سال ۱۳۹۹ را با ۱۴۰۰ مقایسه کرد و میزان رشد اقتصادی هر سال را به دست آورد. به این ترتیب، بهترین آمار برای مقایسه میزان کالاهای تولید شده در سال های مختلف، تولید ناخالص داخلی بر حسب ریال است. از محاسبه تولید ناخالص داخلی بر حسب ریال برای به دست آوردن رشد اقتصادی و مقایسه میزان رفاه در طول سال های مختلف استفاده می شود.

GDP دلاری

سوال اصلی این است که چگونه می توان مقدار کالاهای تولید شده داخلی در یک کشور را با کشور دیگر مقایسه کرد. اگر مقدار تولید ناخالص داخلی بر حسب ارز رایج کشور را به ارز رایج جهانی (مانند دلار) تبدیل کنیم، امکان مقایسه میان داده های دلاری فراهم می شود. اما در اینجا تولید ناخالص داخلی بر حسب دلار، تابع سه متغیر است که شامل سطح تولیدات داخلی، سطح عمومی قیمت ها و قیمت برابری ارز ها به دلار هستند.

رشد تولید ناخالص داخلی کشور در بهار ۱۴۰۰

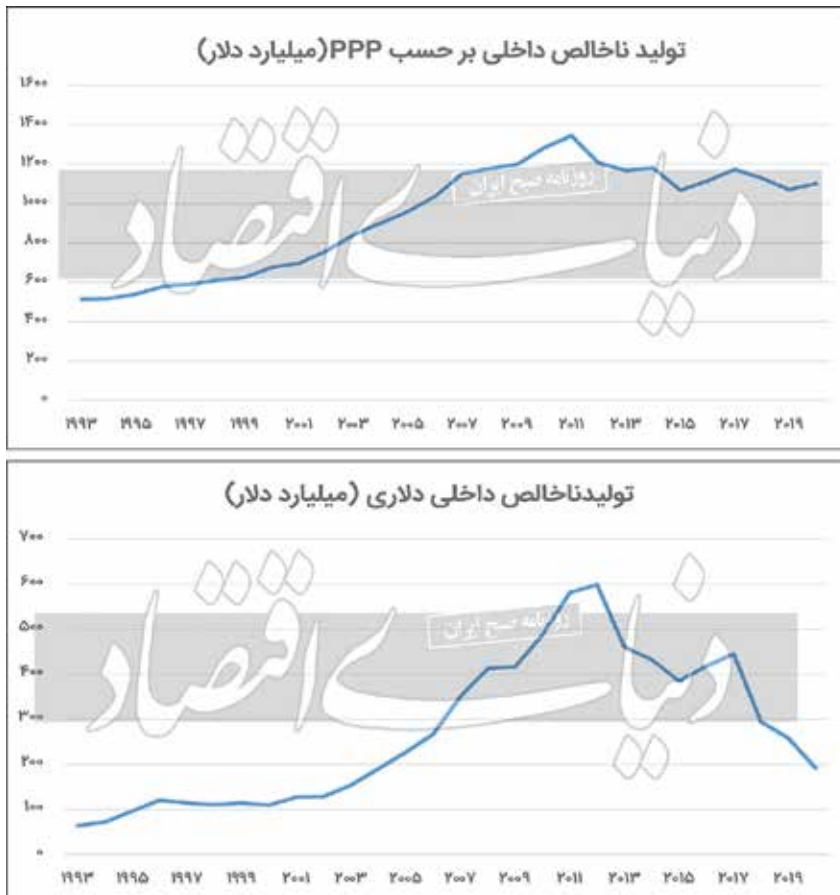
بانک مرکزی		مرکز آمار ایران		شرح
به قیمت‌های ثابت ۱۳۹۵		به قیمت‌های ثابت ۱۳۹۰		
رشد (درصد)	سهام در رشد (واحد درصد)	رشد (درصد)	سهام در رشد (واحد درصد)	
۶.۲	۶.۲	۷.۶	۷.۶	تولید ناخالص داخلی
۴.۳	۴.۷	۴.۱	۴.۶	تولید ناخالص داخلی (بدون نفت)
فعالیت‌های اقتصادی				
-۰.۱	-۰.۹	-۰.۲۶	-۴.۵	گروه کشاورزی
۱.۹	۲۳.۳	۳.۵	۲۷.۵	نفت
۰.۵	۲.۱	۲	۷.۴	گروه صنایع و معادن
۰.۹	۶.۱	۰.۷۳	۵.۵	صنعت
۰.۱	۵.۷	۰.۰۰	-۰.۱	معادن
۰.۳	۶.۲	۰.۷۳	۹	برق، آب و گاز
-۰.۶	-۱۲.۳	۰.۵۴	۱۲.۹	ساختمان
۳.۹	۷	۲.۴۱	۴.۵	خدمات
۷.۴	۷.۴	۷.۶	۷.۶	هزینه ناخالص داخلی
اقدام هزینه‌ای				
۱.۱	۲.۲	۴.۰۴	۸.۳	هزینه‌های مصرف نهایی بخش خصوصی
۰	۰	۱.۱۱	۴.۶	هزینه‌های مصرف نهایی بخش دولتی
-۰.۶	-۳.۵	۱.۶	۸.۴	تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
-۱.۳	-۱۰.۳	۱.۲	۱۳	تشکیل سرمایه ساختمان
۰.۷	۱۵.۸	۰.۴۱	۴.۱	تشکیل سرمایه ماشین آلات
۴.۱	۳۵.۶	۰.۴۷	۴.۲	صادرات کالاها و خدمات
-۱.۸	۳۰.۵	۰.۷۸	-۷۸.۸	واردات کالاها و خدمات

در اقتصاد، بسیاری از کالاها و خدمات قابل تجارت نیستند. کالاها و خدماتی مانند ساختمان، زمین، خدمات دولتی و انواع خدمات خصوصی، در بازارهای بین‌المللی قابل تجارت نیستند. قیمت این نوع کالاها بیشتر ناشی از شرایط داخلی اقتصاد، از جمله نرخ دستمزدها و سایر شاخص‌های کلان اقتصاد است. معمولاً سطح قیمت کالاها را غیر قابل تجارت در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر از کشورهای توسعه‌نیافته است، به همین دلیل در کشورهای توسعه‌نیافته، استفاده از نرخ ارز بازاری برای محاسبه ارزش کالاها را غیر قابل تجارت، حجم تولید شده را کمتر از مقدار واقعی نشان می‌دهد و امکان سنجش صحیح و مقایسه را بین کشورها را بین می‌برد. نکته دوم این است که مطمئناً هزینه تجارت بین‌المللی هیچ‌گاه نمی‌تواند به صفر برسد. بسیاری از کشورها برای کالاها و وارداتی، تعرفه‌های سنگین وضع می‌کنند و این امر موجب می‌شود که قیمت کالاها و وارداتی بیش از پیش افزایش یابد. همچنین وجود هزینه برای حمل و نقل کالا بین کشورها همواره سبب افزایش قیمت‌ها خواهد شد. در کنار اینها مداخلات دولت در قیمت کالاها نیز سبب می‌شود، محاسبه دلاری تولید ناخالص داخلی خطای زیادی داشته باشد. یارانه انرژی در ایران، یکی از فاکتورهایی است که موجب کاهش غیر واقعی تولید ناخالص داخلی به دلار خواهد شد. در این زمینه، ذکر یک مثال حائز اهمیت خواهد بود. اگر فرض کنیم، هر متر مکعب گاز تولید شده در ایران به طور میانگین ۵۰۰ تومان در بازار داخلی عرضه می‌شود، آنگاه ارزش دلاری هر متر مکعب گاز تولید شده در ایران، ۲ سنت خواهد بود. این در حالی است که هر متر مکعب گاز طبیعی عرضه شده در آمریکا تا ۵۰ سنت نیز معامله می‌شود. این امر به این معناست که اگر تولید ریالی گاز ایران را به ارزش دلاری

همین امر تولید ناخالص داخلی این کشورها را بیشتر از حد انتظار بالا برده است.

تفاوت بین نرخ‌های قدرت خرید و برابری

بر اساس تئوری، برای یکی شدن قدرت خرید ارزها با نرخ‌های برابری در کوتاه مدت، چهار شرط کلی لازم است: اول اینکه تمام کالاها باید قابل تجارت باشند؛ شرط دوم این است که هزینه‌های تجارت کالاها شامل تعرفه‌ها، هزینه‌های حمل و نقل و سایر موانع تجاری به صفر برسند؛ شرط سوم اینکه مداخلات دولتی از جمله یارانه‌ها و حتی مالیات دولتی به حداقل برسند؛ شرط آخر اینکه عرضه و تقاضای ارزهای دنیا صرفاً ناشی از نیاز برای تجارت بین‌المللی باشد، نه فاکتور دیگری.



خرید ضرب کنیم. با این حساب، امکان مقایسه تولید ناخالص کشورهای ایجاد می شود. اقلام سبد کالایی هر کدام از کشورهای یکدیگر متفاوت است و بسته به فرهنگ، ذائقه، نوع کالاهای تولید شده در داخل و نسبت هر کدام از کالاها در تولید ناخالص داخلی. با وجود این، براساس تعریف بانک جهانی، رفاه (satisfaction) یا مطلوبیت (utility) این سبدها با یکدیگر برابر است. نرخ برابری قدرت خرید ایران حدود ۵/۸ هزار تومان به ازای هر دلار آمریکا تخمین زده شده است. این امر بدان معناست که با هر دلار در آمریکا به طور تقریبی می توان همان رفاه ۶ هزار تومان در ایران را به دست آورد.

مثال معروف همبرگر

در این زمینه ذکر یک مثال دیگر به فهم موضوع کمک می کند. به عنوان نمونه فرض کنید قیمت یک نوع همبرگر در فرانسه، ۴/۸ یورو و قیمت همان نوع همبرگر در آمریکا ۴ دلار است. این امر بدان معناست که نرخ برابری قدرت خرید (از نقطه نظر دلار آمریکا) برای همبرگر بین دو کشور فرانسه و آمریکا ۱/۲ است. در همین حال هر دلار آمریکا در بازارهای فرانسه، ۰/۷۹ یورو ارزش دارد. این امر بدان معناست که شما با داشتن دلار در فرانسه و تبدیل آن به یورو میزان کمتری می توانید همبرگر مصرف کنید. به عبارت دیگر، قدرت خرید دلار آمریکا بیشتر از یورو در فرانسه است. با جمع و ضرب ساده می توان پی برد که همبرگر در فرانسه ۵۲ درصد گران تر از آمریکا است. در همین حال، اگر بتوان سبد کالایی بزرگ تری را انتخاب کرد و قیمت تنوع بیشتری از کالاها را در این دو کشور مقایسه کرد، آنگاه سطح کلی قیمت کالاهای تولید شده در دو کشور تعیین می شود.

بانک جهانی با مقایسه سبد کالایی تولید شده در دو کشور آمریکا و فرانسه پی برد که نرخ برابری قدرت خرید (مربوط به تولید ناخالص داخلی) در فرانسه ۰/۹۵ یورو به هر دلار است. این امر به آن معناست که برای به دست آوردن تولید ناخالص داخلی فرانسه بر حسب نرخ برابری قدرت خرید، کافی است تولید ناخالص داخلی بر حسب یورو را در ۰/۹۵ ضرب کرد.

تبدیل کنیم و آن را در برابر ارزش گاز تولیدی در آمریکا قرار دهیم، امکان مقایسه درست حجم گاز تولید شده وجود ندارد. نکته اصلی در این زمینه این است که حجم تولید شده برای مقایسه تولید ناخالص داخلی اهمیت دارد و در کشورهایی که یارانه های تولیدی زیاد است، مقایسه حجم تولید شده آنها با سایر کشورها دچار خطای زیادی خواهد بود. نکته بعدی این است که شرط آخر جز در تئوری هیچ گاه نمی تواند برقرار باشد. قیمت ارز در بازار، تابع بسیاری از متغیرهای اقتصادی است. نکته اصلی در بازار ارز که قیمت ها را تحت تاثیر قرار می دهد، انتظارات تورمی است. انتظارات تورمی در کنار اقدامات دولت در زمینه نرخ بهره می تواند روندهای نرخ برابری را تحت تاثیر قرار دهد. البته در کشورهای نفتی، دخالت دولت در قیمت گذاری ارز بسیار گسترده تر است. در این کشورها، دولت ها با اتکا به تولیدات نفتی، نرخ ارز را به عنوان لنگر تورمی قرار می دهند که این امر نیز از مداخلات مخرب دولت ها در این زمینه محسوب می شود. به این دلیل که هیچ کدام از چهار شرط در عالم واقع برقرار نیست، نرخ ارز در کوتاه مدت با نرخ برابری یکسان نیست.

تولید با وزنه برابری قدرت خرید

به طور کلی، تبدیل تولید ناخالص داخلی ریالی به دلار بر حسب قیمت نرخ ارز به دلایلی در کوتاه مدت نمی تواند توضیح دهنده حجم واقعی تولید ناخالص داخلی در کشور باشد. همچنین امکان مقایسه صحیح بین کشورها وجود ندارد. به منظور رفع این مشکل، بانک جهانی برای مقایسه حجم تولید شده در کشورها از واحدهای برابری قدرت خرید استفاده می کند. به این منظور، بانک جهانی سبد کالایی مشخصی را برای هر کدام از کشورها انتخاب و قیمت آنها را با یکدیگر مقایسه می کند. نسبت عددی قیمت این سبدهای کالایی، نرخ های برابری قدرت خرید (PPP) را تشکیل می دهد. به این ترتیب برای به دست آوردن نرخ دلاری تولید ناخالص هر کشور بر حسب نرخ برابری، کافی است رقم تولید ناخالص بر حسب نرخ ارز رسمی کشور را در نرخ برابری قدرت

هشدار جدی رییس اتاق بازرگانی ایران: تولید ناخالص داخلی ایران طی سه سال ۵۷ درصد سقوط کرده تقلیل رتبه کشور از پله ۲۶ اقتصاد جهان در ۲۰۱۷ به پله ۵۱



غلامحسین شافعی رییس اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران در سی و دومین جلسه هیات نمایندگان اتاق بازرگانی مشهد به رتبه اخیر ایران در سطح جهان، از منظر شاخص تولید ناخالص داخلی (GDP) به استناد گزارش بانک جهانی پرداخت و افزود: براساس آخرین به روزرسانی گزارش مذکور در تیرماه ۱۴۰۰، شاهد آن هستیم که تولید ناخالص داخلی ایران که در سال ۹۶ (به قیمت جاری) ۴۴۵ میلیارد دلار بود، در سال ۹۹ با ۵۷ درصد کاهش به ۱۹۱ میلیارد دلار تنزل یافته است.

شافعی افزود: کاهش تولید ناخالص داخلی به کمتر از نصف در این مدت، رتبه کشورمان را نیز از پله ۲۶ اقتصاد جهان در ۲۰۱۷ به پله ۵۱ تقلیل داده است. البته باید اذعان کنیم که شاخص مذکور به تنهایی کفایت لازم را برای ترسیم سیمای اقتصاد کشور ندارد اما به هر رو، این آمارها، هشدارهایی جدی برای آینده اقتصاد ایران و تاکید بر ضرورت بازنگری در سیاستگذاری های موجود دارد.

وی متذکر شد: دولت سیزدهم و تیم اقتصادی جدید باید این مولفه ها را با تیزبینی رصد کنند و برای تغییر وضعیت موجود چاره ای بیندیشند. بخشی از اقدامات اصلاحی در بدنه اقتصاد کشور باید متمرکز بر انتخاب معاونان شایسته در وزارتخانه های اقتصادی و مدیران اصلح و کارآمد در رده میانی باشد، زیرا بخش خصوصی عمدتاً در تعاملات خود با این افراد در ارتباط بوده و توان این مدیران نیز اثرگذاری بالایی بر روند سیاستگذاری های اقتصادی دارند چرا که در ارتباط بیشتر و ملموس تر با مشکلات اقتصادی کشور هستند.

با تقسیم نرخ برابری قدرت خرید سبد کالایی (PPP) بر قیمت نرخ ارز (exchange rate) می توان سطح عمومی قیمت ها (PLIs) را در کشورها با یکدیگر مقایسه کرد. آمارها حکایت از آن دارد که سطح عمومی قیمت های مربوط به تولید ناخالص داخلی در فرانسه ۱۲۰ واحد درصد بیشتر از سطح عمومی قیمت ها در آمریکا است.

محدودیت های برابری قدرت خرید

نکته اصلی در مورد تولید ناخالص داخلی برحسب نرخ برابری قدرت خرید این است که این شاخص، کاملاً به طور تقریبی محاسبه شده است. به همین دلیل، در مقایسه آمار مربوط به این شاخص تا ۱۵ درصد امکان خطا وجود دارد. امکان استفاده از این شاخص برای به دست آوردن رشد اقتصادی نیز وجود ندارد و برای این منظور باید از آمار تولید ناخالص داخلی برحسب ریالی استفاده کرد. اصلی ترین استفاده این شاخص مقایسه سطح تولید ناخالص داخلی بین چند کشور است. البته در این زمینه نیز توجه به برخی از فاکتورها حائز اهمیت خواهد بود. به عنوان مثال، هر چقدر اقتصاد کشورها به یکدیگر شبیه تر باشد، مقایسه آنها برحسب برابری قدرت خرید درست تر خواهد بود. برای رتبه بندی اندازه اقتصادهای دنیا نیز از محاسبه تولید ناخالص داخلی برحسب برابری قدرت خرید استفاده می شود، اما استفاده سختگیرانه از این شاخص برای رتبه بندی کشورها نمی تواند مورد استناد قرار گیرد.

کدام معیار دقیق است؟

در نتیجه برای مقایسه سطح تولید ناخالص داخلی در کشور، استفاده از آمار داخلی منتشر شده توسط مرکز آمار و بانک مرکزی توصیه می شود. براساس آمار ریالی منتشر شده، کل تولید ناخالص داخلی در دهه ۹۰ تغییر چندانی نکرده است. در مقابل ۱۲ میلیون نفر به جمعیت کشور افزوده شده است. به موجب این موضوع، سطح درآمد سرانه خانوارهای ایرانی بیش از ۳۰ درصد کاهش داشته که عمده کاهش سطح رفاه خانوارهای ایرانی در سال های ۹۷ و ۹۸ رخ داده است. آمار مربوط به رشد اقتصادی بلندمدت نیز به دلیل کاهش شدن تشکیل سرمایه در کشور، تنزل پیدا کرده است. همه اینها وضعیت نگران کننده ای را از آینده رشد اقتصادی به تصویر می کشد. برای مقایسه اندازه اقتصاد ایران با سایر کشورها نیز، تولید ناخالص داخلی برحسب PPP حدود هزار و ۱۰۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. به هر روی، استفاده درست از آمار منتشر شده و تحلیل صحیح آنها می تواند در برون رفت از شرایط موجود، مفید باشد. در نهایت، این سوال مطرح می شود که آیا می توان از این شاخص ها برای رتبه بندی دقیق کشورها در یک جدول استفاده کرد. به نظر نمی توان عنوان کرد که رنکینگ اقتصادی را بتوان به شکل دقیق از این معیارها استخراج کرد، اما نکته مشخص این است که چه برحسب تولید ناخالص داخلی یا برحسب برابری قدرت خرید، اقتصاد کشور طی یک دهه اخیر، تضعیف شده و باید فکری برای تغییر آن کرد.

دوئل نافر جام مقررات زدایی

دنیای اقتصاد: اسامی نهادهای متولی صدور مجوز که میلی به تسهیل فضای کسب و کار ندارند، به روز شد. گزارش هشت ساله مقررات زدایی و بهبود محیط کسب و کار نشان می دهد هیات مربوطه با چهار ابرچالش دست و پنجه نرم می کند. به طوری که دستاوردی در این حوزه حاصل نشده است. متولی مقررات زدایی با اعلام مزاحمان کسب و کار، توصیه های سیاستی خود را به دولت سیزدهم اعلام کرد.

نتایج هشت سال تلاش سیاستگذار برای مانع زدایی از تولید و بهبود محیط کسب و کار منتشر شد. بررسی گزارش معاونت اقتصادی وزارت اقتصاد نشان می دهد بهبود محیط کسب و کار و تحقق مساله مقررات زدایی گرفتار چهار ابرچالش مختلف است. «ابطال مکرر مصوبات هیات مقررات زدایی توسط دیوان عدالت اداری»، «رفتارهای متفاوت در استان های مختلف با مصوبات هیات»، «عدم تمکین دستگاه های اجرایی از مصوبات هیات» و «وضع قوانین و مقررات متعدد توسط مراجع قانونی مربوط بدون توجه به ضرورت های آن و عدم پیش بینی آثار وضع آنها بر محیط کسب و کار» مهم ترین مواردی هستند که به زمین گیر شدن «هیات مقررات زدایی» در زمینه تحقق اهداف خود منجر شده است. در گزارش های پیشین «دنیای اقتصاد» به مشکلات هیات مقررات زدایی در زمینه ضمانت اجرای مصوبات پرداخته شده، اما برخی از این ابرچالش ها تا زگی دارند.

برای نمونه تفسیر مخصوص هر استان از مصوبات هیات یا ممانعت دیوان عدالت اداری از مصوباتی که برای مقررات زدایی مفید هستند گویای مسائلی از جمله ضعف در حاکمیت قانون و ناهماهنگی اجزای مختلف دولت در اجرای سیاست های اقتصادی است. به همین منظور وزارت امور اقتصادی و دارایی به عنوان مسوول اصلی بهبود محیط کسب و کار در کشور پس از تجزیه و تحلیل کارنامه ۸ ساله مقررات زدایی، ۱۳ توصیه خود را برای بهبود مسیر مقررات زدایی به دولت سیزدهم ارائه کرده است. نتیجه نهایی این ۱۳ اقدام که در بخش های مختلف اداری و اجرایی باید مدنظر قرار گیرند، خروج ایران از جایگاه فریز شده کنونی است که در دهه ۹۰ پیوسته در گزارش های جهانی انجام کسب و کار تکرار شده و به بهبود واقعی جایگاه جهانی کشور در زمینه فضای کسب و کار منجر نشده است. این عدم توفیق به رغم سه اقدام جدی ایران در حوزه مقررات زدایی در قالب «تاسیس هیات مقررات زدایی»، «ایجاد درگاه ملی مجوزهای G4B» و «ارتقای شاخص های بین المللی کسب و کار» بوده است. گزارش معتقد است این اتفاقات زمانی می تواندثمر ثمر باشد که عزم واحدی برای بهبود محیط کسب و کار در تمام ارکان اجرایی، قضایی و تقنینی حاکمیت به وجود آید. موضوعی که نتایج این گزارش فعلا تحقق آن را دور از دسترس می داند. به رغم این وضعیت اما علی فیروزی معتقد است ایران با یک رشته اصلاحات اساسی که در سالیان اخیر انجام داده احتمالا در سالیان آتی خواهد توانست به رتبه بهتری در شاخص جهانی انجام کسب و کار (Doing Business) دست پیدا کند. رئیس مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب و کار در گفت و گو با «دنیای اقتصاد» معتقد است اگر بانک جهانی اصلاحات ایران را که حول دو محور «ایجاد دادگاه های ویژه دعاوی کسب و کار» و «تاسیس پنجره واحد فیزیکی شروع کسب و کار» صورت گرفته، بپذیرد، احتمالا رتبه کشور در شاخص انجام کسب و کار تا محدوده رتبه ۱۰۰ بهبود خواهد یافت. فیروزی با اشاره به نیاز کشور برای کنار زدن کوهی از مشکلات در زمینه اصلاح محیط کسب و کار اظهار کرد: اینکه تصور کنید بخشش بودن یک مرکز یا هیات صرفا باید در قالب صعود رتبه ایران دیده شود، شاید چندان درست نباشد. ما در سالیان اخیر

تلاش بسیار زیادی را با هدف ساده سازی و شفاف سازی روند صدور مجوز به انجام رسانده ایم که یک نمونه آن تکمیل و به روزرسانی شناسنامه مجوزها بود که در گذشته تنها بین ۱۰ تا ۱۲ درصد مجوزها آن را طی کرده بودند اما امروز حدود ۸۰ درصد آنها تکمیل و احصا شده اند. فیروزی دیگر اقدامات مهم مرکز ملی مطالعات، پایش و بهبود محیط کسب و کار در طول ۴ سال گذشته را «ایجاد ادبیات نوین مقررات زدایی در کشور» و «احصای مقررات مخل کسب و کار» عنوان کرد. فیروزی در ادامه با بیان اینکه گرچه اقدامات وزارت اقتصاد برای بهبود محیط کسب و کار نتایج مثبتی در پی داشته اند، اما با توجه به وجود دو مقوله یعنی تحریم که خود به خود فضای کسب و کار را با اختلال روبه رو می سازد و موتور تولید مقرر که پیوسته دستورالعمل و آیین نامه صادر می کند، نمی توان انتظار بهبود سریع جایگاه جهانی ایران در زمینه بهبود محیط کسب و کار و مانع زدایی از تولید را داشت. گفته های فیروزی درباره آینده سیاست اصلاح محیط کسب و کار در حالی چشم اندازی مثبت را پیش روی اقتصاد ایران می گشاید که به نظر می رسد کشور هنوز تا رسیدن به نقطه مطلوب راه زیادی را در پیش دارد. بر اساس آخرین گزارش سهولت انجام کسب و کار بانک جهانی در سال ۲۰۲۰ میلادی، رتبه ایران در شاخص سهولت انجام کسب و کار با یک پله ارتقا روبه رو بوده، به طوری که از رتبه ۱۲۸ در گزارش ۲۰۱۹ میلادی به رتبه ۱۲۷ در گزارش ۲۰۲۰ میلادی رسیده است. در کل بازه هشت ساله نیز رتبه کل از ۱۵۲ به ۱۲۷ ارتقا یافته است. ادعای وزارت اقتصاد این است که سه اقدام مهم در این دوره زمانی انجام شده که بخشی از آن، توسعه سامانه هایی برای شفافیت مجوزها یا ساده سازی مسیر دریافت مجوز

گزارش عملکرد دستگاه‌های اجرایی در تکمیل و به‌روزرسانی اطلاعات شناسنامه مجوزها (نما) منتهی به شهریور ۱۴۰۰

ردیف	دستگاه اجرایی	تعداد مجوزهای ثبت شده در درگاه ملی مجوزهای کشور	تعداد شناسنامه مجوزهای تکمیل شده (بررسی شده عنوان و شناسنامه توسط تیم حقوقی) توسط مرجع صدور مجوز	درصد تکمیل عنوان و شناسنامه مجوزها توسط مرجع صدور
۱	اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی ایران	۸	۸	۱۰۰
۲	اتاق تعاون ایران	۲	۲	۱۰۰
۳	بانک مرکزی	۹۳	۳۶	۳۹
۴	بنیاد شهید و امور ایثارگران	۲	۲	۱۰۰
۵	بنیاد مسکن انقلاب اسلامی	۲	۰	۰
۶	ریاست جمهوری	۵	۵	۱۰۰
۷	سازمان اداری و استخدامی کشور	۳	۳	۱۰۰
۸	سازمان انرژی اتمی ایران	۱۳	۱۳	۱۰۰
۹	سازمان حفاظت محیط زیست کشور	۶۸	۵۲	۷۶
۱۰	سازمان صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران	۰	۰	۰
۱۱	سازمان ملی استاندارد ایران	۲۳	۲۳	۱۰۰
۱۲	سازمان نظام پزشکی کل کشور	۴	۴	۱۰۰
۱۳	سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی	۲۸	۲۸	۱۰۰
۱۴	وزارت امور خارجه	۰	۰	۰
۱۵	قوه قضائیه (ثبت اسناد)	۲۵	۲۵	۱۰۰
۱۶	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	۵۷	۵۶	۹۸
۱۷	وزارت امور اقتصادی و دارایی	۱۶۶	۱۶۶	۱۰۰
۱۸	وزارت آموزش و پرورش	۴۱	۴	۱۰
۱۹	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۱۲۷	۱۱۱	۸۷
۲۰	وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	۴۴	۴۴	۱۰۰
۲۱	وزارت جهاد کشاورزی	۱۷۶	۱۱۰	۶۲.۵
۲۲	وزارت راه و شهرسازی	۸۴	۸۴	۱۰۰
۲۳	وزارت صنعت، معدن و تجارت	۶۱	۵۲	۸۵
۲۴	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۱۹	۱۳	۶۸
۲۵	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۲۷	۲۶	۷۰
۲۶	وزارت کشور	۱۲	۱۱	۹۲
۲۷	وزارت میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور	۳۳	۳۰	۹۰.۹
۲۸	وزارت نفت	۸	۸	۱۰۰
۲۹	وزارت نیرو	۶۳	۱۹	۳۰
۳۰	وزارت ورزش و جوانان	۶	۶	۱۰۰
۳۱	سازمان برنامه و بودجه کشور	۰	۰	۰
	مجموع	۱۲۳۰	۹۶۱	۷۸

هیات مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب و کار ۳۴ اقدام مثبت را در زمینه تسهیل یا اصلاح فرآیندهای مقررات‌زدایی انجام داده است. این اقدامات که در راستای فلسفه وجود این نهاد طراحی و تدوین شده‌اند، به‌رغم چهار ابرچالش جدی پیش روی مقررات‌زدایی توانسته‌اند بخشی از مسیر تسهیل کسب و کار را هموار سازند. با این حال برآورد کلی «دنیای اقتصاد» این است که این اقدامات به‌رغم فواید بسیار، اثربخشی چندانی نداشته و وضعیت کشور را در زمینه مقررات‌زدایی بهبود نداده‌اند.

به‌هم‌ریختگی نظام مجوزدهی در دستگاه‌های متولی صدور مجوز یکی از مواردی است که شرایط سختی را به فعالان کسب و کارها تحمیل کرده است. گزارش وزارت امور اقتصادی و دارایی نشان می‌دهد مجوزها به اشکال مختلف و با سلاقی و قواعد مختلف و متعدد به هر دستگاه به‌فعالان اقتصادی عرضه می‌شوند. این شکل از نظام باعث طولانی شدن فرآیند صدور مجوزها و عدم امکان کنترل و رصد آن شده است که نتیجه آن شکل‌گیری یک فعالیت اقتصادی

است و نتایج مثبتی نیز در پی داشته است.

در جایی از گزارش به بررسی نتایج طراحی و توسعه چهار سامانه پرداخته شده که با هدف کمک به شفافیت پروسه صدور مجوز راه‌اندازی شده‌اند. تصویر مقررات‌زدایی در ایران در هشت سال گذشته نشان می‌دهد چهار نهاد «وزارت نیرو»، «وزارت آموزش و پرورش»، «بانک مرکزی» و «بنیاد مسکن» کمترین همکاری را با درگاه ملی مجوزهای کشور در راستای تکمیل شناسنامه مجوز داشته‌اند. در عین حال وزارت امور خارجه، صدا و سیما و سازمان برنامه و بودجه کشور طبق این گزارش هیچ‌گونه همکاری در زمینه اظهار و ثبت جواز در درگاه‌های ملی مجوز انجام نداده‌اند. این گزارش با یادآوری احصای ۱۲۳۰ مجوز مختلف در ۳۱ نهاد تأکید کرده فعلاً ۹۶۱ مجوز به‌طور کامل شناسایی شده و پروسه‌های خود را در زمینه شفافیت مسیر دریافت طی کرده‌اند. این وضعیت در حالی رخ داده که گزارش در بخش‌های پایانی خود تصریح می‌کند که بهبود محیط کسب و کار در اولویت مدیران دستگاه‌های صادرکننده مجوز نیست. این سند با ارائه ۱۵ توصیه سیاستی به دولت سیزدهم اعلام می‌کند دولت باید در اسرع وقت نسبت به پیگیری جدی اصلاح روند مقررات‌زدایی اقدام کرده و لایحه‌ای برای حذف مقررات مخل محیط کسب و کار ارائه کند. در عین حال این گزارش از دولت سیزدهم خواسته است «توزیع عادلانه منابع و بلوغ دولت الکترونیک به‌منظور پرهیز از توسعه نامتوازن و ناپایدار زیرساخت‌ها» را در اولویت خود قرار داده و در کنار «استانداردسازی درگاه‌های تخصصی صدور مجوز به‌منظور جلوگیری از به‌هم‌ریختگی نظام مجوزدهی در دستگاه‌های متولی صدور مجوز»، به «برقراری ابزارهای تشویقی و تنبیهی برای هیات مقررات‌زدایی برای عدم تمکین دستگاه‌های اجرایی از مصوبات هیات» توجه کرده و «تعیین کمیته بهبود محیط کسب و کار ذیل هیات مقررات‌زدایی به‌منظور در اولویت قرارگیری بهبود محیط کسب و کار در دستگاه‌های اجرایی کشور» را هم مدنظر قرار دهد.

هیات مقررات‌زدایی در ترازوی نقد

گزارشی که وزارت امور اقتصادی و دارایی از وضعیت گذشته و امروز بهبود محیط کسب و کار منتشر کرده نشان می‌دهد



دیگر نتایج گزارش

گزارش به دولت سیزدهم ۵ توصیه سیاستی داشته است. اولاً با توجه به اینکه ارتقای رتبه شاخص‌های بین‌المللی متأثر از عوامل غیر قابل کنترل متعدد از جمله اقدامات اصلاحی و سرعت عمل سایر کشورهاست، هدف‌گذاری رتبه با توجه به ثابت نبودن جایگاه سایر رقبا به نظر صحیح نبوده و برنامه‌ریزی در خصوص آن امکان‌پذیر نیست. بنابراین ارتقای امتیاز ملاک مناسب‌تری برای ارزیابی تلاش حاکمیت در این خصوص است. در عین حال، فراهم کردن امکان تعامل بیشتر و نزدیک‌تر با تیم کسب و کاربانک جهانی از طریق بازدیدهای حضوری، در کنار تعامل سازنده‌تر نماینده ایران در بانک جهانی باید در دستور کار قرار گیرد. همچنین با توجه به اینکه برنامه اجرایی ارتقای وضعیت کشور در شاخص به صورت سالانه در وزارت امور اقتصادی و دارایی به روزرسانی می‌شود، عملیاتی شدن آن با همکاری مجموعه دستگاه‌های متولی کسب و کار در حاکمیت میسر است، بنابراین پیش‌بینی اقتضائات عمل به آن توسط تمامی اجزای اثرگذار بر فضای کسب و کار کشور از جمله دولت، مجلس، قوه قضائیه و بخش خصوصی نظام مند، و شناسایی و تعبیه ابزارهای قانونی و اجرایی جلب همکاری و مشارکت حداکثری دستگاه‌های متولی و ایجاد ضمانت اجرایی برای بسته مذکور از طریق بودجه، شاخص ارزیابی عملکرد دستگاه‌ها و سایر راهکارهای مقتضی، بهبود عملکرد برنامه‌های مذکور را به دنبال خواهد داشت. سهم مشخص هر یک از سه قوه و حتی در صورت امکان سهم مشخص سازمان‌ها و دستگاه‌های تابعه اصلی ذیل این سه به‌ویژه با توجه به وجود برخی تداخلات وظایف و تعارضات منافع، تبیین شود. به دلیل وجود برخی ایرادات در ساختار، رویکرد و روش‌شناسی شاخص سهولت انجام کسب و کاربانک جهانی و نیز به دلیل عدم جامعیت شاخص مذکور، توجه به رتبه ایران در شاخص با در نظر گرفتن سایر اقدامات صورت گرفته در راستای بهبود محیط واقعی کسب و کار معنایی یابد.

در یک پروسه طولانی است که گاه به جهت طولانی شدن انجام سرمایه‌گذاری را از منظر اقتصادی غیر قابل صرفه می‌کند. این شکل از نظام به گونه‌ای شده که برخی از مراجع صدور مجوز در فرآیندی غیر کارشناسی و غیر تخصصی اقدام به صدور مجوز با پیش شرط‌های سخت و غیر ممکن می‌کنند، که سرمایه‌گذاران را به علت ریسک بالای سرمایه‌گذاری از انجام فعالیت اقتصادی منصرف می‌کند. عدم احصاء و مستندسازی فرآیندهای صدور، تمدید، لغو و... مجوزها و استعلامات مرتبط در کشور، عدم اظهار عنوان و شرایط صدور مجوزها توسط مراجع صدور مجوز روی پایگاه مجوزهای کشور که به علت عدم آگاهی و بی‌اطلاعی فعالان اقتصادی و متقاضیان دریافت مجوز منجر به افزایش ریسک سرمایه‌گذاری می‌شود، صدور عنوان مجوزهای مشابه توسط مراجع صدور مختلف، با جزئیات صدور و شیوه نظارتی متفاوت، نبود وحدت رویه در فرآیند صدور، تمدید، لغو و... برای عنوان مجوزهای یکسان در کشور، عدم تمکین مراجع صدور مجوز در خصوص زمان، هزینه و فرآیندی که توسط قانون‌گذار تعیین شده است، نبود ضمانت‌های قابل اجرا در قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های مرتبط با حوزه صدور مجوز برای متخلفین از تمکین آنها، وجود قوانین، مقررات و دستورالعمل‌های موازی، متداخل و متراحم در مراجع صدور مجوز، تعدد و تکثیر غیر قابل کنترل پنجره‌های واحد تخصصی با پشتوانه قانونی و مقرره‌ای در حوزه ملی، پایین بودن بلوغ تعامل‌پذیری بین مراجع صدور مجوز به منظور پاسخ‌گویی به استعلامات و تبادل اطلاعات لازم بر پایه فناوری اطلاعات و برخط و تفاوت در بلوغ فناوری اطلاعات در مراجع صدور مجوز در کشور از دیگر مواردی است که این نظام مجوزدهی با خود به همراه دارد.

ادعای این گزارش این است که «هیأت ملی مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب و کار» در نتیجه این وضعیت تلاش‌های مشخصی را صورت داده تا ضمن غلبه کردن بر شرایط سخت اصلاح محیط، رویکرد دقیقی را برای اصلاح محیط کسب و کار اتخاذ کند و در این راستا، در زمینه صدور مجوزها نگرشی را در دستور کار قرار دهد که در نتیجه آن اعمال نظارت‌های پسینی به جای نظارت‌های پیشینی مبتنی بر صدور مجوز مورد توجه دستگاه‌های مختلف قرار گیرد. در عین حال توسعه دامنه وظایف هیأت از تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار به موضوع بهبود محیط کسب و کار و شناسایی مقررات محدودکننده کسب و کارهای دارای اولویت و تلاش برای اصلاح و حذف مقررات مذکور با استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود از دیگر موارد مدنظر هیأت بوده است.

همچنین «شناسایی مجوزهای کسب و کار با قابلیت ثبات محوری به جای صدور مجوز با همکاری مراجع صادرکننده مجوز»، «تهیه و تصویب برنامه اجرایی عملیاتی سالانه برای ارتقای رتبه و امتیاز ایران در شاخص سهولت انجام کسب و کار با همکاری دستگاه‌های ذی‌ربط و نظارت بر حسن اجرای این برنامه»، «افزایش ضریب نفوذ و تقویت ضمانت اجرای مصوبات هیأت مقررات‌زدایی و بهبود محیط کسب و کار با به کارگیری ظرفیت نهادهای نظارتی عضو هیأت و تشکیل گروه‌های رصد استانی و ملی»، «اولویت‌بندی مجوزهای اثرگذار در راستای ساده‌سازی فرآیند صدور آنها»، «تعامل مستمر و هدفمند با بخش‌های غیردولتی در راستای شناسایی قوانین و مقررات مخل کسب و کار» از دیگر مواردی است که در دایره اقدامات هیأت مقررات‌زدایی بوده تا کشور را به اهداف مدنظر در حوزه بهبود محیط کسب و کار نزدیک کند.

بررسی بازار خودروی جهان

زهرا پزشکی

امروزه داشتن یک خودروی شخصی بسیار کار راه انداز است، چرا که خیلی از مردم فکر می کنند که داشتن یک خودرو خیلی بهتر از استفاده از وسایل نقلیه عمومی است. آنها متعقدند با داشتن خودروی شخصی می توان در هزینه ها صرفه جویی کرد. ولی آنچه ما را به فکر وامی دارد این است که چرا خودرو سازها مرتب در حال افزایش قیمت خودروهای خود هستند. در این مقاله قصد دارم تا به تحلیل بازار جهانی خودرو و میزان تولید آن بپردازم

مقدمه

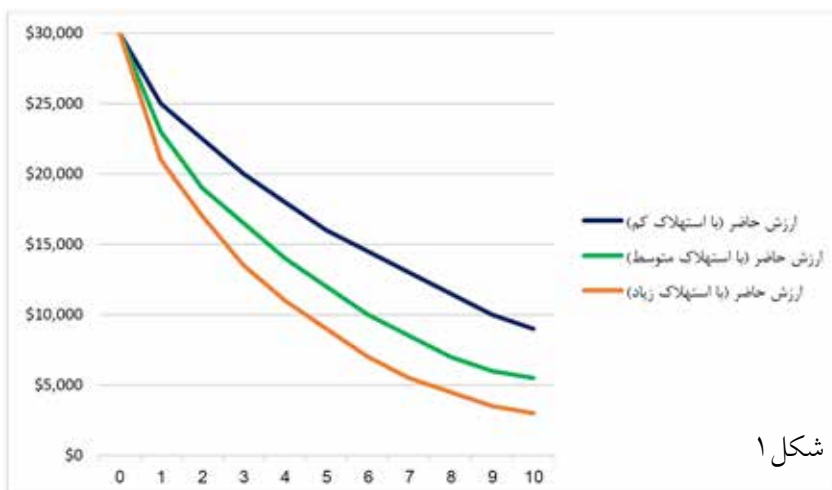
بگویم متوسط به بالای آمریکاییها بسیار ثروتمند هستند. حداقل درآمد یک خانوار متوسط در ایالات متحده سالانه ۶۸۰۰۰ دلار است که برای ثروتمندان این درآمد به طور متوسط سالانه به حداقل ۲۰۰۰۰۰ دلار می رسد. از این رو خرید خودروی جدید برای آنها خیلی سخت نیست، چه رسد به خودروی دست دوم. چون آنها همیشه پولی برای خرج کردن دارند. ولی کشور ما ایران چطور؟ آیا خرید خودرو برای ما هم مثل آمریکاییها ساده است؟

تحلیلگران می گویند که یکی از دلایل بالا رفتن قیمت های خودرو استفاده از پول نقد برای خرید خودروست. چرا که این نوع مبادله پولی سبب به وجود آمدن هزینه های اضافی، نرخ بهره پایین و واسطه گری شده و قیمت ها را بالا می برد. لذا آنها بر این باورند که استفاده نکردن از پول نقد می تواند هزینه ها را به صورت چشمگیری کاهش دهد [۱ و ۲].

با توجه به اینکه نرخ وام خودرو اکنون مثلاً در ایالات متحده ۳۰/۳۲ دلار است، اگر نگاهی به خودروهای دست دوم بیندازیم می بینیم که خیلی از خریداران ترجیح می دهند که خودروی دست دوم خریداری کنند. چرا که مثلاً ارزش یک خودروی دست دوم ۳۰۰۰۰ دلاری طی پنج سال به خاطر نرخ استهلاک متوسط به ۱۲۰۰۰ دلار می رسد. ولی نکته ای که باید به آن توجه

به گفته خیلی از تحلیلگران اقتصادی ایالات متحده، متوسط قیمت یک وسیله نقلیه سبک در سال ۲۰۲۰، ۹۷۵۰ دلار نسبت به سال ۲۰۱۹ افزایش یافته است. آنها اذعان می دارند که متوسط قیمت خودروهای جدید در سال ۲۰۲۰ تقریباً ۳۸۰۰۰ دلار بوده که در سال ۲۰۲۱ به نزدیک ۴۰۰۰۰ دلار رسیده است. تحلیلگران از دلایل بالا رفتن قیمت ها را تعطیلی تولید و مشکلات زنجیره تأمین به خاطر همه گیری جهانی گوید ۱۹ می دانند. در این بین شاید خالی از لطف نباشد که بگویم قیمت خودروهای فرسوده نیز افزایش چشمگیری داشته و به ۲۳۱۶۹ دلار در سال ۲۰۲۱ رسیده است. یکی از دلایل بالا رفتن قیمت بازار خودروهای فرسوده، روی آوردن مردم به سمت خرید این نوع خودروها، استفاده کمتر از وسایل نقلیه عمومی به دلیل شیوع همه گیری است. جدول ۱ متوسط و درصد تغییرات قیمت خودروهای سالهای ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ را نشان می دهد [۱ و ۲].

نکته ای که در اینجا باید به آن اشاره کرد این است که در کشوری مثل ایالات متحده که کشوری پیشرفته است و اکثریت شهروندان آن در رفاهند، به دور از واقعیت نیست که



شکل ۱

میانگین قیمت خودروی جهان در سال ۲۰۲۱					
سازنده	متوسط قیمت معاملات در فوریه ۲۰۲۰ (به دلار)	متوسط قیمت معاملات در ژانویه ۲۰۲۰ (به دلار)	متوسط قیمت معاملات در فوریه ۲۰۱۹ (به دلار)	درصد تغییرات از ژانویه تا فوریه ۲۰۲۰ (به درصد)	درصد تغییرات فوریه ۲۰۱۹ تا فوریه ۲۰۲۰ (به درصد)
هندا	۲۹۰۴۹	۲۸۷۸۹	۲۹۳۴۳	۰.۹	-۱
فیات	۴۰۴۵۸	۴۰۹۷۸	۳۸۸۲۸	-۱.۳	۴.۲
فورد	۴۳۸۰۶	۴۴۳۲۷	۴۲۰۳۷	-۱.۲	۴.۲
جنرال موتورز	۴۰۹۱۳	۴۰۶۴۴	۴۰۸۷۱	۰.۷	۰.۱
هیوندا کیا	۲۸۳۲۲	۲۸۰۵۸	۲۵۶۰۷	۰.۶	۱۰.۲
نيسان	۳۰۹۱۳	۳۱۴۵۹	۲۹۵۶۲	-۱.۷	۴.۶
سوبارو	۳۰۹۸۱	۳۰۸۷۴	۳۰۰۰۴	۰.۳	۳.۳
تویوتا	۳۴۱۴۰	۳۳۹۲۰	۳۲۷۹۳	۰.۶	۴.۱
فلکس واگن	۴۳۵۴۱	۴۳۴۹۶	۴۴۵۷۴	۰.۱	-۲.۳
صنعت	۳۷۸۷۶	۳۸۰۰۲	۳۶۹۰۱	-۰.۳	۲.۶

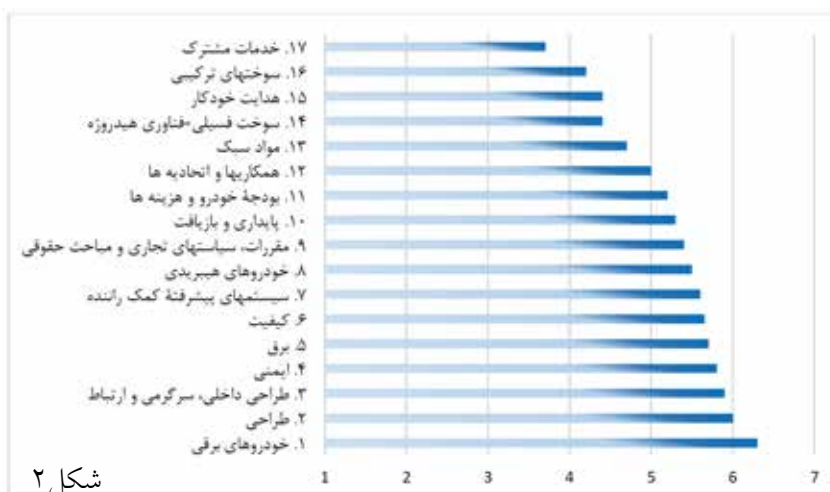
نمود این است که آنها حتماً خودروی خود را بیمه می کنند. شکل ۱ نمودار استهلاک خودرو با توجه به متوسط قیمت خودرو را نشان می دهد [۱].

رقابت جهانی و بازار خودروهای هیبریدی و الکتریکی

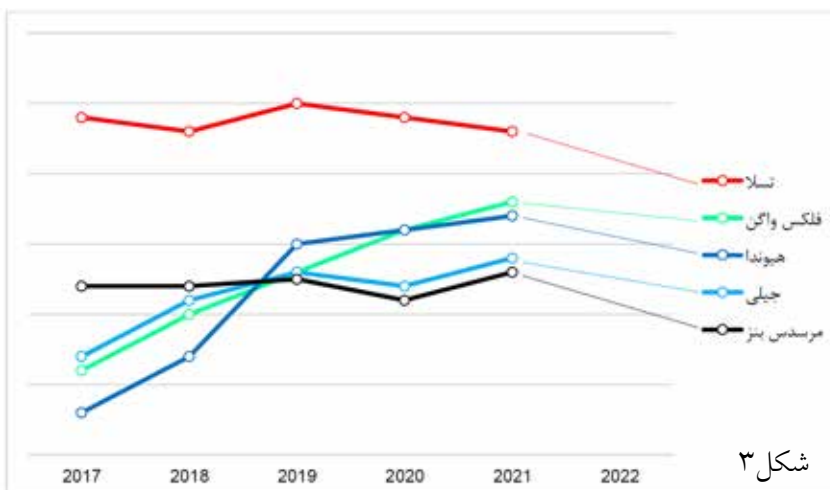
پس از جدی شدن بحث گرمای کره زمین و نجات محیط زیست و سیاره مان از آلودگی سوختهای فسیلی، برخی خودروسازان به سمت تولید خودروهای هیبریدی و الکتریکی حرکت نمودند. با توجه به اینکه این موضوع بسیار حائز اهمیت است، اکنون خودروسازان خودروهای برقی می توانند امتیازات این مزیت در کنار سایر امتیازات بهره مند گردند. شکل ۲ میزان اهمیت امتیازات خودروهای تولیدی در سال ۲۰۲۱ به ترتیب از ۱ تا ۳ (اهمیت پایین)، ۳ تا ۵ (اهمیت متوسط) و ۵ تا ۷ (اهمیت زیاد) را نشان می دهد.

در این میان نیز چشم انداز سوختهای فسیلی با توجه به روی کار آمدن منابع انرژی پایدار، ساخت خودروهای برقی، افزوده شدن مالیات بر دی اکسید کربن و قیمت نفت به شدت در حال تضعیف است. امروزه باتریهای خودروهای برقی به خاطر برخورداری از حداکثر سرعت شارژ بیش از ۱۵۰ کیلووات، طول عمر زیاد، پیمودن مسافتهای طولانی برای سفر و کم نمودن دغدغه شارژ کردن باتری به شدت بر کارآمدی این نوع خودروها افزوده اند. در حال حاضر در جهان، تسلا از برترین برندهای تجاری خودروهای الکتریکی برخوردار است. فلکس واگن و هیوندا نیز دارند به برنده تسلا نزدیک می شوند. سایر برندها از جمله جیلی و مرسدس بنز نیز در رده های پایین تر قرار می گیرند. شکل ۳ برندهای کنونی خودروهای برقی جهان و میزان رقابت آنها در بازار جهانی را نشان می دهد. شکل ۴ روند و توسعه بازارهای خودروهای برقی در جهان را نشان می دهد [۳ و ۴].

همانطوریکه در شکل ۴ مشاهده می شود، سهم جهانی خودروهای الکتریکی و هیبریدی در سال ۲۰۲۰ به مرز ۱۰ میلیون

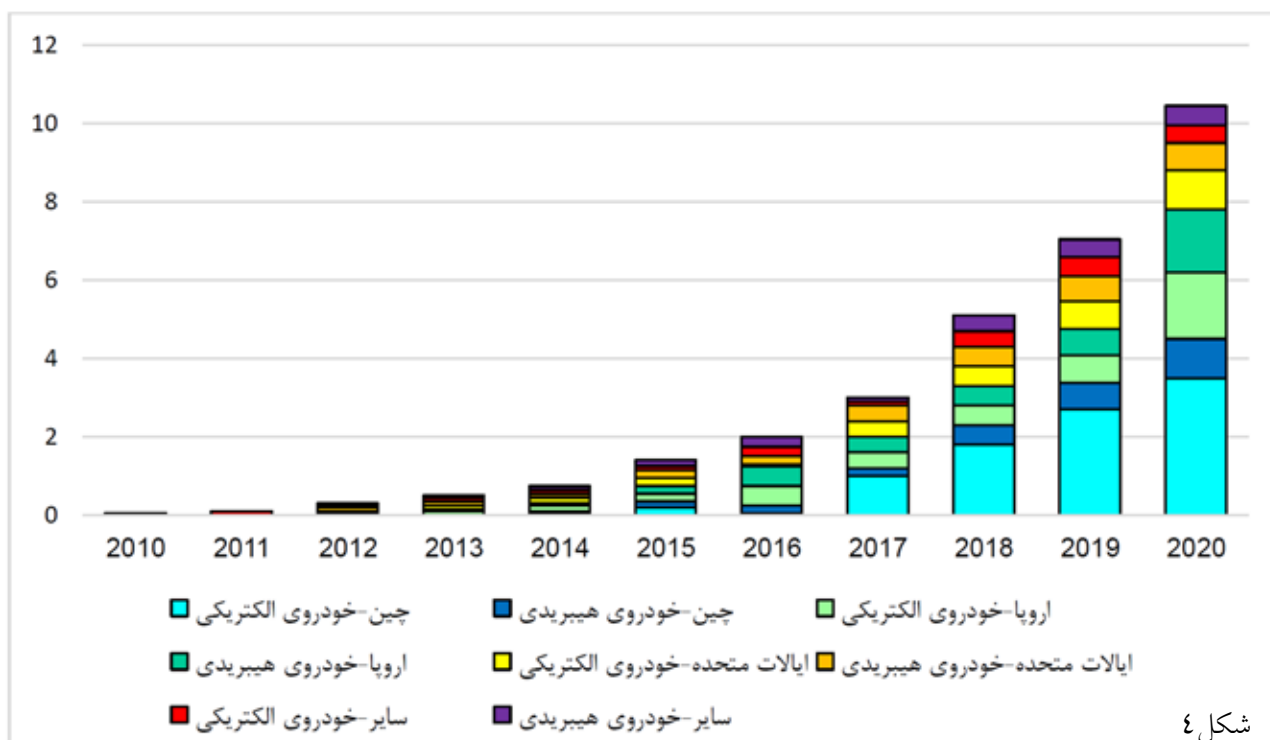


شکل ۲



شکل ۳

دلار رسیده است که ۴۳ درصد افزایش نسبت به سال ۲۰۱۹ را نشان می دهد. اگرچه اروپا در سال ۲۰۲۰ افزایش چشمگیری در تولید سالانه خودرو برقی داشته است ولی چین با برخورداری از تولید ۴.۵ میلیون خودروی برقی همچنان پیشرو در بازار جهانی به شمار می رود.



شکل ۴

ضعیف نگهداشته شدن آن گردیده است. در حال حاضر قیمت یک خودروی نوری ایرانی و حتی دست دوم آن هیچ تطابقی با قدرت خرید مردم ندارد که یکی از دلایل آن این است که ارزش خودرو به خاطر سرهم شدن قطعات و یا بهتر بگوییم مونتاژ که اکثراً وارداتی هستند با دلار محک زده می‌شود. حتی کیفیت خودروها نیز در مقایسه با خودروهای جهانی بسیار پایین است و همین امر باعث شده که بحث واردات مجدد خودرو پیش کشیده شود. خیلی از ایرانیها ترجیح می‌دهند که به جای خودروی ایرانی، خودروی خارجی بخرند. چون معتقدند که با خرید خودروی خارجی، سرمایه آنها حفظ خواهد گردید.

طبق داده‌های منتشر شده مرکز ملی آمار ایران، فروش وسایل نقلیه سبک در سال ۲۰۱۸ با افت ۲۳،۱ درصدی مواجه گردید که این روند در سال ۲۰۱۹ با توقف واردات خودرو بدتر شد و به ۳۷،۱ درصد کاهش رسید. در سال ۲۰۲۰ میزان فروش خودروی ملی ۸،۷ درصد افزایش داشت که مجدداً در سال ۲۰۲۱ با ۲ درصد کاهش فروش در سه ماهه اول و ۱۴،۵ درصد افزایش فروش در سه ماهه دوم رو به رو گردید [۴ و ۵].

حال باید نشست و دید که صنعت خودروسازی ایران چه چشم اندازی را در بلندمدت برای خود ترسیم نموده است تا از عرصه بازار جهانی دو نماند.

همانطوریکه پیش تر گفته شد، در سال ۲۰۲۰ به دلیل همه گیری کوید ۱۹، بازار ثبت نام خودروها حدود یک سوم نسبت به قبل کاهش یافت و این موضوع سبب گردید که سهم فروش خودروهای برقی ۷۰ درصد افزایش یابد. این افزایش، میزان ثبت نام برای خودروهای جدید در اروپا را به ۱،۴ میلیون نفر، در چین به ۱،۲ میلیون نفر و در ایالات متحده به ۲۹۵۰۰۰ رساند. شاید یکی از دلایل افزایش ثبت نام، ارائه مشوقهای مالی و کسر مالیات برای دارندگان این نوع خودروها باشد. همینطور این طرحها سبب شده اند که حتی دارندگان خودروهای سوختهای فسیلی هم به سمت برقی کردن خودروهای خود روی بیاورند.

ایران و سهم بازار خودروی آن

در حال حاضر ایران هیچ سهمی در بازار جهانی و علی الخصوص خودروهای برقی ندارد. بر طبق نظر کارشناسان یکی از دلایل این موضوع، انحصاری بودن این صنعت است که حمایتهای دولت از خودروسازان ایرانی، تعرفه های سنگین خودروهای وارداتی، وضعیت مالیات گمرک بر واردات قطعات خودرو نیز آن را تشدید نموده و سبب عدم رقابت بازار ایران در جهان و

Financial Samurai, <https://www.financialsamurai.com/about/>, 2021 [1]

News Channel, <https://keyt.com/news/>, 2021 [2]

World Car Global Trends Report, Global Automotive Trends 2021 [3]

Global EV Outlook 2021 IEA – International Energy Agency, <https://www.iea.org>, 2021 [4]

www.iea.org, 2021

[۵] محمد نبی شهیکی تاش، عماد کاظم زاده، ساختار بازار خودروی سواری در ایران،

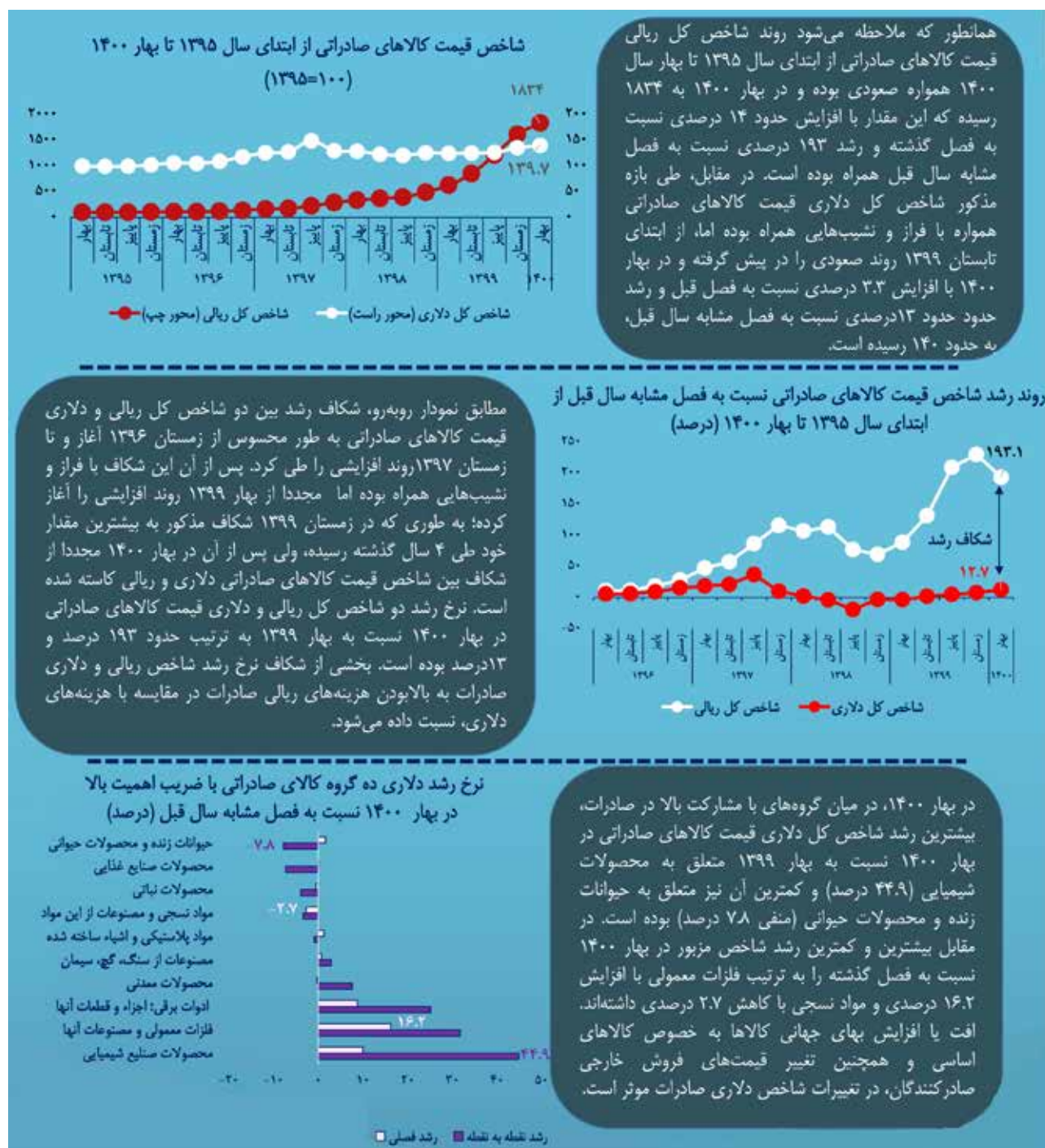
فصلنامه سیاستهای مالی و اقتصادی، سال اول، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۲، صفحات ۱۳۹-۱۶۴.

<https://tradingeconomics.com/iran/car-production> [5]

شاخص بهای کالاهای صادراتی طی فصل نخست ۱۴۰۰

- روند شاخص کل ریالی قیمت کالاهای صادراتی از ابتدای سال ۱۳۹۵ تا بهار سال ۱۴۰۰ همواره صعودی بوده و در بهار ۱۴۰۰ به ۱۸۳۴ رسیده که این مقدار با افزایش حدود ۱۴ درصدی نسبت به فصل گذشته و رشد ۱۹۳ درصدی نسبت به فصل مشابه سال قبل همراه بوده است. در مقابل، طی بازه مذکور شاخص کل دلاری قیمت کالاهای صادراتی همواره با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده اما، از ابتدای تابستان ۱۳۹۹ روند صعودی را در پیش گرفته و در بهار ۱۴۰۰ با افزایش ۳,۳ درصدی نسبت به فصل قبل و رشد حدود ۱۳ درصدی نسبت به فصل مشابه سال قبل، به حدود ۱۴۰ رسیده است.

- شکاف رشد بین دو شاخص کل ریالی و دلاری قیمت کالاهای صادراتی به طور محسوس از زمستان ۱۳۹۶ آغاز و تازمستان ۱۳۹۷ روند افزایشی را طی کرد. پس از آن این شکاف با فراز و نشیب‌هایی همراه بوده اما مجدداً از بهار ۱۳۹۹ روند افزایشی را آغاز کرده؛ به طوری که در زمستان ۱۳۹۹ شکاف مذکور به بیشترین مقدار خود طی ۴ سال گذشته رسیده، ولی پس از آن در بهار ۱۴۰۰ مجدداً از شکاف بین شاخص قیمت کالاهای صادراتی دلاری و ریالی کاسته شده است. نرخ رشد دو شاخص کل ریالی و دلاری قیمت کالاهای صادراتی در بهار ۱۴۰۰ نسبت به بهار ۱۳۹۹ به ترتیب حدود ۱۹۳ درصد و ۱۳ درصد بوده است. بخشی از شکاف نرخ رشد شاخص ریالی و دلاری صادرات به بالا بودن هزینه های ریالی صادرات در مقایسه با هزینه های دلاری، نسبت داده می شود.





آسیب‌پذیری‌های نوظهور در اقتصاد جهان چشم‌انداز گذار از کرونا

مختلف، متفاوت است چرا که دامنه بحران سلامت با ساختار اقتصادی کشورها ارتباط دارد. اما چشم‌اندازهای جهانی تا یک سال پس از همه‌گیری بسیار نامشخص باقی مانده است. جهش‌های جدید ویروس کووید ۱۹ و انباشت تلفات انسانی نگرانی‌ها را افزایش داده است؛ حتی در حالی که گسترش واکسیناسیون باعث افزایش امیدواری‌ها شده است. بهبودهای اقتصادی در کشورها و بخش‌های مختلف متفاوت است که نشان‌دهنده تنوع در اختلالات ناشی از همه‌گیری و میزان سیاست‌های حمایتی است. چشم‌انداز نه تنها به نتیجه نبرد بین ویروس و واکسن بستگی دارد، بلکه به میزان موثر بودن سیاست‌های اقتصادی که در شرایط عدم قطعیت بالا، به کار گرفته می‌شوند بستگی دارد.

اقتصاد در لبه پرتگاه

یک سال پیش که به نظر می‌رسید اقتصاد جهان در لبه پرتگاه قرار دارد، بانک‌های مرکزی به سرعت به توسعه نقدینگی پرداخته و اعتبارات را به طیف وسیعی از وام‌گیرندگان توسعه دادند. در همان زمان، مقامات بودجه‌ای کمک‌های خود را به خانوارها و شرکت‌ها از طریق پرداخت‌های انتقالی، یارانه دستمزد، و حمایت از نقدینگی ارائه کردند. از طرفی، ارزش بیشتر ارزهای بازارهای نوظهور و ارزهای کشورهای صادرکننده کالا افزایش یافته در حالی که ارزش دلار آمریکا از آوریل گذشته کاهش یافته است. همه این تحولات به تقویت شوک کمک کرد. اقدامات سیاستی (از جمله تثبیت‌کننده‌های خودکار، اقدامات اختیاری و اقدامات بخش مالی) حدود ۶ درصد به رشد جهانی در سال ۲۰۲۰ کمک کرد، در حالی که تعیین آن دشوار است، بدون این اقدامات، انقباض رشد جهانی سال گذشته می‌توانست سه برابر بدتر از آنچه بود، باشد. کار بسیاری برای دستیابی به بهبودی کامل باقی مانده است. این وظیفه‌ای پیچیده برای سیاست‌گذاران است، با توجه به عدم قطعیت بالای چشم‌انداز، و برای بسیاری، با توجه به چشم‌انداز جلوگیری از تأثیر درآمدهای حاصل از دوره‌های توقف و از سرگیری فعالیت با فضای سیاستی بسیار کمتر از آنچه در ابتدا در دسترس بود.

تحولات به مسیر همه‌گیری، اقدامات سیاستی، تکامل شرایط مالی و قیمت کالا و همچنین ظرفیت اقتصاد برای انطباق با موانع مرتبط با سلامت بستگی دارد. جزر و مد این محرک‌ها و تعامل آنها با ویژگی‌های خاص هر کشور، سرعت بهبود و میزان آسیب‌های میان‌مدت را تعیین می‌کند. در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه، داده‌های تهیه و اکسن نشان می‌دهد که مراقبت‌های بهداشتی موثر برای اکثر مردم در سال ۲۰۲۱ در دسترس نخواهد بود. محدودیت‌ها و اقدامات قرنطینه بیشتری ممکن است در سال ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ نسبت به اقتصادهای پیشرفته مورد نیاز باشد که این امر احتمال زیان میان‌مدت به تولید بالقوه این کشورها را افزایش می‌دهد. تمایز قابل توجهی میان چین (جایی که اقدامات کنترلی موثر، واکنش قوی سرمایه‌گذاری عمومی و حمایت نقدینگی بانک مرکزی، بهبودی قوی را تسهیل کرده است) و دیگر کشورها

بحرانی که شبیه هیچ بحران دیگری نیست. بیماری همه‌گیر کووید ۱۹ منجر به رکود شدید جهانی شد که از بسیاری جهات منحصربه‌فرد است. رکود در سال ۲۰۲۰ در مقایسه با بحران‌های جهانی قبلی بسیار ناگهانی و عمیق بود، اگرچه واکنش سیاستی در بسیاری از کشورها سریع و قابل ملاحظه بود. تولید جهانی حدود سه برابر بیشتر نسبت به بحران مالی کاهش یافت. بحران همه‌گیری همچنین به دلیل اثرات آن در بخش‌ها و کشورها، کانال‌های پیچیده انتقال و عدم اطمینان بالا در مورد مسیر بهبود (با توجه به اینکه بهبودی، بستگی به سرنوشت خود ویروس دارد) از سایر بحران‌ها متمایز است. پاسخ سیاستی نیز بی‌سابقه بوده است؛ هم از حیث اندازه، به ویژه در اقتصادهای پیشرفته و هم از حیث استفاده از اقدامات «رگ حیاتی» برای بهبود سیستم‌های مراقبت‌های بهداشتی و تقلیل آسیب به خانوارها، کارگران و بنگاه‌ها. حدود ۴۰ درصد پاسخ مالی در گروه ۲۰ (۲۰) اقتصادهای پیشرفته (۳۰ درصد در اقتصادهای نوظهور ۲۰) به شرکت‌ها و طرح‌هایی برای حفظ اشتغال هدایت شد. حمایت در بازارهای نوظهور و اقتصادهای در حال توسعه به طور کلی محدودتر بوده است. ادامه عدم قطعیت در مورد مدت زمان بحران سلامت، همه جنبه‌های مسیر بهبودی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، سوالات در مورد اثرات دائمی بالقوه شوک با تداوم همه‌گیری بر جسته‌تر می‌شود: چه میزان آسیب (آسیب مداوم به پتانسیل تولید) ممکن است رخ دهد؟ این میزان در کشورهای



(به ویژه نفت) در ماه‌های آینده بیشتر تقویت شود. با توجه به سطح پایین آنها در یک سال قبل، قیمت‌های بالاتر قاعدتا به طور مکانیکی به افزایش تورم منجر خواهد شد. این چشم‌انداز نشان‌دهنده تحولات در بازار کار است که در آن رشد دستمزدها کاهش یافته و قدرت چانه‌زنی کارگران اخیرا با بیکاری زیاد و نرخ مشارکت کمتر توأم شده است. اینکه آیا تورم به طور اُرشوت کرده و یاد در میان مدت روندی صعودی را در پیش خواهد گرفت، دلالت‌های مختلفی دارد و در وهله اول به معتبر بودن چارچوب‌های پولی و واکنش مقامات پولی به افزایش فشار تورم بستگی دارد.

تجربه رکودهای گذشته، اهمیت اجتناب از اضطراب مالی همزمان با گسترش پاسخ‌سیاستی در قبال همه‌گیری را برجسته می‌سازد. برای جلوگیری از خساراتی که می‌تواند از بی‌ثباتی مالی آینده ناشی شود، باید اقدامات از جمله تأمین اعتبار و در عین حال انعطاف‌پذیری ترانزنامه و بافرهای مناسب در دستور کار قرار گیرد. با افزایش پوشش واکسن و لغو محدودیت‌های عرضه، کشورها باید پاسخ‌سیاستی خود را با توجه به مراحل مختلف همه‌گیری تنظیم کنند. حمایت بودجه‌ای هدفمند که اثرات بخشی مختلف بحران را هدف قرار می‌دهد، در حین برقراری محدودیت‌های عرضه، مثرتر بوده، حال آنکه سرمایه‌گذاری عمومی می‌تواند به افزایش عرضه و تقاضا همزمان با لغو محدودیت‌ها کمک کند. هر جا که فضای سیاستی اجازه دهد، سیاست‌گذاران باید ترکیبی از حمایت‌های هدفمندتر برای خانوارها و بنگاه‌های آسیب‌دیده را اتخاذ کرده و سرمایه‌گذاری عمومی باید به موارد زیر معطوف شود: حذف موانع بر سر راه انباشت سرمایه انسانی و تشویق اشتغال؛ حمایت از بهره‌وری و افزایش سرمایه‌گذاری.

یک سال پس از همه‌گیری

یک سال پس از ظهور همه‌گیری، کووید ۱۹ همچنان به تخریب اقتصاد جهانی و خاورمیانه و آسیای میانه ادامه می‌دهد. کاهش محدودیت‌های اعمال شده در اوایل سال گذشته (موج اول) و متعاقبا افزایش فعالیت‌ها طی ماه‌های تابستان منجر به موج جدید شیوع و ویروس در اواخر سال گذشته شد (موج دوم). چندین کشور شکننده و بحران‌زده (سومالی، سوریه و یمن) نرخ شیوع و میزان مرگ و میر نسبتاً کمتری را گزارش کردند. با این حال، آزمایش و ظرفیت ناکافی مراقبت‌های بهداشتی نشان می‌دهد که ابعاد واقعی گسترش همه‌گیری احتمالا بیش از این بوده است. در پاسخ، بسیاری از کشورها مجدداً قرنطینه و سایر محدودیت‌های هدفمند را در اواخر سال ۲۰۲۰ اعمال کردند، هر چند محدودیت‌های کمتری برای کار و مسافرت در مقایسه با موج اول اعمال شد و بنابراین افت فعالیت‌ها به مراتب کمتر بود. پس از کاهش سریع در اوایل در سال ۲۰۲۱، میزان شیوع و مرگ و میر دوباره افزایش یافت و هشت کشور انواع جدیدی از کووید ۱۹ را گزارش کرده‌اند. در همین حال، رقابت بین واکسن و ویروس وارد مرحله جدیدی شد. کمپین‌های واکسیناسیون در چند کشور آغاز شده است، اما دسترسی به منابع کافی واکسن برای بسیاری دیگر همچنان یک چالش محسوب می‌شود. واکسیناسیون اولیه: بیشتر کشورها در این گروه (که شامل کشورهای شورای همکاری

قابل انتظار است. برای منطقه نوظهور و در حال توسعه آسیا، پیش‌بینی‌ها برای سال ۲۰۲۱ به میزان ۰/۶ درصد به بالا اصلاح شده است که منعکس‌کننده بهبود قوی‌تر از آنچه پس از رفع محدودیت‌ها در برخی کشورهای بزرگ (به عنوان مثال، هند) انتظار می‌رفت، است. با این حال، هنوز تعداد زیادی موارد کووید ۱۹ در برخی کشورهای بزرگ در سه ماهه اول سال ۲۰۲۰ وجود دارد (مانند اندونزی و مالزی) که این امر چشم‌انداز رشد را تحت الشعاع قرار می‌دهد. برای خاورمیانه و آسیای مرکزی، پیش‌بینی‌ها برای سال ۲۰۲۱ تقریباً بدون تغییر باقی مانده است، اما بازتاب تفاوت‌های قابل توجهی بین کشورها، بسته به مسیر همه‌گیری، توزیع واکسن، میزان وابستگی به گردشگری، تحولات قیمت نفت و فضا و اقدامات سیاستی است.

بهبود خفیف در برخی مناطق

به دنبال کاهش شدید در سال ۲۰۲۰، فقط یک بهبود خفیف و چندسرعت در آمریکای لاتین و کارائیب در ۲۰۲۱ پیش‌بینی می‌شود. به لطف بهبود تولید در صنایع کارخانه‌ای جهان در نیمه دوم سال ۲۰۲۰، رشد در برخی کشورهای صادرکننده بزرگ منطقه از انتظارات فراتر رفت (به عنوان مثال، آرژانتین، برزیل و پرو) که این امر پیش‌بینی سال ۲۰۲۱ را به ۴/۶ درصد افزایش داد. با این حال، چشم‌انداز بلندمدت همچنان به مسیر همه‌گیری وابسته است. همه‌گیری همچنان تلفات انسانی زیادی را در جنوب صحرای آفریقا (به ویژه، به عنوان مثال، غنا، کنیا، نیجریه و آفریقای جنوبی) به دنبال دارد. به دنبال بزرگ‌ترین افت رشد در منطقه (۱/۹- درصد در سال ۲۰۲۰) انتظار می‌رود رشد در سال ۲۰۲۱ به ۳/۴ درصد برسد که به طور قابل توجهی پایین‌تر از روند پیش‌بینی شده در پیش از همه‌گیری است.

با تقویت بهبودی در سال ۲۰۲۱، پیش‌بینی می‌شود تجارت جهانی به ۸/۴ درصد برسد که عمده‌تأثیر دلیلی افزایش مجدد حجم تجارت کالا است. انتظار می‌رود تجارت فرامرزی خدمات (گردشگری، حمل و نقل) تا زمانی که همه‌گیری در همه جات تحت کنترل دربیاید، پایین باقی بماند. انتظار می‌رود قیمت کالاها

خلیج فارس، قزاقستان و مراکش است) واکسیناسیون را در دسامبر ۲۰۲۰ یا ژانویه ۲۰۲۱ آغاز کرده و انتظار می رود که سهم قابل توجهی از واکسیناسیون مردم خود را تا پایان سال ۲۰۲۱ انجام دهند.

واکسیناسیون کند: با توجه به محدودیت در توافقیاتهای خرید یا کمبود بودجه در این کشورها، انتظار می رود چالش هایی را برای واکسیناسیون انبوه ایجاد کند. ۱۳ کشور و سرزمین در این گروه (افغانستان، الجزایر، جیبوتی، مصر، ایران، عراق، اردن، لبنان، لیبی، پاکستان، تونس، ازبکستان، کرانه باختری و غزه) تلقیح را با پوشش محدود آغاز کردند و به طور کلی انتظار نمی رود که واکسیناسیون بخش قابل توجهی از جمعیت آنها تا حداقل اواسط سال ۲۰۲۲، با توجه به نبود تلاش های اضافی، مانند کمک از جامعه بین المللی محقق شود.

واکسیناسیون متاخر: ۱۱ کشور باقی مانده به خصوص کشورهای کم درآمد (LIC) احتمالاً واکسیناسیون طولانی مدت را تجربه خواهند کرد و در کوتاه مدت واکسیناسیون دو دوز فقط تا ۲۰ درصد از جمعیت کشور را پوشش می دهد، محدود می شود. با توجه به ظرفیت کم برای ذخیره و توزیع واکسن، کشورهای در این گروه انتظار نمی رود که تا سال ۲۰۲۳ و در نبود تلاش ها برای دسترسی قرار دادن و مقرون به صرفه ساختن واکسن، واکسیناسیون کامل داشته باشند.

پاسخ های سیاستی قوی بسته های مالی برای مهار اثرات همه گیری (بیشتر قبل از ماه آگوست) اجرا شدند و به طور متوسط حدود ۲ درصد از تولید ناخالص داخلی بودند. اگرچه بسیاری از کشورها با توجه به محدودیت فضای سیاستی، مخارج خود را مجدداً اولویت بندی کردند، اما سیستم های بهداشتی و رفاهی قوی به چندین صادرکننده نفت اجازه داد تا هزینه های اضافی مراقبت های بهداشتی را در بودجه موجود لحاظ کنند. انعطاف پذیری نرخ ارز در برخی موارد بخشی از شوک را جذب کرد. چندین کشور با نرخ ارز انعطاف پذیر در اوایل همه گیری، ارزش پول ملی خود را کاهش دادند (ارمنستان، گرجستان، قزاقستان، جمهوری قرقیزستان، مراکش، پاکستان،

تاجیکستان، تونس) و از آن زمان در برخی موارد روند نرخ ارز تا حدی معکوس شده است. برای کاهش نوسانات بیش از حد، در چند مورد (ارمنستان، مصر، گرجستان، قزاقستان، پاکستان) مداخله ارزی انجام شد. در پایان ماه آگوست، اکثر بانک های مرکزی نیز نرخ سیاستی (نرخ بهره) خود را کاهش دادند. پس از پایان ماه آگوست، پنج بانک مرکزی نرخ های بیشتری را کاهش دادند، از ۲۵ تا ۱۰۰ صدم درصد: ارمنستان، آذربایجان، مصر، تونس و ازبکستان. کل کاهش به ویژه در پاکستان و مصر به ترتیب جمعاً با ۶۲۵ و ۴۰۰ صدم درصد چشمگیر بود. بانک های مرکزی همچنین نرخ ذخیره قانونی را کاهش دادند، تمدید مهلت بازپرداخت وام را تشویق کرده، نقدینگی را تامین کردند و به بانک ها اجازه دادند از حائل های حفظ سرمایه خود استفاده کرده و نرخ نقدینگی مورد نیاز را کاهش دهند.

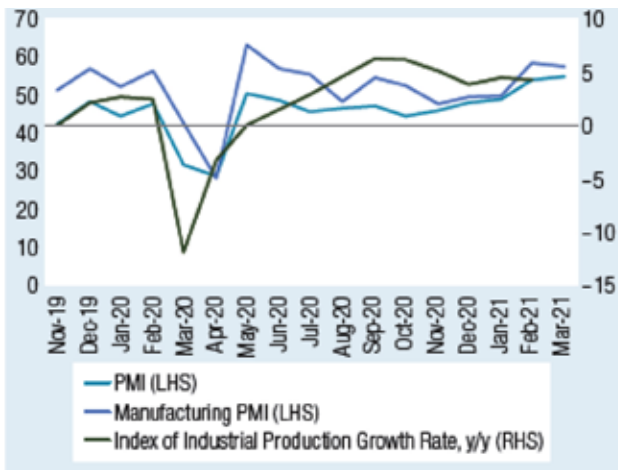
نقش کلیدی تفاوت های ساختاری و سیاسی

کشورهایی که حمایت مالی آنها طی همه گیری قوی بود، انقباض کمتری را تجربه کردند و بنابراین انتظار می رود سریع تر از کشورهای کم حمایت کافی نداشتند بهبود یابند. در منطقه، انتظار می رود GDP کشورهای کم حمایت مالی بالاتر از متوسط در سال ۲۰۲۰ برخوردار هستند، در سال ۲۰۲۲ به سطح تولید ناخالص داخلی قبل از همه گیری بازگردند. در مقابل، کشورهای کم حمایت پایین تر از متوسط هستند، تا سال ۲۰۲۳ بازگشت به سطح ۲۰۱۹ را تجربه نخواهند کرد. نیازهای شدید تامین مالی می تواند فضای سیاستی مورد نیاز برای حمایت از بهبود را محدود کند، زیرا بسیاری از کشورها نیاز به حل چالش های مالی و بدهی خود دارند. انتظار می رود که متوسط نیازهای تامین مالی ناخالص عمومی در سال های ۲۰۲۱-۲۰۲۲ در بازارهای نوظهور منطقه همچنان افزایش داشته باشد و به ۳۷ درصد تولید ناخالص داخلی در بحرین و مصر برسد. استهلاك های خارجی در سطوح قابل کنترل باقی مانده اند، اما متوسط استهلاك داخلی در حدود ۱۰ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال است. چنین نیازهای اساسی پایه برای تامین مالی می تواند حمایت بیشتر را با پیامدهایی برای ترانزنامه و عملکرد شرکتی متوقف کند، زیرا به نظر می رسد حمایت مالی در سراسر کشورها با رشد درآمد، سودآوری و نقدینگی شرکت ها ارتباط مثبت دارد. علاوه بر این، از آنجا که انتظار می رود بسیاری از کشورها برای پوشش بیشتر تعهدات تامین مالی بودجه خود به بانک های داخلی وابسته باشند، این می تواند منجر به کاهش بیشتر اعتبارات برای بخش خصوصی شود.

کشورهای شکننده و متأثر از بحران همچنان با موانع زیادی روبه رو خواهند شد که مانع بهبودی مداوم در کوتاه مدت می شوند. علاوه بر تأثیر طولانی مدت شوک کووید ۱۹ نسبت به بقیه مناطق، با توجه به عدم دسترسی به واکسن و فضای سیاستی، چشم انداز کوتاه مدت این کشورها با درگیری های مسلحانه، موارد اضطرابی انسانی (افغانستان، سومالی، سوریه و یمن) و بی ثباتی بالقوه سیاسی و اقتصادی (عراق، لبنان، لیبی، سودان) به چالش کشیده خواهد شد. چشم انداز خدمات پرتماس، به ویژه گردشگری، تحت تأثیر محدودیت ها بر سفرهای غیر ضروری داخلی و بین المللی و اقدامات فاصله گذاری اجتماعی داوطلبانه و دستوری قرار خواهد گرفت. از این رو انتظار می رود که روند بهبود در کشورهایی که به این فعالیت ها وابسته هستند در سال ۲۰۲۱ کند باقی بماند.

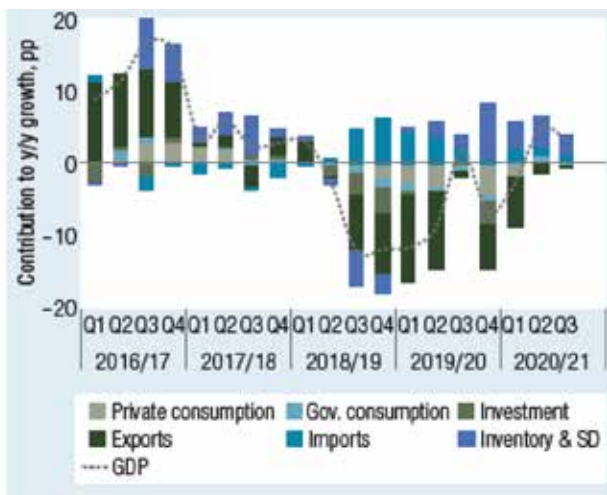
به طور خاص، پیش بینی می شود بخش گردشگری در برخی کشورها (ارمنستان، اردن و مراکش) به طور تدریجی بین ۲۳-۲۰۲۲ و در سایر کشورها (آذربایجان، گرجستان، لبنان) تا پایان ۲۰۲۴ یا ۲۰۲۵ بهبود یابد. انتظار می رود در میان مدت، سطح تولید ناخالص داخلی پایین تر از آنچه پیش بینی های پیش از همه گیری نشان می دهد، باقی بماند که بخشی از آن منعکس کننده برخی آسیب های پایدار ناشی از بحران به واسطه بیکاری بالا، انباشت کندتر سرمایه و بهره وری ضعیف است. پیش بینی می شود متناسب با روند جهانی، میزان آسیب برای کشورهای وابسته به جهانگردی بزرگ ترین و برای صادرکنندگان نفت کمترین باشد.

در بلندمدت، بزرگ ترین ریسک این است که یک بهبود نابرابر منجر به گسترش مداوم نابرابری گردد. همه گیری، چالش های بزرگی را برای دسترسی به خدمات اساسی به وجود



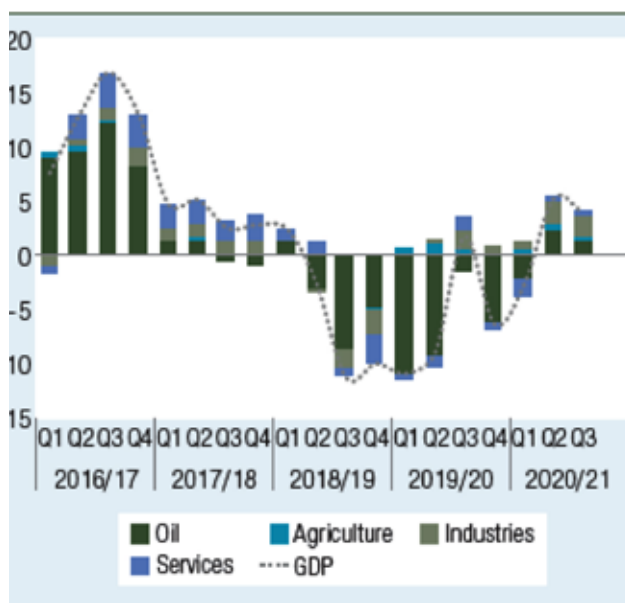
Source: ICCIMA and MBRI.

شاخص تولید صنعتی و مدیران خرید ایران ۲۰۲۰-۲۰۲۱



Source: CBI and World Bank staff calculations.

رشد اجزاء اصلی تولید ناخالص داخلی (تقاضا) ایران ۲۰۲۰-۲۰۱۶



Source: CBI and World Bank staff calculations.

سهم بخش های مختلف اقتصادی ایران ۲۰۲۰-۲۰۱۶

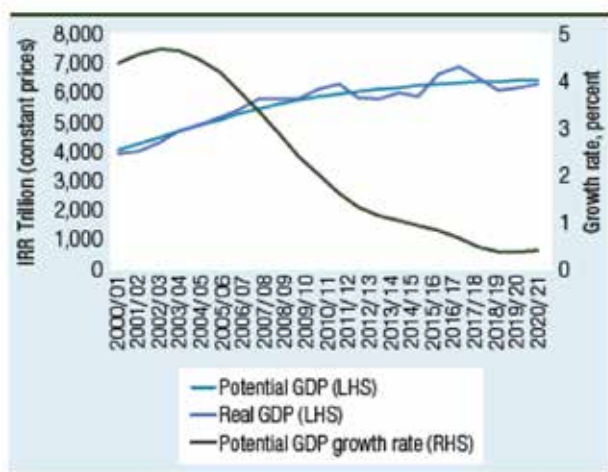
آورده و به طور نامتناسبی اقبال آسیب پذیر، از جمله جوانان و زنان و شرکت های کوچک را تحت تاثیر قرار داده است. این، به نوبه خود، می تواند به افزایش فقر و ایجاد شکاف درآمدی که امکان دارد در بین نسل ها، از جمله بین بخش های رسمی و غیر رسمی تداوم یابد، منجر گردد. علاوه بر این، بدون اقدام سیاستی، بدهی بیش از حد و آسیب های ناشی از بیکاری، و ریسکستگی شرکت هایی که می توانستند تداوم یابند، و انتقال مشکلات به بخش های جدید می تواند به آسیب پذیری های موجود افزوده و به رشد پایین طولانی مدت و افزایش فقر منجر شود. نتیجه می تواند گسترش ناآرامی های اجتماعی و متعاقباً تقویت یک چرخه معیوب باشد.

سیاستگذاران نمی توانند از چالش های تحول آفرین، از جمله مقابله با نابرابری، فقر و فساد، ارتقا مشاغل بخش خصوصی، پرداختن به تغییرات اقلیمی، و بهبود حاکمیت غافل شوند. در حالی که برخی از کشورهای منطقه (مصر، اردن، قزاقستان، ازبکستان) حتی در طی همه گیری روند اصلاحات را حفظ کرده اند، اکنون با پشتیبانی از چارچوب های مالی میان مدت و رشد افزا که از طریق آن همه سهم عادلانه می برند، فرصتی برای اصلاحات جسورانه تر وجود دارد. باید یک قرارداد اجتماعی جدید با مشاغل بیشتر در بخش خصوصی و بهبود حاکمیت، شفافیت و پاسخگویی برای دولت ها منعقد شود.

بر اساس تحقیقات صندوق بین المللی پول، افزایش کارایی هزینه های اجتماعی، حتی بدون افزایش هزینه ها، می تواند به رفع یک سوم شکاف شاخص توسعه انسانی منطقه کمک کند. باید از دستاوردهای مربوط به همه گیری، که توسعه مهمی در برنامه های کمک های اجتماعی هدفمندتر و مشروط تر در منطقه در پی داشت، درس گرفت. افزایش دسترسی به فناوری و دیجیتالی سازی می تواند ضمن تقویت اطمینان از بهره برداری کامل منطقه از روندهای مهم جهانی، به تقویت اصلاحات در همه زمینه ها کمک کند. با کاهش بحران، باید همچنان که کشورها سیستم های حفاظت اجتماعی خود را تقویت می کنند و آنها را برای پاسخگویی به شوک های بعدی آماده می کنند، کار روی ارزیابی مجدد ثبت اضطراری آغاز شود. ارتقا دسترسی مالی و سرمایه گذاری در زیرساخت های اینترنت در صورت لزوم، به ویژه برای اطمینان از داشتن شبکه های امنیتی گسترده و هدفمند در کشورهای منطقه بسیار مهم خواهد بود.

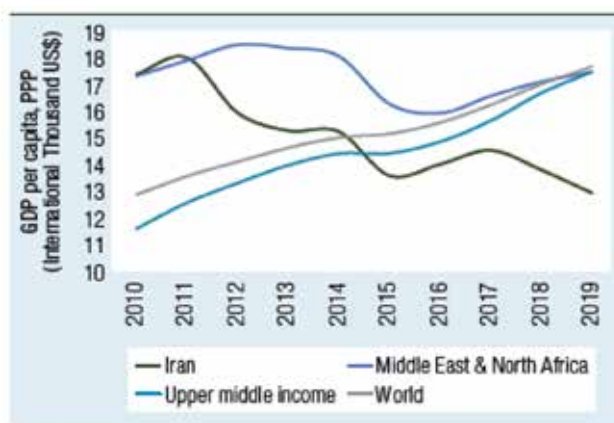
ریسک های تامین مالی پیش رو

پیش بینی می شود که نیازهای تامین مالی ناخالص عمومی طی سال های ۲۰۲۱-۲۰۲۲، در مقایسه با انتظارات قبل از همه گیری افزایش یابد. در بازارهای نوظهور خاورمیانه و آسیای میانه، نیازهای تامین مالی طی سال های ۲۰۲۱-۲۰۲۲ از ۷۸۶ میلیارد دلار در ۲۰۱۸-۱۹ به ۱۰۷۰ میلیارد دلار در سال های ۲۰۲۱-۲۰۲۲ افزایش می یابد. این کشورها انتظار دارند از طریق ۸۶۲ میلیارد دلار از نیازهای تامین مالی را از طلبکاران داخلی و ۲۰۸ میلیارد دلار از منابع خارجی تامین کنند. در مقابل، نیازهای تامین مالی LIC از ۲۷ میلیارد دلار در سال های ۲۰۱۹-۲۰۲۰ به ۲۹ میلیارد دلار در طی سال های ۲۰۲۱-۲۰۲۲ افزایش یابد. این کشورها همچنان به بودجه رسمی متکی خواهند بود اما پیش بینی می شود با محدودیت دسترسی به پشتیبانی خارجی، بیشتر به منابع



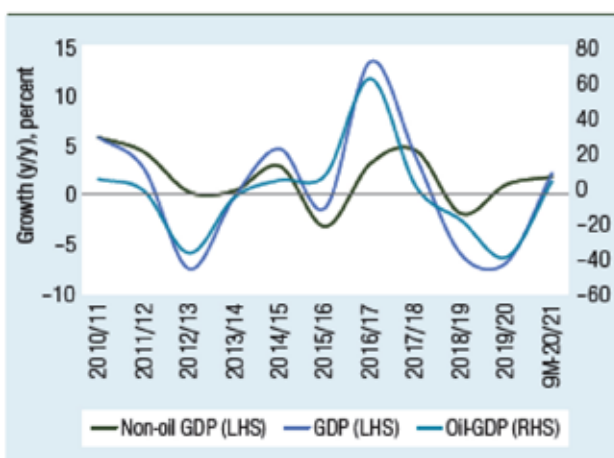
Source: CBI and World Bank staff calculations.
Note: Potential GDP estimated using the HP filter.

رشد تولید ناخالص داخلی بالقوه و واقعی ایران ۲۰۲۰-۲۰۰۰



Source: World Bank WDI.

رشد تولید ناخالص داخلی سرانه PPP ایران و منطقه ۲۰۱۰-۲۰۱۹



Source: CBI and World Bank staff calculations.

رشد تولید ناخالص داخلی با نفت و بدون نفت ایران ۲۰۲۱-۲۰۱۰

داخلی متکی باشند.

یک سوال اساسی، به ویژه در بازارهای در حال ظهور، این است که آیا بانک‌های داخلی همچنان قادر به جذب نیازهای اضافی تامین مالی طی ۲۰۲۲-۲۰۲۱ هستند و اگر اتکای بیشتر به بانکداری داخلی تنها گزینه موجود باشد، حجم تقاضا برای تامین مالی اضافی در صورت بروز شوک چقدر می‌تواند باشد؟ یک سناریوی ترکیبی شامل دو شوک را در نظر می‌گیریم:

تشدید سریع تر از حد انتظار شرایط مالی جهانی: چنین سناریویی منجر به تجدیدنظر در قیمت و مقدار دسترسی به بازار می‌شود. شوکی به میزان دو درصد به بازده (داخلی و خارجی) وارد می‌شود، کاملاً مشابه تاثیر بر بازارهای نوظهور خاورمیانه و آسیای میانه در طی دوره افزایش نرخ بازده اوراق خزانه‌داری آمریکا در سال ۲۰۱۳ و سایر دوره‌های بانوسانات بالا. این سناریو همچنین یک شوک تمدید بدهی اعمال می‌کند که به موجب آن فقط نیمی از سررسید اوراق قرضه خارجی طی سال‌های ۲۰۲۱-۲۰۲۲ تمدید می‌شود، مطابق با آزمون استرس در چارچوب پایداری بدهی صندوق بین‌المللی پول برای کشورهای نوظهور و پیشرفته.

تاخیر در تعدیل بودجه‌ای: کشورها انتظار دارند در سال ۲۰۲۱ تحکیم تدریجی را آغاز کنند، اما بهبود شکننده و طولانی شدن توزیع واکسن ممکن است منجر به درآمد کمتر از حد انتظار و تمدید سیاست‌های حمایتی در سال ۲۰۲۱ شود. این سناریو فرض می‌کند تعدیل بودجه‌ای برنامه‌ریزی شده یک سال تاخیر داشته و از سال ۲۰۲۱ به سال ۲۰۲۲ موکول شود. طبق این سناریو، متوسط نیازهای تامین مالی ناخالص عمومی طی ۲۰۲۱-۲۰۲۲ حدود سه درصد از تولید ناخالص داخلی افزایش می‌یابد، یعنی تقریباً نیمی از تاثیر همه‌گیری بر نیازهای تامین مالی ناخالص عمومی در بازارهای نوظهور خاورمیانه و آسیای میانه در سال ۲۰۲۰ با فرض اینکه نیازهای اضافی بودجه‌ای ناشی از شوک‌های ترکیبی شبیه‌سازی شده توسط بانک‌های داخلی تامین شده، علاوه بر خالص تامین مالی از بخش بانکی که قبلاً نیازهای مورد انتظار ۲۰۲۱-۲۰۲۲ را پوشش می‌داد، چهار کشور در منطقه (مصر، عمان، پاکستان و تونس) ۱۰ تا ۲۳ درصد دارایی بانک‌ها را به عنوان بدهی دولت در طول ۲۰۲۱-۲۰۲۲ جذب خواهند کرد. چنین تحولی بیشتر باعث تشدید مواجهه بخش بانکی با حاکمیت شده و ظرفیت بالقوه بانک‌ها برای وام دادن به بخش خصوصی را به شدت کاهش می‌دهد که این امر احتمالاً چشم‌اندازهای بهبود پایدار و قوی را تضعیف می‌کند.

چشم‌انداز اقتصاد ایران

چشم‌انداز اقتصادی ایران به آثار همه‌گیری کووید ۱۹ و سرعت بهبود اقتصاد جهانی بستگی دارد. پیش‌بینی می‌شود که بهبود تولید ناخالص داخلی به دلیل کندی واکسیناسیون و تقاضای ضعیف شرکای تجاری منطقه‌ای، کند و تدریجی باشد. پیش‌بینی می‌شود تورم کاهش یابد اما در میان‌مدت به طور متوسط بالای ۲۰ درصد باقی بماند. با محدود بودن فضای مالی و تورم بالا، فشارهای اقتصادی بر خانوارهای فقیر ادامه خواهد یافت. هدف‌گذاری بهتر کمک‌های نقدی می‌تواند به کاهش

شاخص‌های کلیدی اقتصاد ایران طی ۲۰۱۸ تا ۲۰۲۳

شاخص‌ها	۲۰۱۸-۱۹	۲۰۱۹-۲۰	۲۰۲۰-۲۱	۲۰۲۱-۲۲	۲۰۲۲-۲۳	۲۰۲۳-۲۴
رشد اقتصادی	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۹	۱۴۰۰	۱۴۰۱	۱۴۰۲
مصرف بخشی خصوصی	-۶	-۶/۸	۱/۷	۲/۱	۲/۲	۲/۳
مخارج دولت	-۲/۶	-۷/۷	-۱/۱	۲/۲	۲	۲
تشکیل سرمایه ناخالص داخلی	-۱۳/۳	-۵/۹	-۰/۷	۱/۹	۳/۹	۴/۱
صادرات کالاها و خدمات	-۱۳/۵	-۲۹/۹	-۱۲/۲	۴	۴	۳/۴
واردات کالاها و خدمات	-۲۹/۵	-۳۸/۱	-۳۲/۴	۱/۵	۲/۵	۲/۶
تورم مصرف‌کننده	۳۱/۱	۴۱/۳	۳۶/۹	۲۹/۳	۲۱/۷	۱۸/۹

مانع توسعه بازارهای پول شده و راهبرد سرمایه‌گذاری، خرید و نگهداری را ترویج می‌کند، افزایش پس‌انداز داخلی به‌ویژه در ابزارهای بلندمدت و ایجاد بازارهای ثانویه عمیق و نقدشونده از طریق توسعه اوراق بهادار بزرگتر دولتی مبنای تمام نقاط منحنی بازده، بنیه سرمایه‌گذاران باید به تدریج تقویت گردد تا اتکا به بانک‌های داخلی کاهش یافته و زمینه برای تامین مالی بخش خصوصی، با هدف قرار دادن سرمایه‌گذاران بزرگ و ناهمگن با ترجیحات مختلف ریسک، افق‌های سررسید سرمایه‌گذاری و انگیزه‌های معاملاتی ایجاد شود تا تقاضای پایدار برای اوراق بهادار دولتی را تضمین کند.

مدیران باید روی گسترش منابع تامین مالی غیربانکی، از جمله سرمایه‌گذاران نهادی و مشارکت خرده‌فروشی، ارائه مجموعه‌ای از ابزارهای متناسب با ترجیحات مختلف سرمایه‌گذاران از جمله نرخ شناور متصل به تورم، اوراق قرضه اسلامی (صکوک) و اوراق بهادار سبز و همچنین جلب مشارکت سرمایه‌گذاران غیرمقیم، به‌ویژه در ابزارهای بلندمدت که توسط بازارهای ثانویه نقدشونده پشتیبانی می‌شود و گنجاندن اوراق قرضه دولتی به ارزش داخلی در شاخص‌های مطرح جهانی تمرکز کنند.

در بخش مالی، سیاست‌گذاران باید همزمان با کاهش مواجهه بیش از حد بانک‌ها در برابر حاکمیت، به حمایت از توسعه اعتبارات ادامه دهند. در کوتاه‌مدت، ترازنامه‌های ضعیف‌تر بانک‌ها و نیاز به بازسازی بافرهای سرمایه‌ای، ممکن است پرتفوی دارایی بانک‌ها را با توجه به مقررات مربوط به وزن‌دهی ریسک صفر، به سمت اوراق قرضه دولتی سوق دهد. برای جلوگیری از بیرون رانده شدن بیشتر اعتبارات بخش خصوصی، باید بانک‌ها را تشویق کرد که ضررهای اولیه را شناسایی کرده اما می‌توان به آنها فرصت داد تا وضعیت سرمایه خود را از نو بسازند. اقدامات شفاف‌سازی و افشای پیشرفته می‌تواند نظم بازار را تقویت کرده و به کاهش دارایی‌های بیش از حد حاکمیت کمک کند. در میان‌مدت، اولویت‌بندی ترازنامه‌های قوی‌تر بخش بانکی و حاکمیت، بهبود حکمرانی و ایجاد فرصت‌های جایگزین برای متنوع‌سازی وام‌های بانک‌ها مهم خواهد بود. علاوه بر این، نهادهای تنظیم‌گر بانکی می‌توانند وزن‌های ریسک «از طریق چرخه» و کفایت سرمایه متغیر در زمان رطاحی کنند که با تمرکز حاکمیت در ترازنامه بانک‌ها افزایش می‌یابد تا رابطه بانک-حاکمیت را محدود ساخته و در عین حال اثرات موافق ادواری را به حداقل برساند.

کشورهای با دسترسی محدود به بازار و نیازهای بالای توسعه‌ای، به‌ویژه LICها و کشورهای شکننده و متأثر از درگیری نظامی، با چالش‌های سنگین‌تری روبه‌رو هستند. بسیاری از این کشورها برای اطمینان از پیشرفت در دستیابی به اهداف توسعه پایدار، به کمک اضافی در قالب منابع و وام‌های کم بهره (به‌ویژه کمک‌های بلاعوض) و تخفیف بدهی تحت DDSI، نیاز دارند. کشورهایی که در سرویس بدهی بدهی با مشکلات قابل توجهی روبه‌رو هستند می‌توانند از تجدید ساختار به موقع و منظم بدهی تجاری و دوجانبه خود با حمایت از سوی چارچوب مشترک برای رفع مشکل بدهی به صورت موردی بهره‌مند شوند. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی

هزینه‌ها کمک کند. در صورت عدم افزایش درآمد‌های نفتی، کسری بودجه در میان‌مدت بالا خواهد ماند. کندی بهبود اقتصادی به همان میزان به کندی در درآمد‌های غیرنفتی تبدیل می‌شود. اتکای بیشتر به انتشار اوراق بهادار، به ویژه در قالب اوراق کوتاه‌مدت، هزینه پرداخت سود و استهلاک را افزایش می‌دهد.

صدور بدهی‌های دولتی و فروش

دارایی‌های عمومی می‌تواند خطرات ناشی از سرایت مالی در بازار سهام را افزایش داده و بر بخش بانکی با سرمایه کمتر تأکید کند. ریسک‌های چشم‌انداز اقتصادی ایران مربوط به مسیر بهبود از همه‌گیری و چشم‌انداز تحولات ژئوپلیتیک است. سرعت واکنش‌های (خرید و توزیع)، تجدید حیات در تعداد موارد مانند موارد جدید از سوی کووید-۱۹ و اقدامات بعدی قرنطینه می‌تواند بر فعالیت‌های اقتصادی تأثیر بگذارد و مرحله حاد بحران را طولانی کند. فقر و آسیب‌پذیری یکی از قربانیان وخامت اقتصادی است. ریسک‌های بالقوه مربوط به احتمال لغو بخشی از تحریم‌ها است که می‌تواند فعالیت اقتصادی را تقویت کند، زیرا اقتصاد به طور مزمن زیر ظرفیت بالقوه عمل کرده است.

طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته وضعیت اقتصادی ایران به کندی و تدریجی (در میان‌مدت فراتر از ۲/۳ درصد نخواهد بود) و علت آن را باید در رشد محدود مخارج مصرفی خانوارها، دولت و تشکیل سرمایه ناخالص داخلی جست‌وجو کرد. تجارت خارجی نیز هرچند از وضعیت رشد‌های منفی خالص شده لیکن رشد صادرات و واردات همچنان محدود است. پیش‌بینی می‌شود، تورم بعد از به قله رسیدن، روند نزولی به خود بگیرد ولی همچنان بالا خواهد بود.

دلالت‌های سیاستی

برای کاهش ریسک ناشی از ساختار متمرکز بدهی دولت، کشورها باید از طریق چندین اهرم اقدام کنند. بازارهای داخلی سرمایه باید از سه طریق توسعه یابند: رسیدگی به نقدینگی مازاد بانکی در برخی کشورها که



روابط بین الملل و مشاور دبیرکل اتاق تهران در این باره معتقد است ارتقای جایگاه ایران در این پروژه، الزاماتی دارد که از جمله آنها می توان به «اصلاح نظام بانکداری و اعتبارات و بورس»، «مقابله جدی و سراسری علیه پولشویی»، «همکاری های آموزشی و سفرهای تخصصی میان دو طرف»، «انتخاب یک مدل توسعه و وفاداری به آن» در کنار «اصلاح قوانین و مقررات برای تسهیل تجارت دو جانبه و چندجانبه» از جمله الزاماتی است که باید در دستور کار ایران قرار گیرد.

سه کارشناس که در نشست تخصصی اتاق بازرگانی تهران حول محور «ابتکار کمر بند-جاده» به بحث و تبادل نظر پرداختند، نشان می دهد چینی ها برای سرمایه گذاری روی ابتکار کمر بند-جاده حول دو محور متمرکز شده اند. نخست، ایجاد یک هویت نوین برای جهان که از آن با عنوان «آسیایی» یاد می شود. در کنار این، دسترسی به یک جمعیت ۴/۵ میلیارد نفری که بازار مصرف بسیار بزرگی است و هژمونی چین بر اقتصاد جهان را تکمیل می کند، دومین دلیل سرمایه گذاری هنگفت چینی ها در این طرح است. کارشناسان در این نشست یادآور شدند این طرح روی سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا تأثیراتی جدی خواهد داشت و سرمایه های چینی را به خارج از مرزهای این کشور می کشاند. ایران می تواند با اتصال به این ابتکار، بسیاری از پتانسیل های خود را در زمینه های اقتصادی-صنعتی عملیاتی کند. با این حال از آنجا که عمده نگاه چین کسب سود بیشتر برای شرکت های خود است استراتژی ایران در مگا پروژه چینی کیفیت خاصی می طلبد.

اجرای این الزامات از سوی ایران در حالی اهمیت حیاتی دارد که نقش آفرینی ایران در طرح بزرگ چینی ها حتمی نیست. مشکلات ایران برای کار در سیستم های بین المللی موضوعی است که در بخشی از این وینار مورد تأکید قرار گرفت. فریال مستوفی با اشاره به سرمایه گذاری حدوداً ۲۰ میلیارد دلاری چینی ها در نیمه اول ۲۰۲۱ در کشورهای همراه در ابتکار کمر بند-جاده، این طرح را یک برنامه بلندمدت سیاستگذاری و سرمایه گذاری بین قاره ای دانست که باید ایران با فراست و هوشمندی

سازوکارهای سرمایه گذاری در مگا پروژه «کمر بند-جاده» چین چیست؟ این پروژه در دو مسیر زمینی و دریایی ۶۵ کشور را در بر می گیرد که از نگاه چینی ها، ایران به دلیل پنج نوع ظرفیت و جاذبه ای که دارد می تواند در اولویت های نخست قرار بگیرد. این جذابیت ها در یک وینار تخصصی از سوی مرکز خدمات سرمایه گذاری اتاق بازرگانی تهران بررسی شد.

راز جذابیت ایران برای چین

فرصت ها و چالش های پیش روی ایران در پیوستن به ابتکار «کمر بند-جاده» بررسی شد. شواهد موجود نشان می دهد چین، ایران را به عنوان یار دوازدهم خود در اجرای «ابتکار کمر بند-جاده» معرفی کرده است. در این راستا نحوه بازی ایران در ابتکار چینی ها می تواند در استفاده از مزیت های بی شمار احیای جاده باستانی ابریشم تأثیر گذار باشد. تحلیل ها نشان می دهد اجرای ۵ اقدام از سوی ایران می تواند ایران را به «ابتکار کمر بند-جاده» متصل کند. فریدون وردی نژاد، پژوهشگر



اطلاعات اندک از زیرساخت‌های کشور در کنار ریسک‌هایی که از ناحیه بازگشت پول و سرمایه از ایران به دلیل عدم رعایت قوانین بانکداری جهان و استانداردهای FATF یا استانداردهای مالیاتی کشور وجود دارد، از جمله موانعی است که تمایل چینی‌ها برای سرمایه‌گذاری در ایران و دادن نقش به کشور برای بازی در ابتکار کمربند-راه را کاهش می‌دهد.

ابتکار چین، ایران و شرکت در بازی جهانی

فریال مستوفی در این نشست در خصوص چشم‌انداز روابط ایران و چین و تحولات جهانی ناشی از اجرای ابتکار کمربند-جاده بحث کرد. رئیس مرکز خدمات سرمایه‌گذاری اتاق تهران گفت: سرمایه‌گذاری خارجی به عنوان عاملی برای انتقال سرمایه، فناوری، تخصص و مدیریت، نقش مهمی در رشد و توسعه کشورها ایفا می‌کند. کشورهای مختلف دنیا توانسته‌اند با بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری خارجی و پیوستن به زنجیره‌های ارزش جهانی، خود را در ریل توسعه قرار دهند. چین، کره جنوبی، سنگاپور، مالزی، ترکیه و اخیراً ویتنام و اندونزی از نمونه کشورهای هستند که از این استراتژی سود برده‌اند. البته عوامل دیگری نیز در رشد و توسعه دخیل بوده است، اما نمی‌توان منکر نقش بی‌بدیل سرمایه‌گذاری خارجی و حضور در زنجیره‌های ارزش جهانی شد. وی با بیان اینکه، چین زمانی کشور فقیری محسوب می‌شد اما اکنون مقصد بزرگی برای جذب سرمایه خارجی است، گفت: چین در سال ۲۰۲۰ بعد از آمریکا که با جذب ۱۵۶ میلیارد دلار رتبه اول جهانی را دارد، موفق به جذب ۱۴۹ میلیارد دلار سرمایه و کسب رتبه دوم شده است. همچنین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی چین در سایر کشورها در سال ۲۰۲۰ در سطح ۱۳۳ میلیارد دلار بوده و چین را به بزرگ‌ترین سرمایه‌گذار جهان تبدیل کرده است، در حالی که آمریکا در این سال ۹۳ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری خارجی کرده است.

مستوفی استراتژی چین در جذب سرمایه‌گذاری و همچنین سرمایه‌گذاری در دیگر کشورها را بسیار هوشمندانه و در جهت کمک به شرکت‌های چینی برای رقابت بیشتر در سطح بین‌المللی توصیف کرد و گفت: چین برای دستیابی به این اهداف، چارچوب مقرراتی را برای سرمایه‌گذاری مستقیم در خارج در یک بستر زمانی از محدود کردن به سمت تسهیل، حمایت و در نهایت تشویق تغییر داده است؛ به گونه‌ای که جریان سرمایه‌گذاری مستقیم چین در خارج از کمتر از ۲ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۰ به ۱۳۳ میلیارد دلار در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته و اقتصاد دیجیتال سهم مهمی از کل این افزایش را تشکیل می‌دهد. این ارقام را می‌توانید مقایسه کنید با خروج حدود ۱۰۰ میلیارد دلار سرمایه ایرانی در دهه اخیر و نوع سرمایه‌گذاری‌های آن از جمله سرمایه‌گذاری در خرید املاک ترکیه و برخی کشورهای همجوار.

او با تأکید بر اینکه ایران از دیگر کشورهای جهان مستثنی نبوده و برای توسعه

به آن وارد شود. رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق تهران با اشاره به تحولات منطقه و مناقشات میان چین و آمریکا و برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله ایران و چین و آثار و پیامدهای کرونا و تغییرات زنجیره‌های ارزش جهانی گفت: ظرف چند سال آتی، صحنه جهانی دگرگون خواهد شد و بنابراین لازم است تا از قبل برای آن آماده شویم و دانش و شناخت خود را به‌روز و عمیق کنیم تا بتوانیم تصمیمات بهتری بگیریم.

ایران طبق نظر چینی‌ها از میان ۶۵ کشور اولویت دوازدهم را در ابتکار کمربند-جاده دارد. در عین حال، چینی‌ها به دلایل روشنی در پی جذب ایران در این طرح هستند. این میل به چند دلیل عمده است: ذخایر نفت و گاز، منابع کانی و غیرفلزی، نیروی انسانی، بازار پرکشش داخلی، بازارهای تحت نفوذ ایران در غرب آسیا و موقعیت ترانزیتی از جمله دلایل جذابیت ایران برای چین است. یکی دیگر از جذابیت‌هایی که ایران برای چین دارد، استقلال رای و مواضع سیاسی ایران در عرصه بین‌المللی است. اما ایران مشکلات خود برای کار در نظام‌های بین‌المللی را هنوز حل نکرده و از این ناحیه برای پیوستن به ابتکار یک کمربند-جاده مشکلاتی وجود دارد. از آنجا که جهان طی سالیان آتی در طرح «کمربند-جاده»، شاهد سرریز میلیاردها دلار سرمایه به کشورهای همکار این ابتکار خواهد بود، ایران باید خود را برای کسب هرچه بیشتر منافع این طرح آماده سازد تا بتواند بخشی از سوخت توسعه خود را از مجرای این طرح تأمین کند. توصیه کارشناسان حاضر در نشست اتاق بازرگانی تهران این است که ایران در جاده جدید ابریشم به شکل هوشمندانه مشارکت کند.

چین که قصد دارد برنامه همه‌جانبه‌ای در ابعاد فرهنگی-اقتصادی-امنیتی و سیاسی برای شرکای خود تدارک ببیند، شرکای اصلی خود را در این ابتکار معرفی کرده که سنگاپور و روسیه اولویت‌های اصلی هستند. ناشناخته بودن ایران و

و رشد اقتصادی نیازمند همکاری با کشورهای دیگر و بهره‌گیری از سرمایه‌گذاری خارجی است، گفت: برای موفقیت در جذب سرمایه‌های خارجی، باید بستر و زیرساخت مناسب آن را در کشور فراهم کرد. بنابراین مرکز خدمات سرمایه‌گذاری اتاق تهران با هدف مهیاسازی زیرساخت‌ها و بستر مناسب جذب سرمایه‌گذاری و آموزش و گسترش دانش در حوزه سرمایه‌گذاری خارجی و همچنین ساده‌سازی پروسه سرمایه‌گذاری و اصلاح موانع موجود، در سال ۱۳۹۴ شروع به کار کرد. به همین منظور تفاهم‌نامه‌های همکاری با سازمان‌ها و شرکت‌هایی مانند سازمان سرمایه‌گذاری، Ey، Delloite، Ro-، land Berger، Pcc-Uk منعقد شد تا بتوانیم از دانش و تجربه برترین شرکت‌های جهانی بهره‌مند شویم. مستوفی در ادامه به موضوع ابتکار کمر بند-جاده پرداخت و گفت: چین اکنون بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران است و در عین حال طرح «کمر بند-جاده» یک برنامه بلندمدت سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری بین‌قاره‌ای است. اگرچه کمر بند-جاده یک ابتکار جهانی است، اما تمرکز عمده آن بر کشورهای آسیا، شرق آفریقا، اروپای شرقی و خاورمیانه قرار گرفته است. رئیس کمیسیون بازار پول و سرمایه اتاق تهران افزود: بنا بر ادعای مقامات چینی، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم شرکت‌های چینی در اقتصاد کشورهای شرکت‌کننده در کمر بند-جاده ابریشم، بالغ بر ۱۳۰ میلیارد دلار بوده است. داده‌های مربوط به سرمایه‌گذاری‌های چینی در ۱۴۰ کشور ابتکار کمر بند-جاده نشان می‌دهد که میزان کل سرمایه‌گذاری در طرح کمر بند-جاده در ۶ ماهه اول سال ۲۰۲۱ حدود ۱۹/۳ میلیارد دلار بوده است. حال آنکه ایران با برخورداری از موقعیت بالقوه استراتژیک در صورتی که بتواند از این پروژه بهره‌برداری کند، می‌تواند نقش و جایگاه مناسبی در این ابتکار داشته باشد و از آن در جهت منافع ملی بهره گرفته و جایگاه اقتصادی خود را در سطوح

منطقه‌ای و جهانی ارتقا دهد. از این رو، ما باید بر اساس دانش و آگاهی و همچنین با فراست و هوشمندی و در نظر گرفتن جوانب مختلف و این اصل که کشورهای مختلف از جمله چین به دنبال بیشینه‌سازی منافع ملی خود هستند، برای به دست آوردن بیشترین منافع برای ایران تلاش کنیم. او با اشاره به تحولات منطقه و مناقشات میان چین و آمریکا و برنامه همکاری جامع ۲۵ ساله ایران و چین و آثار و پیامدهای کرونا و تغییرات زنجیره‌های ارزش جهانی، گفت: ظرف چند سال آتی، صحنه جهانی دگرگون خواهد شد و بنابراین لازم است تا از قبل برای آن آماده شویم و دانش و شناخت خود را به‌روز و عمیق کنیم تا بتوانیم تصمیمات بهتری بگیریم. در رابطه با طرح کمر بند-جاده نیز سوالات بسیار زیادی وجود دارد که نیازمند پاسخ دقیق و عمیق است. اگرچه اطلاعات گسترده و پراکنده‌ای در سطح رسانه‌ها و اینترنت منتشر شده است، اما عموماً دانش عمیق و دقیقی ایجاد نمی‌کند. برای این منظور ما نیازمند آن هستیم که از دانش تجربه افراد داخل کشور که در حوزه کمر بند-جاده پژوهش داشته‌اند، بهره‌مند شویم. همچنین لازم است از تجربه و دانش خود چینی‌ها و کشورهای درگیر در این پروژه بهره ببریم و از تجارب آنها بیاموزیم.

اهمیت ایران برای هژمونی چین

بخش دیگری از این نشست به گفته‌های فریدون وردی‌نژاد مربوط بود. وی با اشاره به قدرت مانور بالای چین در شرق آسیا و قدرت مانور محدود این کشور در غرب آسیا گفت: چین برای محقق ساختن راهبرد خود در غرب آسیا، چاره‌ای جز تقویت روابطش با ایران ندارد. ایران از چند جنبه برای چین حائز اهمیت است؛ ذخایر نفت و گاز، منابع کانی و غیرفلزی، نیروی انسانی، بازار پر کشش داخلی، بازارهای تحت نفوذ ایران در غرب آسیا و موقعیت ترانزیتی از جمله دلایل جذابیت ایران برای کشور چین است. یکی دیگر از جذابیت‌هایی که ایران برای چین دارد، استقلال رای و مواضع سیاسی ایران در عرصه بین‌المللی است. سفیر اسبق ایران در چین افزود: بر اساس طرح چینی‌ها و اعلام سیاست دولت جمهوری خلق چین در خصوص فعال‌سازی جاده ابریشم، این طرح در دو مسیر زمینی و دریایی ۶۵ کشور را در آسیا، خاورمیانه، اروپا و شمال آفریقا در برمی‌گیرد. از میان این ۶۵ کشور، ۲۰ کشور جزو کشورهای اصلی قرار گرفته‌اند و ایران اولویت دوازدهم را به خود اختصاص داده است. اینکه ایران به‌رغم ظرفیت‌هایی که دارد در اولویت‌های نخست قرار نگرفته، به دلیل نبود گردش روان اطلاعات میان دو کشور و مسائلی مانند عدم عضویت ایران در FATF است. بدیهی است که به دلیل قرار گرفتن ایران در اولویت دوازدهم، سرمایه‌اندکی از این مشارکت اقتصادی کسب خواهد کرد. او در بخش دیگری از سخنانش گفت: از بعد امنیتی، حکومت چین معتقد است که در قالب جاده ابریشم باید سرمایه‌های خود را در آسیا پهن کند. بر اساس آمارهای رسمی، فقط ۱۲ درصد از امکانات چین در خارج قرار گرفته و باید تا سال ۲۰۳۵ این رقم باید به ۴۰ تا ۵۰ درصد برسد.

سه ابهام خواب چین برای احیای جاده ابریشم

دیگر بخش این نشست به تحلیلی مربوط بود که آرش رئیسی‌نژاد از نقشه چین برای احیای جاده ابریشم در ابعاد دیجیتال، اقتصادی، صنعتی، فرهنگی، تکنولوژیک و امنیتی پرداخت. عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران ۵ هدف عمده چین از طراحی «ابتکار کمر بند-جاده» را تشریح کرد و گفت: بر مبنای اسناد چشم‌انداز، چینی‌ها در نظر دارند برنامه‌ای را طراحی کنند که در قالب آن همه بازیگران مشارکت‌کننده در ابتکار، به اهداف ۵ گانه سند یعنی «هماهنگی سیاست‌ها»، «تسهیل پیوندها و ارتباطات»، «آزادسازی تجاری»، «همگرایی مالی» و «پیوندهای فرهنگی و مردمی» دست یابند. منظور از هماهنگی سیاست‌ها از نظر چینی‌ها این است



که مبادلات سیاسی بین دولتی در سطح کلان شکل گرفته و به طراحی مکانیزمی در راستای گسترش و تعمیق ارتباطات، توسعه همکاری‌ها و تحقق سیاست‌های هماهنگ اقتصادی منجر شود.

این استاد دانشگاه تهران با اشاره به اهمیت احترام به آزادی اقتصادی در مسیر اجرای ابتکار کمربند-جاده یادآور شد: آزادسازی سرمایه‌گذاری و تسهیل تجارت، از میان برداشتن موانع تجارت و سرمایه‌گذاری، در کنار افزایش همکاری‌های گمرکی و مبادله منظم اطلاعات از جمله مواردی است که در این بخش برای چینی‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است.

او در ادامه در باب سازوکار سرمایه‌گذاری و پیامدهای اقتصادی آن سخن گفت. رئیسی نژاد با اشاره به اینکه نقطه آغاز این پروژه در چین و نقطه پایان آن در اروپای جنوبی است، گفت: اگر این کلان‌پروژه به طور کامل اجرایی شود، ۶۵ درصد جمعیت جهان، معادل ۴/۴ میلیارد نفر را پوشش می‌دهد. همچنین برآورد تخمینی هزینه‌های کمربند-جاده تا سال ۲۰۳۰ حدود ۸ تریلیون دلار است.

عضو هیات علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران در ادامه به اهداف چین در پروژه کمربند-جاده پرداخت و گفت: هماهنگی سیاست‌های بین‌دولتی در سطح کلان، تسهیل پیوندها و ارتباطات، آزادسازی تجارتی، همگرایی مالی و پیوندهای فرهنگی از جمله این اهداف است اما به طور کلی کلان‌پروژه راه ابریشم، بهترین ابزار چین برای اعمال قدرت، و رای مرزهایش است.

رئیس نژاد برآورد اولیه تعداد پروژه‌ها در این طرح را ۹ هزار پروژه عنوان کرد و گفت که آسیا-پاسیفیک در اجرای این پروژه‌ها در صدر قرار گرفته و به طور کلی کانون مرکزی راه ابریشم، منطقه پاسیفیک، خاورمیانه و آسیای مرکزی است. او سپس به تشریح موقعیت‌ها و ظرفیت‌های راه ابریشم دریایی، قطبی و راه ابریشم دیجیتال پرداخت و شش مروراید را که در مسیر جاده ابریشم

نقش آفرینی دارند، به ترتیب «کرادر تایلند»، «کیائوپکیو در میانمار»، «چیتاگونگ در بنگلادش»، «هامبانتونا در سریلانکا»، «ماله در مالدیو» و «بندر گوادر در پاکستان» عنوان کرد. وی با یادآوری سهم ۱۴ درصدی خاورمیانه از تعداد پروژه‌های ابتکار کمربند-جاده، ۷۵ درصد از کل پروژه‌های مورد نیاز برای تحقق اهداف چینی‌ها در جای جای جهان در حال اجراست.

این پژوهشگر با اشاره به سرمایه‌گذاری چندصد میلیارد دلاری ۱۴ نهاد چینی و بین‌المللی در هزاران پروژه این ابتکار اعلام کرد: از کل پروژه‌های در دست اجرا در این طرح بین‌المللی، تاکنون بیش از ۲۲۵ میلیارد دلار صرف پروژه‌های انرژی شده که همین عامل اهمیت حضور ایران در این طرح را نشان می‌دهد.

دو برابر شدن حجم تجارت میان چین و کشورهای کمربند-راه در فاصله سال‌های ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۹ از سطح ۷۲۰ میلیارد دلار به ۱۳۴۰ تریلیون دلار دیگر مودی بود که رئیسی نژاد به آن اشاره کرد.

سرشت بازی ایران با چینی‌ها در جاده باستانی

در نهایت اینکه باید دقت کرد نحوه بازی ایران در مگا پروژه چینی‌ها اهمیت بسیاری دارد. تحلیل کارشناسان نشست اتاق تهران این بود که چین در کنار رشد گسترده اقتصادی، قصد دارد «ابتکار کمربند-جاده» را به مسیری برای نفوذ خود بر جهان تبدیل کند. در این راستا، حضور ایران در این طرح، اهمیت بالایی برای توسعه ابتکار چینی‌ها دارد. سیاستگذاران کشور نیز باید با آگاهی از این واقعیت، نقش ایران در احیای جاده باستانی ابریشم را بپذیرند. این طرح که از نظر بسیاری از تحلیلگران روابط بین‌الملل به برآمدن آسیا در برابر غرب منجر خواهد شد، در طول سه دهه آینده روی رفاه و امنیت ایران تاثیر بسزایی خواهد داشت. ارزیابی تحلیلگران که در این نشست حاضر بودند، این است که ایران بدون توسعه عملکردهای فنی و اداری خود قادر به جذب منافع و مزایای این طرح نخواهد بود. از آنجا که این طرح روی ۴/۴ میلیارد نفر از جمعیت جهان تاثیر گذار خواهد بود و مجموعاً ۸ تریلیون دلار را در حوزه زیرساخت‌ها در مسیر ابتکار کمربند-جاده سرمایه‌گذاری می‌کند، حضور ایران در طرح می‌تواند پتانسیل بزرگی برای توسعه صادرات و افزایش توان کشور در مسیر توسعه باشد/دنیای اقتصاد.



مرکز پژوهش‌های اتاق ایران بررسی کرد

تأثیر ویران‌کننده تحریم بر موقعیت ژئواکونومیک ایران

سلطان‌نشین عمان و بندر روتردام هلند توسعه یافته و مدیریت می‌شود. روند توسعه این بندر در سال ۲۰۰۴ آغاز شد و در سال ۲۰۱۰ منطقه آزاد آن روبه توسعه گذاشت. در طی این سال‌ها مجموعه ۲۷ میلیارد دلار در این بندر سرمایه‌گذاری شده است. در وضعیت کنونی در این بندر به صورت هفتگی یک میلیون تن کالا جابه‌جایی می‌شود.

صحار یکی از سریع‌ترین روندهای رشد و توسعه بندرها در جهان را در سال‌های اخیر تجربه کرده است. در منطقه آزاد صحار سه مجتمع صنعتی مرتبط با حوزه معدن، پتروشیمی و لجستیک ایجاد شده است. اخیراً چهارمین مجتمع صنعتی مختص صنایع غذایی به این مجموعه اضافه شده است. این مجتمع غذایی نخستین ترمینال در عمان است که قادر به دریافت کالاهای کشاورزی، فرآوری و بسته‌بندی آنها و ارائه خدمات لجستیک در این حوزه است.

بندر صحار از طریق شبکه جاده‌ای و فرودگاهی به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس دسترسی دارد و واحداث شبکه ریلی نیز در دستور کار قرار گرفته است. منطقه آزاد صحار ۴۵ کیلومتر مربع مساحت دارد و فضای عظیمی را در اختیار شرکت‌ها برای انجام فعالیت‌های تجاری و صنعتی قرار می‌دهد. فاز اول منطقه آزاد تجاری سه سال پیش از موعد به بهره‌برداری رسید و ۲۶ شرکت بزرگ بین‌المللی در آن مستقر شدند.

منطقه آزاد این بندر در مجموع چهار هزار و ۵۰۰ هکتار وسعت خواهد داشت. در این بندر کوشش شده تا انواع مشوق‌ها برای حضور شرکت‌ها در نظر گرفته شود و محیط کسب و کار بسیار باثباتی ایجاد شود. بندر صحار از مشارکت با بندر روتردام به عنوان یکی از مجموعه‌های پیشرفته در جهان سود می‌برد. همین‌هم باعث شده در ارائه خدمات بندری مدرن بسیار موفق عمل کند. برنامه توسعه بندر در بخش جنوبی آن در حال انجام است به گونه‌ای که در آینده ۲۵ کیلومتر مربع به منطقه آزاد تجاری این بندر اضافه خواهد شد. به علاوه در پیامد توسعه بندر به سمت جنوب ظرفیت برای پهلوگیری کشتی‌های غول‌پیکر در این بندر افزایش خواهد یافت. به موازات توسعه سریع این بندر نیازهای انرژی آن نیز روزافزون است. در همین راستا بندر صحار قراردادی با شرکت شل برای تولید انرژی خورشیدی با هدف تامین بخشی از نیازهای فزاینده منعقد کرده است. ظرفیت هر پروژه تولید انرژی خورشیدی ۲۵ مگاوات

در قالب چشم‌انداز اقتصادی عمان، این کشور در نظر دارد در افق ۲۰۴۰ به یکی از ده کشور نخست جهان در زمینه لجستیک و در بخش حمل و نقل و ارتباطات به دومین منبع درآمدهای ملی تبدیل شود. از همین رو سلطان‌نشین عمان برنامه‌هایی را برای توسعه زنجیره‌ای از بندرها برای مقاصد تجاری، صنعتی، توریستی و ماهیگیری تعریف کرده است. دو بندر عمده صحار و سلاله در کانون کوشش‌های این کشور برای تبدیل شدن به هاب لجستیک در خلیج فارس قرار دارند. بندر صحار عمان که از سال ۲۰۰۴ فعالیت خود را برای تبدیل شدن به هاب لجستیک آغاز کرده، در میانه سپتامبر گام مهمی بر خواهد داشت. این بندر از میانه سپتامبر سال جاری تامین سوخت برای نفتکش‌ها را آغاز می‌کند. این اقدام عمان در بندر صحار در راستای رقابت با امارات عربی متحده ارزیابی شده است. صحار بر خلاف جبل علی به هرگز و ریسک‌های ناشی از آن وابسته نیست. این بندر در حال تبدیل شدن به هاب لجستیک کلیدی در منطقه است. از همین رو مروری مختصر بر روند توسعه آن ضروری است. بندر و منطقه آزاد صحار بر مبنای سرمایه‌گذاری مشترک ۵۰-۵۰ بین



گسترش پیدا می کند و در مجموع ۱۲۷۰ کیلومتر راه آهن سریع السیر در این کشور ایجاد خواهد شد. مصر در سال های اخیر کوشش های فراوانی برای تبدیل شدن به هاب لجستیک میان اروپا و آسیا انجام داده است. اخیراً این کشور پروژه تعریض کانال سوئز را به پایان رسانده است افزون بر این در چارچوب کمر بند و راه چین، سرمایه گذاری های مهمی در این کشور صورت گرفته است. مجموعه لجستیکی عظیمی توسط شرکت های چینی در حاشیه کانال سوئز ایجاد شده است. مصر عضو سازمان تجارت جهانی است و با اتحادیه اروپا و کشورهای آفریقایی موافقت نامه های تجارت آزاد دارد؛ بنابراین زیرساخت های نرم لجستیک این کشور فراهم است.

سایه سنگین طالبان بر موقعیت ایران در ژئواکونومی افغانستان

در هفته های اخیر ایالات متحده با خروج از افغانستان که به معنای پایان تکیه بر قدرت نظامی است، به طور فزاینده بر اهرم های اقتصادی برای کنترل رفتار طالبان و اثرگذاری بر آن متمرکز می شود. از ۹ میلیارد دلار ذخایر ارزی دولت افغانستان هفت میلیارد دلار آن در آمریکا نگهداری می شود، ۱/۳ میلیارد دلار از آن در سایر حساب های بین المللی و ۷۰۰ هزار دلار آن در بانک تسویه حساب های بین المللی نگهداری می شود. این ارقام به خوبی نشان دهنده توان ایالات متحده برای تاثیرگذاری بر رفتار اقتصادی طالبان است.

پس از سقوط کابل ایالات متحده دسترسی طالبان به این منابع مالی را مسدود کرده و اعلام داشته است که در حال حاضر تصمیمی برای گشایش، جز ارائه مجوزهای محدود و بشردوستانه ندارد. البته اقدام ایالات متحده با مخالفت گروه های حقوق بشری و نیز روسیه مواجه شده است. روسیه استدلال می کند که منزوی کردن طالبان و عدم دسترسی آنان به منابع مالی احتمالاً باعث می شود به تجارت مواد مخدر یا قاچاق اسلحه روی بیاورند که برای جامعه بین المللی تبعات منفی خواهد داشت.

بر اساس گزارش مرکز پژوهش های اتاق ایران، اهرم دیگر ایالات متحده وابستگی شدید افغانستان به اقتصاد جهانی است. افغانستان شدیداً کشوری وابسته به واردات است. در سال ۲۰۱۹ حجم واردات کالایی این کشور ۸/۶ میلیارد دلار بوده است. زغال سنگ، گندم و نفت در صدر کالاهای وارداتی افغانستان بودند. افزون بر این ۷۰ درصد از نیروی برق

برآورد شده است. برنامه توسعه بندر صحار و چابهار تقریباً در یک بازه زمانی آغاز شد. در بیش از یک دهه ای که از آغاز این روند می گذرد، بندر چابهار تقریباً در همان شرایط اولیه باقی مانده و حتی وعده سرمایه گذاری ۵۰۰ میلیون دلاری هند در آن نیز عملیاتی نشده است. در همین بازه زمانی ۲۷ میلیارد دلار در بندر صحار سرمایه گذاری صورت گرفته و به هابی لجستیک در منطقه بدل شده است. شکاف فزاینده بین صحار و چابهار یکی از نمادهای تاثیر ویران کننده تحریم بر موقعیت ژئواکونومیک کشور است.

مصر در پی سوئزریلی

دولت مصر اخیراً با شرکت زیمنس آلمان قراردادی ۴/۵ میلیارد دلاری برای ایجاد خط آهن برقی سریع السیر به طول ۶۶۰ کیلومتر منعقد کرده است. مدیر شرکت زیمنس این طرح را کانال سوئزریلی خوانده است، از آن جهت که دریای سرخ را به دریای مدیترانه متصل می کند. در قالب این طرح بندر عین سخنا در دریای سرخ را به بندر اسکندریه در سواحل مدیترانه متصل می کند. تا سال ۲۰۲۷ این خط احداث می شود و سالانه ظرفیت جابه جایی ۳۰ میلیون مسافر و حجم عظیمی از کالا را خواهد داشت. در فاز دوم، این پروژه به مناطق دیگر مصر

افغانستان از طریق واردات تامین می شود و سالانه هزینه ای حدود ۲۷۰ میلیون دلار در بر دارد. طالبان امکان پرداخت چنین هزینه ای برای واردات برق بدون دسترسی به منابع مالی افغانستان ندارد. برآوردها نشان می دهد که طالبان تنها امکان تامین منابع مالی برای دو روز از واردات افغانستان را دارد. اهرم دیگر آمریکا در برابر طالبان، موقعیت ویژه این کشور در میان ارائه دهندگان کمک های بین المللی به افغانستان است. تحریم های ایالات متحده عملاً مانع کمک های بشردوستانه به افغانستان می شود. از همین رو این کشور در هفته های اخیر مجوزهای محدودی برای ارائه کمک های بشردوستانه به افغانستان صادر کرده است. پیش از سقوط کابل و برآمدن طالبان، افغانستان سالانه ۸/۵ میلیارد دلار کمک دریافت می کرد. این میزان کمک ۴۳ درصد تولید ناخالص داخلی این کشور را تشکیل می دهد. ۷۵ درصد از هزینه های عمومی این کشور از طریق کمک ها تامین می شد و ۵۰ درصد بودجه این کشور وابسته به کمک های بین المللی بود. از همین روست که در هفته های اخیر مقامات بلندپایه دولت پیشین افغانستان هشدار داده اند که در صورتی که مبادلات مالی افغانستان با جهان مسدود بماند و کمک ها همچنان متوقف باشد، اقتصاد این کشور از هم خواهد گسیخت.

به عنوان نمونه ای دیگر شرکت انکشاف ملی که انجام پروژه های عمرانی در این کشور را برعهده دارد اعلام کرده است که ۷۰۰ پروژه عمرانی این شرکت در نقاط مختلف افغانستان، به دلیل قطع کمک های بین المللی متوقف شده اند. مهم تر آن که ۹۰ درصد از هزینه های نیروهای نظامی و امنیتی این کشور از طریق کمک های بین المللی تامین می شد. طالبان برای برقراری ثبات در کشور جنگ زده و مستعد تنش، نیازمند ارتشی کارآمد است. چنین ارتشی نیازمند منابع مالی عظیم است که از درون افغانستان قابل تامین نیست. اثر تحریم های آمریکا در قطع و کاهش مبادلات سیستم مالی بین المللی با بانک های افغانستان سریع تر از سایر بخش های اقتصاد بروز یافته است. از ۱۲ بانک موجود در افغانستان سه تای آنها

بانک های دولتی است که تحت کنترل طالبان قرار می گیرد؛ بنابراین مستقیماً تحت تحریم های ایالات متحده است. سایر بانک های افغانستان خصوصی اند و به شبکه بانکی بین المللی برای انجام تراکنش ها به شدت وابسته اند. در هفته های اخیر بانک های بزرگ بین المللی از جمله citi bank مرادوات با شبکه بانکی افغانستان را به حالت تعلیق درآورده اند و دلیل آن را نگرانی از نقض تحریم های ایالات متحده برشمرده اند. اتاق بازرگانی افغانستان - آمریکا که شبکه بانکی افغانستان نیز بخشی از آن محسوب می شود از دولت این کشور خواسته تا مجوزهای محدودی برای تراکنش های بانکی صادر کند. منابع مالی حاصل از نیروی کار افغانستان در خارج از این کشور نیز نقش قابل توجهی در اقتصاد آن دارد. ۴ درصد تولید ناخالص داخلی افغانستان را منابع مالی ارسال شده توسط کارگران این کشور در سایر نقاط جهان تشکیل می دهد. این منابع خرد مالی از طریق موسساتی چون وسترن یونیون و مانی گرام منتقل می شوند. هر دوی این موسسات همکاری با افغانستان را به حالت تعلیق درآوردند. البته ایالات متحده در روزهای اخیر به آنها مجوز فعالیت در افغانستان راداده است.

در تحولی دیگر طالبان نشانه های فزاینده ای از نزدیکی و همکاری اقتصادی با پاکستان بروز داده است. در روزهای پس از تصرف کابل توسط طالبان برای نخستین بار ۵۰۰ تن کود شیمیایی از بندر گوادر پاکستان به افغانستان ارسال شد. افزون بر این طالبان به شدت بر همکاری با چین و پاکستان تاکید کرده است و صریحاً افغانستان را به عنوان بخشی از کریدور اقتصادی چین پاکستان برشمرده است. به نظر می رسد طالبان با پیش بینی روابط پرتنش با ایالات متحده و تداوم تحریم های این کشور می کوشد بیشتر و بیشتر به چین نزدیک شود تا بخشی از مشکلات اقتصادی از این مسیر کاهش یابد. تاکید طالبان بر تبدیل افغانستان به بخشی از کریدور اقتصادی چین - پاکستان به آن معناست که مسیر همکاری سه جانبه ایران، هند و افغانستان بر محور چابهار در آینده اولویتی نخواهد داشت و حاکمان جدید افغانستان تمایلی به استفاده از مسیر چابهار برای نقل و انتقال کالا نخواهند داشت. به دیگر سخن رقابت قدیمی چابهار با گوادر و کراچی با سلطه طالبان بر افغانستان احتمالاً به سود گوادر و کراچی حل و فصل خواهد شد. مهم تر آنکه تبدیل شدن افغانستان به بخشی از کریدور اقتصادی چین پاکستان به معنای زوال موقعیت ایران در ژئواکونومی افغانستان نیز خواهد بود. البته هنوز برای سخن گفتن قاطع در این باره باید قدری احتیاط کرد. اما روندها به سوی تنیدگی ژئواکونومی افغانستان در پاکستان پیش می رود و این بی شک علیه منافع اقتصادی دولت و بخش خصوصی ایران است.

آمادگی پاکستان برای اجرای فاز دوم کریدور اقتصادی چین و پاکستان

دولت پاکستان می کوشد رضایت چین برای اجرای فاز دوم پروژه کریدور اقتصادی چین - پاکستان را کسب کند. کریدور مهم ترین این زیرمجموعه ابتکار کمربند و راه چین محسوب شده و از طرفی بزرگ ترین پروژه توسعه اقتصادی و سرمایه گذاری در تاریخ پاکستان محسوب می شود. فاز نخست این پروژه به حوزه های زیرساختی و انرژی اختصاص داشت. تاکنون ۱۲ میلیارد دلار از پروژه های سرمایه گذاری شده در مراحل پایانی قرار گرفته اند و ۱۳ میلیارد دلار دیگر نیز در قالب فاز نخست در حال اجرا هستند. فاز دوم این پروژه اهدافی فراتر از حوزه انرژی و زیرساخت ها را مدنظر دارد. به دیگر سخن دگرگون سازی اقتصاد پاکستان از طریق سرمایه گذاری های عظیم، انتقال و فناوری، آموزش نیروی کار ماهر و تسهیل تجاری در دستور کار فاز دوم این طرح قرار دارد. البته در فرآیند اجرایی شدن فاز نخست این پروژه رقابت های سیاسی داخلی در پاکستان، فضای کسب و کار نامناسب در این کشور و از همه مهم تر حملات گهگاه به شهروندان چینی در این کشور توسط گروه های تروریستی و مخالف دولت پاکستان زمینه را برای تردیدهای فزاینده شرکت های چینی فراهم آورده است. این شرکت ها برای ورود به فاز دوم پروژه که نیازمند سرمایه گذاری های عظیم تر است، تردیدهای جدی دارند. به همین دلیل دولت پاکستان می کوشد فضای کسب و کار خود را برای آغاز فاز دوم این پروژه بهبود بخشد.

افزون بر این دولت پاکستان تلاش می کند تا با روی کار آمدن طالبان، افغانستان را به

هفت خوان اقتصاد

گام ششم

خوشبختانه یکی از اولویتهای آقای رئیسی در دولت، مبارزه با فساد است. اما این برنامه باید در کمترین زمان ممکن و با قطع مداخلات دولت در اقتصاد شکل بگیرد. ریشه فساد تصمیمات و مداخلات غیر ضرور دولت ها در اقتصاد است. بنابراین یک بعد از فساد اختلاس یا عدم بازپرداخت تسهیلات بانکی است که البته بخشی از این نوع فساد نیز ناشی از قوانین و مقررات متزلزل است. در سال های اخیر بسیاری از انواع فسادها به پشتوانه تعدد بخشنامه ها و مقررات رخ داده است.

وجود امضاهای طلایی، چندنرخ شدن کالاها و ارز، محدودیت صدور مجوز، انواع سهمیه بندی ها و... از جمله زمینه هایی بروز فساد است که فعالیت های اقتصادی بخش خصوصی را به شدت تحت تاثیر قرار می دهد. بنابراین شفاف سازی و مقابله با فساد از طریق حذف امضاهای طلایی و کاهش محدودیت ها از دیگر اقدامات مهم رئیس دولت جدید باید باشد.

گام آخر

آخرین گام دولت آینده ساماندهی نظام بودجه ریزی کشور است. در حال حاضر روند تدوین بودجه به این شیوه است که دولت پیشنهاد بودجه را ارائه می دهد و نمایندگان مجلس با توجه به نیاز منطقه خود آن را چکش کاری می کنند. اما در نهایت بودجه متورمی تدوین می شود که هیچ گاه محقق نمی شود. هزینه های بودجه معمولاً کاملاً پابرجا و استوار است، اما منابع درآمدی بودجه عمدتاً محقق نمی شود. در گذشته دولت کسری بودجه را از طریق افزایش فشارهای مالیاتی تا حدودی جبران می کرد. اما دیگر بیش از این امکان فشار آوردن برای دریافت مالیات هم وجود ندارد. نتیجه این روند کسری بودجه شدید، دست اندازی به منابع بانک مرکزی یا چاپ پول بدون پشتوانه و خلق پول الکترونیکی است که این خلق نقدینگی با سرعت هر چه تمام خود را در نرخ تورم نشان می دهد. آنچه امروز شاهد آن هستیم.

در نهایت اگر روند بودجه ریزی در سال های آتی نیز به همین منوال دنبال شود، با رشد حجم نقدینگی کشور قادر به کنترل تورم افسار گسیخته شکل گرفته نخواهد بود.

در جریان بودجه نویسی، دیگر نکته قابل تامل که همواره مغفول مانده، توزیع متوازن بودجه عمومی، متناسب با طرح آمایش سرزمین است. البته این ضعف در نظام بودجه ریزی کشور، به یک دولت و مجلس منحصر نمی شود و از اواخر دهه ۱۳۳۰ که درآمدهای نفتی دولت و به تبع دیوانسالاری اداری دولت افزایش یافت، به خوبی مشاهده می شود. انتظار می رود که منابع مالی دولتی تمرکز بیشتری بر مناطق کم برخوردار داشته باشد تا از این مسیر، شاهد توسعه متوازن کشور و رشد اقتصادی فراگیر باشیم. اما هم در لابی گیری های دولتی و هم ویرایش مجلس در لایحه بودجه، اعم از کمیسیون تلفیق و صحن علنی، معمولاً سهم کمتری به مناطق محروم اختصاص می یابد و از این طریق، توسعه نیافتگی در این مناطق تثبیت می شود. اگرچه کشور با چالش های اقتصادی دیگری از جمله صندوق هایی نظیر تامین اجتماعی و بازنشستگی، بورس و... مواجه است. اما اگر این هفت اولویت اقتصادی مرتفع شود، بسیاری از مسائل اقتصادی کشور بهبود خواهد یافت.

کریدور اقتصادی چین - پاکستان پیوند بزند و از این مسیر مشوق های جدیدی برای سرمایه گذاری چین در این پروژه ایجاد کند. برخی مقامات پاکستان اعلام کردند که چین آمادگی سرمایه گذاری ۱۴ میلیارد دلاری در افغانستان را برای پیوند زدن این کشور به کریدور اقتصادی چین - پاکستان دارد. روشن است که این مباحث در وضعیت کنونی بیشتر برنامه های دیپلماتی اقتصادی پاکستان را عیان می کند اما عملی شدن آنها تضمین شده نیست. با وجود این می توان گفت که کریدور اقتصادی چین و پاکستان با افت و خیزهایی احتمالاً تداوم خواهد یافت و در پیامد اجرای آن پاکستان نه تنها به مهم ترین شریک استراتژیک چین در جهان بلکه به مهم ترین شریک اقتصادی این کشور در جنوب آسیا نیز احتمالاً بدل خواهد شد.

تداوم همکاری چهار جانبه مصر، اردن،

سوریه و لبنان

همکاری چهار جانبه لبنان، اردن، مصر و سوریه که در شماره پیشین پایش تحولات به آن اشاره شد با موافقت و حمایت دولت سوریه وارد مرحله جدیدی شده است. هفته گذشته عالی ترین هیأت لبنانی از ابتدای بروز جنگ داخلی در سوریه تاکنون راهی این کشور شد و با مقام های سوری در مورد انتقال گاز مصر و برق اردن از طریق خاک این کشور به لبنان گفت و گو کرد. سوریه موافقت خود را با این پروژه اعلام کرده از طرف دیگر ایالات متحده نیز موافقت خود با همکاری در انجام این طرح که بانادیده گرفتن تحریم های آمریکاعلیه این کشور امکان پذیر است، ابراز داشته است. لبنان از یک سال پیش با مصر و اردن وارد رایزنی هایی شده و مذاکرات فنی در این حوزه به نتیجه رسیده است. افزون بر این آنان موفق شدند موافقت ایالات متحده در مورد تعلیق تحریم های سوریه را کسب کنند. با موافقت دولت سوریه به نظر می رسد این پروژه در آستانه اجرایی شدن است. / جهان صنعت

بی ثباتی قوانین؛ همچنان گلايه مهم فعالان اقتصادی

ماه به صورت آمارگیری تلفنی انجام شد و مشارکت ۶۹ درصدی فعالان اقتصادی استان را به همراه داشت.

در این طرح، ۲۸ مانع اصلی در محیط کسب و کار با احتساب اثر کرونا به عنوان یکی از موانع موجود سنجیده شد و فعالان اقتصادی مشارکت کننده، همچون دوره های اخیر به ترتیب سه مولفه «غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات»، «بی ثباتی سیاست ها، قوانین و مقررات و رویه های اجرایی ناظر بر کسب و کار» و «موانع در فرآیندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب و کار در دستگاه های اجرایی» را نامناسب ترین عوامل اثر گذار بر این محیط معرفی کردند.

به گفته محمد رضا هاشمی، کارشناس پایش طرح ها و برنامه های اتاق بازرگانی مشهد، سه عامل «دسترسی به آب»، «دسترسی به حامل های انرژی» و «نحوه استقبال مشتریان از نوآوری و ابتکار در ارائه خدمات و محصول» نیز به عنوان مولفه های مناسب ارزیابی و جمع بندی شدند.

رتبه پنجم خراسان رضوی در زمینه اثرپذیری از کرونا

هاشمی، به میزان تأثیر گذاری و ویروس کرونا بر کسب و کارها از نظر فعالان اقتصادی شرکت کننده در طرح پایش اشاره می کند و می گوید: خراسان رضوی با کسب نمره ۵،۷۴، رتبه پنجم را از لحاظ میزان اثرپذیری از ویروس کرونا در بین استان های کشور کسب کرده است.

نکته مهم در این میان، تأثیرپذیری بخش گردشگری و خدمات از ویروس کرونا در مقایسه با دیگر بخش های اقتصادی است. بخش گردشگری و کسب و کارهای مرتبط با این حوزه در یک سال و نیم اخیر بیشترین تأثیر منفی را از شیوع این ویروس در خراسان رضوی داشته اند و با توجه به تأثیر این بخش بر اقتصاد این استان، جالب است که رتبه پنجم اثرپذیری از کرونا را در بین استان های کشور کسب کرده ایم.

در گزارش مرکز پژوهش های اتاق بازرگانی، در خراسان رضوی نمره مولفه بی ثباتی سیاست ها، قوانین و مقررات در زمستان ۱۳۹۹ معادل ۷،۹۳ و مولفه موانع در فرآیندهای اداری و اخذ مجوزها دارای امتیاز ۷،۶۶ بوده است. در بهار ۱۴۰۰ این دو به ترتیب به رقم ۷،۰۲ و ۷،۰۵ کاهش یافته است. با وجود بهبود در این شاخص ها بعد از مولفه غیر قابل پیش بینی بودن قیمت ها با نمره ۷،۴۵، ضعیف ترین عملکرد برای استان بین سایر شاخص ها در این موارد ثبت شده است که بهبود جزئی نسبت به سال ۱۳۹۹ رخ داده است.

بی ثباتی قوانین، گلايه مهم فعالان اقتصادی

به گفته علی اکبر لبافی، رئیس دبیرخانه شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی خراسان رضوی، آنچه مسلم است، بدترین وضعیت در میان شاخص های کسب و کار، مربوط به شاخص بی ثباتی قوانین و مقررات و رویه های اجرای ناظر بر کسب و کار و مهم تر از آن غیر قابل پیش بینی بودن این تغییرات است؛ مثل: دسترسی نداشتن بسیاری از بنگاه های اقتصادی مابین خلاف ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار به استفاده مطلوب از انرژی در استان. کارشناسان معتقدند قوانینی که در حوزه های مختلف تولیدی، گمرکات، روابط کار، حمل و نقل، تجارت و تامین زیرساخت ها تصویب شده، برای بهبود محیط کسب و کار مناسب است؛ اما مشکل اصلی، اجرا نشدن این قوانین و نبود ضمانت اجرایی برای آنهاست.

رتبه بندی جدید محیط کسب و کار استان های کشور اعلام شد و خراسان رضوی با صعود هفت پله ای در مقایسه با زمستان پارسال، به رتبه سوم کشوری دست یافت. این در حالی است که در بهار ۱۳۹۹ رتبه خراسان در کشور ۲۶ بود؛ یعنی در یکسال اخیر این استان ۲۳ رتبه صعود داشته است.

بر اساس پایش ملی محیط کسب و کار ایران در بهار ۱۴۰۰ از سوی اتاق ایران، خراسان رضوی با کسب نمره شاخص ۵/۳۳، رشد خوبی را جدول استان ها داشته و نسبت به مدت مشابه سال گذشته (بهار ۱۳۹۹)، ۲/۵ درصد ارتقا در این شاخص را تجربه کرده است.

به گفته حسین امیر رحیمی، مدیر کل امور اقتصادی و دارایی خراسان رضوی، بهبود قطعی امتیاز استان در مقایسه با مقاطع زمانی اسفند و بهار ۱۳۹۹ و معنی دار شدن و تقویت وضعیت نمونه گیری با افزایش تعداد نمونه و مشارکت بیشتر فعالان اقتصادی در پاسخگویی همراه بوده است. همچنین، اقداماتی مثل افتتاح پنجره واحد شروع کسب و کار و برنامه ریزی نهادهای حاکمیتی استان در تشکیل نهادهای موثر سیاست گذاری، کاهش زمان و هزینه و تسهیل صدور مجوزهای قانونی، از جمله دلایل ارتقای جایگاه خراسان رضوی از نظر فضای کسب و کار برای فعالان اقتصادی و سرمایه گذاران بوده است.

مشارکت ۶۹ درصدی فعالان اقتصادی در پایش محیط کسب و کار

در این دوره ۲۹۷ فعال اقتصادی از خراسان رضوی برای شرکت در طرح پایش محیط کسب و کار از سوی اتاق ایران تعیین شدند. اعلام نظر و تکمیل پرسشنامه طی مدت یک

نمره هر یک از ۲۸ مؤلفه طرح پایش محیط کسب و کار استان به همراه میزان تغییرات نسبت به فصل گذشته مطابق جدول ذیل آمده است. (تغییرات منفی به منزله بهبود نمره مؤلفه نسبت به فصل گذشته می باشد).

مؤلفه	زمستان ۹۹	بهار ۱۴۰۰	درصد تغییر
دخلات هاي غيرمنطقي نهادهاي حاکميتي در تعيين قيمت ها در بازار	۶,۳۱	۴,۹۷	۲۱,۲۴%
وجود انحصار، امتیاز یا هرنوع رانت به يك یا تعدادي از رقبا در بازار	۵,۹۴	۴,۷۲	۲۰,۵۴%
ضعف زیرساختهای حمل و نقل جاده اي، ریلی، هوایی، دریایی و بندري	۶,۳۷	۵,۲۸	۱۷,۱۱%
بي تعهدي طرف هاي قرارداد و معامله به اجرای تعهدات و وعده هايشان	۶,۲	۵,۱۷	۱۶,۶۱%
رويه هاي ناعادلانه ممیزی و دریافت مالیات	۷,۷۸	۶,۷	۱۳,۸۸%
دشواري تامین مالي از بانکها	۷,۲۶	۶,۲۷	۱۳,۶۴%
پرداخت هاي سلیقه اي از قوانین و مقررات توسط مأموران محیط زیست، شهرداری، گمرک، بهداشت	۷,۵۳	۶,۵۴	۱۳,۱۵%
وجود رقابت غيرمنصفانه شرکتها و مؤسسات دولتي یا شبه دولتي در بازار	۵,۵۲	۴,۸۴	۱۲,۳۲%
رويه هاي سختگیرانه اداره های کار و بیمه تامین اجتماعی برای مدیریت نیروي انساني	۷,۲۵	۶,۳۸	۱۲,۰۰%
فقدان یا شفاف نبودن آمار و اطلاعات مورد نیاز برای فعالیت اقتصادی	۵,۶۶	۵,۰۹	۱۰,۰۷%
ضعف دادگاهها در رسیدگی به شکایات و پیگرد موثر متجاوزان به حقوق دیگران	۶,۵۱	۵,۸۷	۹,۸۳%
بی ثباتی سیاستها، قوانین و مقررات و رویه های اجرایی ناظر بر کسب و کار	۷,۹۳	۷,۱۶	۹,۷۱%
فساد و سوءاستفاده افراد از مقام و موقعیت اداری در دستگاههای اجرایی	۷,۵۱	۶,۸۸	۸,۳۹%
موانع در فرایندهای اداری و اخذ مجوزهای کسب و کار در دستگاههای اجرایی	۷,۶۶	۷,۰۲	۸,۳۶%
تداخل عمومی به خرید کالاهای خارجی و بی رغبتی به خرید محصولات ایرانی	۴,۲۹	۴,۰۱	۶,۵۳%
ضعف نظام توزیع و مشکل در رساندن محصول به بازار	۴,۳۶	۴,۱۷	۴,۳۶%
عرضه کالاهای و محصولات قاچاق در بازار ایران	۴,۴۸	۴,۲۹	۴,۲۴%
محدودیت دسترسی به آب	۴,۴۱	۴,۳۱	۴,۱۵%
کمبود نیروي کار ماهر	۴,۴۴	۴,۲۷	۳,۸۳%
نحوه استقبال مشتریان از نوآوری و ابتکار در ارائه خدمات و محصول	۳,۹۴	۳,۷۹	۳,۸۱%
فقدان ارتباط مناسب میان عوامل تامین مواد اولیه، تولید و عرضه یک محصول در بازار	۴,۶۳	۴,۵۸	۱,۰۸%
کارگریز عوامي و ضعف فرهنگ کار در جامعه	۴,۴۳	۴,۴۳	۰,۰۰%
کمبود فناوریهای نوین و تجهیزات مورد نیاز	۴,۶۳	۴,۶۴	۰,۲۲%
کمبود تقاضا در بازار	۴,۳۳	۴,۴۵	۲,۷۷%
تولید و عرضه نسبتاً آزاد کالاهای غیراستاندارد و تقلبی در بازار	۴,۳۶	۴,۵۹	۵,۲۸%
غیرقابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات	۶,۸۷	۷,۴۵	۸,۴۴%
محدودیت دسترسی به حامل های انرژی	۲,۵۱	۲,۸۲	۱۲,۳۵%
محدودیت هاي دسترسی به شبکه تلفن همراه و اینترنت	۳,۴۶	۴,۰۵	۱۷,۰۵%

ایجاد کرده است. هر چند که برخی افزایش قیمت دلار را متوجه تحولات افغانستان می دانند؛ اما بخشی از این ماجرا به سوء مدیریت های داخلی بازمی گردد. لذا بخش خصوصی از دولت انتظار دارد که به صورت جدی تر به این حوزه ورود کند.

رخصت اظهار می کند: در سال های اخیر به دلیل سوء مدیریت ها، قوانین زیاد و بعضاً متناقض و مغایری تدوین شده است، بر همین اساس دولت باید گامی در راستای قانون زدایی بردارد و قوانین و مقررات دست و پاگیر را حذف کند تا فعالیت های اقتصادی با سهولت بیشتری

لبافی با انتقاد از اجرا نشدن قانون بهبود محیط کسب و کار می گوید: تاکنون صرفاً حدود ۲۵ درصد از قانون بهبود محیط کسب و کار توسط دولت اجرایی شده؛ البته همین میزان نیز به نحو تمام و کمال عملیاتی نشده است. به بیان دیگر، این میزان از عملیاتی شدن برای بخش خصوصی رضایت بخش نیست؛ به طور مثال، تعداد مراجعات دستگاه های اجرایی به بنگاه های اقتصادی باید به حداقل برسد؛ اما طبق برآوردها، بیش از ۵۰ دستگاه اجرایی، موسسات عمومی و سازمان ها به بنگاه های اقتصادی مراجعه می کنند و هر یک از سازمان ها نظارت های زیادی دارند که این مسائل باید در دولت سیزدهم به حداقل برسد.

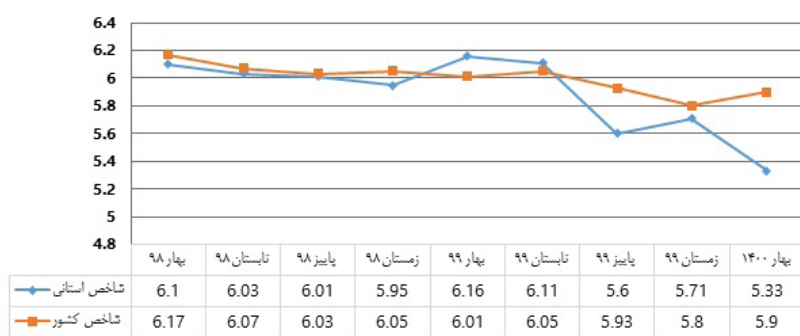
رئیس دبیرخانه شورای گفت و گوی دولت و بخش خصوصی خراسان رضوی یادآور می شود: متأسفانه این مسائل حاکی از آن است که مجلس شورای اسلامی و دولت در زمان تصویب قانون، ابلاغ آیین نامه ها و بخش نامه ها از نظرات کارشناسی بخش خصوصی استفاده نمی کنند، لذا مسیر قانون گذاری، صدور مصوبات دولت ها و بخش نامه ها از بالا به پایین است و اصولاً نظر تشکل ها و نهادهای بخش خصوصی اخذ نمی شود. در حالی که اگر نظر بخش خصوصی اخذ می شد، این قوانین در اجرا دچار تزلزل نمی شدند.

نوسانات دلاری و تاثیر بر قیمت مواد اولیه

امادرباره غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات به عنوان اولین شاخص نامناسب محیط کسب و کار، می توان به ریشه یابی این مشکل پرداخت.

نوسانات شدید قیمت دلار یکی از دلایل نارضایتی فعالان اقتصادی از وضعیت محیط کسب و کار است. به گفته غلامعلی رخصت، رئیس کمیسیون صنعت اتاق بازرگانی مشهد، نوسانات شدید قیمت دلار به معضلات محیط کسب و کار دامن زده و بر قیمت مواد اولیه و قیمت نهایی کالا تاثیر مستقیمی داشته است. وی ادامه می دهد: افزایش ناگهانی قیمت مواد اولیه، نگرانی و دغدغه خاطر بسیاری برای کارآفرینان و فعالان اقتصادی

مقایسه شاخص استان خراسان رضوی با شاخص کل



که از دستورات تحریمی تمکین نمی کنند؛ وارد کرد؛ اما در کل برای تامین مواد اولیه از بسیاری کشورها حتی کشورهای آفریقایی با مشکل مواجه هستیم؛ چرا که آمریکا جرایم بسیار سنگینی را برای شرکت هایی که قوانین تحریمی را دور می زنند، اعمال می کند. از این رو، این کشورها جرات مبادله اقتصادی با ایران را ندارند.

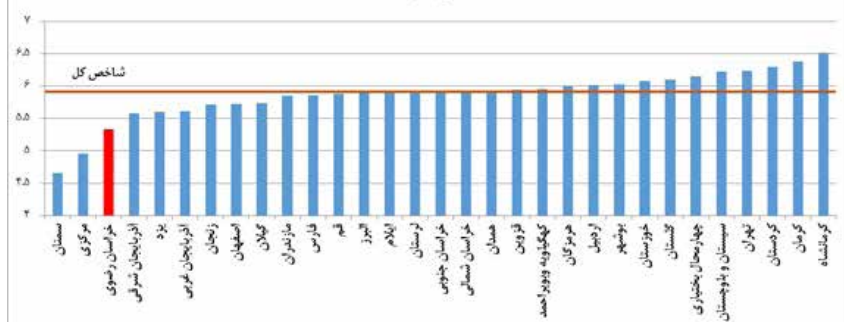
عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی مشهد با اشاره به کاهش حجم معاملات اقتصادی ایران با کشورهای همسایه مثل تاجیکستان، ترکمنستان و... در سال های اخیر، می گوید: بعضا این کشورها نیز تابع قوانین تحریم های بین المللی هستند. البته ناگفته نماند بازار تامین مواد اولیه ایران بیشتر کشورهای اروپایی و غربی است و کشورهای همسایه ظرفیت تولید و تامین مواد اولیه صنایع ایرانی را ندارند.

مشکلاتی که هر سال تکرار می شود

به گفته مدیر کل امور اقتصادی و دارایی خراسان رضوی، در این استان، دسترسی به منابع مالی، نرخ و شیوه دریافت مالیات، وجود رقبای غیر رسمی در بازار و کمبود نیروی کار آموزش دیده، ناپایداری محیط قانونی و سیاسی، سرگردانی راهبردی در بخش سیاست گذاری انجام کسب و کار و آشنا نبودن کامل مدیران سازمان ها با نقش خود در بهبود محیط کسب و کار، از موانع این محیط هستند. امیرحجیمی می گوید: در سال ۱۳۹۸ تعداد ۸۹ فعال اقتصادی که به نیابت از بخش خصوصی خراسان رضوی در پایش محیط کسب و کار شرکت کرده اند، غیر قابل پیش بینی بودن و تغییرات قیمت مواد اولیه و محصولات، بی ثباتی سیاست ها، قوانین و مقررات و رویه های اجرایی ناظر بر کسب و کار و رویه های نا عادلانه ممیزی و دریافت مالیات را از عوامل و موانع عمده محیط کسب و کار در سه ماهه آغازین آن سال دانسته اند، که این مشکلات همچنان در استان وجود دارد.

مقایسه مشکلات محیط کسب و کار بهار امسال با دو سال قبل نشان می دهد که مسوولان طی این مدت کار بزرگی برای از بین بردن موانع پیش پای فعالان اقتصادی در این بخش هانکرده اند. شاید باید نگاهی به آینده مذاکرات برجامی و تاثیر آن بر نرخ دلار، تحریم ها و دیگر عوامل داشت و امیدوار بود که وضعیت کسب و کار در این شاخص ها پس از این بهبود یابد.

شاخص بهار ۱۴۰۰



انجام بگیرد. همانطور که طی روزهای اخیر بخش نامه هایی در حوزه گمرک صادر شده که در صورت تحقق، برای حوزه تجارت تسهیل گری خواهد کرد تا کالا ارزان تر و با سهولت بیشتری ترخیص و به تبع آن، صاحبان کالا هزینه های انبارداری کمتری بپردازند. لذا اگر سازمان های دولتی مختلف به همین میزان گام های موثری را برای از بین بردن قوانین مخل کسب و کار بردارند، قطعاً شاهد شکوفایی هر چه بیشتر اقتصاد خواهیم بود.

فعالان اقتصادی در سال های اخیر به ویژه از سختگیری های بانکی، بیمه ای و مالیاتی در خراسان رضوی گلایه مند بودند. رخصت هم در این باره می گوید: متأسفانه گاهی فعالان اقتصادی از سوی سازمان هایی مانند تامین اجتماعی هزینه هایی را متحمل می شوند که این مساله تاثیر مستقیمی بر افزایش قیمت نهایی کالاها دارد. علاوه بر این، موانع این چنینی موجب بروکراسی شدید اداری می شود که صاحبان بنگاه های اقتصادی را بعضاً از ادامه فعالیت باز می دارد.

تحریم های بین المللی، مشکلی دیگر در تامین مواد اولیه

محمدرضا توکلی زاده، عضو هیات رئیسه اتاق بازرگانی مشهد نیز مشکل تامین مواد اولیه را یکی از چالش های بزرگ پیش روی تولید کنندگان می داند و می گوید: بخشی از مواد اولیه مورد نیاز کارخانجات، تولید داخلی است که صنایع به راحتی می توانند آن را تهیه کنند؛ اما برای تامین آن بخش از مواد اولیه ای که از خارج تامین می شود، با چالش های عظیمی مواجه هستیم. لذا تا زمانی که مسائل مربوط به واردات، مباحث ارزی و تحریم های بین المللی حل نشود، این مشکلات کماکان به قوت خود باقی خواهد بود. البته این مساله صرفاً در حوزه تامین مواد اولیه صدق نمی کند؛ بلکه لوازم یدکی صنایع را هم در بر می گیرد. به طوری که شاید قطعه ای کوچک برای مدت ها بتواند کارخانه را از مسیر تولید خارج کند. وی یادآور می شود: هر چند که بعضاً می توان مواد اولیه صنایع داخلی را از کشورهای خارجی

ALWAYS AT THE PEAK

ربع قرن خوشنامی و افتخار



شرکت تولیدی و صنعتی سامد



تولید کننده:

فرمالین

رزین اوره فرمالدئید (UF)

رزین ملامین فرمالدئید (MF)

فرم اوره (UFC)

چسب های پایه حلالی

چسب های پایه آبی

مشهد: کیلومتر ۲۷ بزرگراه قوچان

صندوق پستی: ۹۱۳۷۵-۴۵۶۶

تلفن: (۰۵۱)۳۱۶۶۹ (خط ۴۰)

فکس: (۰۵۱)۳۲۴۶۳۳۱۴

دفتر تهران: تلفن: (۰۲۱)۸۸۷۷۴۲۵۵

۸۸۷۹۰۶۶۹، ۸۸۷۹۰۶۸۰

فاکس: (۰۲۱)۸۸۷۹۵۲۹۵



www.samed.ir samed@samed.ir

چسب د شدد

اتصال ناگسستنی در صنایع ایران